

فهرست مطالب

۲	سر مقاله / ضرورت صلح و همزیستی مسالمت آمیز اداره مجله
۳-۴	گرامیداشت از روز بیرق ملی کشور معین مسلکی وزارت ارشاد، حج و اوقاف
۵-۶	د آزادی او خپلواکۍ دورځې په ویاړ مولوی عبدالملک حمیدی
۷-۸	تګدی یا ګدایی در مساجد استاد غلام الدین کلانتری
۹-۱۲	اهمیت وقایه از دیدگاه اسلام ... / قسمت اول استاد محمد شریف رباطی
۱۳-۱۵	اسلام دین فطرت و نیاز مبرم بشری زین العابدین کوشان
۱۶-۱۹	دېڅېښې او زغم ټولنیزې اړتیاوې او ښېګڼې استاد محسن حنیف
۲۰-۲۳	اهمیت صحت شخصی و محیطی در اسلام سید نصیر هاشمی
۲۴-۲۶	سید جمال الدین افغان ... فضل محمد حسینی
۲۷-۳۱	فرازهای تقدیر و تشکر از همدیگر ... / قسمت اول سید مسلم شاه اسدی
۳۲-۳۵	اخلاص یا جوهر اعمال صالحه عبدالرحمن حازم
۳۶-۳۹	ماهیت خجسته یوم عاشورا / قسمت اول مولوی عنایت الله شریفی
۴۰-۴۱	چاپیریال ساتنه استاد احمد گل
۴۲	تدبیر و آینده نگری احمد شکیب شنسب
۴۳-۴۴	مولانا عبدالرحمن جامی (رح) مردی از تبار قدسیان سید سهیل عاصمی
۴۵-۴۸	اهمیت و فوائد زکات در اسلام استاد نورالله کوثر
۴۹-۵۲	ارزش کار و جایگاه کارگر در اسلام ... / قسمت اول استاد امان وفا
۵۳	د محمد قاسم حلیمی ژوند لیک ته لنډه کتنه... حاجی توکل بخشی
۵۴-۶۰	کارکردها و گزارش ها حاجی توکل بخشی

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَّ



دیني، علمي، ادبي، تحقیقي او اجتماعي
مياشتنۍ خپرونه
دامتياز خاوند: د ارشاد، حج او اوقافو
وزارت
د تاسیسی نېټه: ۱۳۳۱ لمریز کال

مدیر مسوول

مولوی عنایت الله شریفی

سکرتر مسوول

سید مسلم شاه اسدی

هیأت تحریر

محترم فضل محمد حسینی

استاد غلام الدین کلانتری

مولوی عبدالملک حمیدی

استاد محمد شریف رباطی

استاد محسن حنیف



دور دوم، سال هجدهم، شماره ششم

ماه سنبله ۱۳۹۹ هجری شمسی

محرم الحرام - صفر المظفر

۱۴۴۲ هجری قمری



ضرورت صلح و همزیستی مسالمت آمیز



صلح: در لغت به معنای سازش و ضد فساد و از بین بردن نفرت است، این واژه در علوم سیاسی به معنای آرامش و امنیت عمومی در میان افراد کشور است؛ در قرآن کریم این واژه مقدس در مفهوم دیگر {سلم} نیز به کار رفته است در حقیقت صلح تبیین کننده آشتی و رابطه همزیستی مسالمت آمیز بین انسان هاست اسلام در قالب واژه "صلح" خواستار مودت، عدالت، امنیت، گذشت، احترام متقابل بوده صلح را پرهیز از جنگ و خون ریزی و تجاوز و تعدی به حقوق دیگران می داند از دیدگاه قرآنکریم اسلام و صلح همواره دارای مفهوم و ریشه مشترک می باشند که در ارتباط با یکدیگر بوده و در مسیر هم قرار دارند، از نظر اندیشمندان اسلامی واژه مقدس (سلم و اسلام) مرتبط با معنای صلح، امنیت و عدالت کاربرد دارد. خداوند متعال در آیات متعددی این مساله را مورد عنایت قرار داده است و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْخُلُوا فِي الْبَيْتِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ البقرة: ۲۰۸

ای اهل ایمان، همه گی در مقام تسلیم خدا در آید و از وسوسه های شیطان پیروی نکنید که او همانا شما را دشمن آشکار است . اسلام به عنوان دین جهانی، منادی صلح و دوستی میان تمام انسان هاست و ازدیدگاه اسلام روابط انسان ها در زندگی اجتماعی بر پایه صلح و هم زیستی مسالمت آمیز و همکاری و نیکی کاری استوار است، حتی در مواضع گسترده ترکیز نموده می فرماید:

﴿وَلَا تَجْرُوا لِلْإِسْلَامِ فَاجْتَنِبْهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ الأنفال: ۶۱

ترجمه: [و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود را به خداوند واگذار که خدا شنوا و داناست.] همچنان بر مشترکات انسانی عطف نموده یکبار دیگر او را متوجه همزیستی مسالمت آمیز می نماید ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلَكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ الحجرات: ۱۳ ای آدمیان ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و بر دسته ها و طوایف گوناگون قرار دادیم تا با یکدیگر معرفت حاصل نمایید و بدانید که در نزد خداوند گرامی ترین شما پرهیزگارترین شماست و خداوند بر همه چیز دانا و باخبر است .

اما این اصل (صلح) میان مسلمانان به وظیفه شرعی مبدل شده است و اجرای آن برای هر مسلمانی واجب است. به طور مثال در آموزه های اسلام بر هر مسلمانی توصیه شده هنگامی که به مسلمان دیگر رو برو شوند به یکدیگر سلام بگویند که این امر مودت آور است . ناگفته پیداست که امنیت مولود صلح است؛ تنها در جامعه ای که صلح بر آن استوار است و مردم در آن با هم برادر وار زندگی مسالمت آمیز دارند احساس آسودگی رفاه و پیشرفت و امکان برقراری امنیت وجود دارد .

پس این دو اصل (صلح و امنیت) در کنار یکدیگر معنا می یابند، در فضایی صلح و امنیت است که کرامت انسانی حفظ خواهد شد، تحمل، همدیگر پذیری، همکاری و همراهی مسالمت آمیز میان انسان ها رقم خواهد خورد جامعه و مردم رو به سوی علم ترقی و آبادی پیشرفت رهنمون خواهند شد .

چنانچه که می دانیم امنیت، ایمنی و آسودگی را در قبال دارد، ایمان نیز از همین ماده و به معنای قرار دادن خود و دیگران در امن و آسایش است زیرا مومن با پذیرش ایمان، خود را از عذاب الهی حفظ می کند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی حراست از حالت فراغت و هرگونه تهدید و نیز آمادگی برای دفاع و رویارویی بامتعرضین از موءلفه های امنیت است این مسئله به صورت امنیت فردی، اجتماعی، ملی و بین المللی کاربرد دارد .

بنابراین از نظر اسلام صلح و همزیستی مسالمت آمیز بین انسانها با عقاید گوناگون، یک ارزش و هدف است و هدف از صلح، مصلحت گرایی نیست بلکه خود صلح، مصلحت بزرگ بین جامعه انسانی است، زیرا این امر با فطرت انسانی سازگار می باشد، در موجودیت و شرایط صلح، رشد و تعالی همه انسان ها، گرایش به حق و رستگاری ممکن می گردد. از اینرو برقراری صلح میان ملت ها، دعوت به صلح جهانی و همزیستی مسالمت آمیز بر اساس توحید و عدالت و پارسایی، هدف نهایی اسلام و پیروان این دین است. به نظر می رسد به تأسی به این آموزه ها می توان را هگشای خروج کشور و جامعه دینی ما از وضعیت کنونی در این حالت اسفبار (ازجنگ و درگیری های فراوان) که همه داشته های انسانی را به نابودی کشیده و هستی ما را تهدید میکند رهایی یابیم . به امید تحکیم صلح دایمی و سراسری در کشور اسلامی ما.

اداره مجله

گرامیداشت از روز بیرق ملی کشور

سخنرانی معین مسلکی وزارت

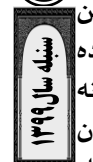
وقال الذی صلی الله علیه وسلم ان الله علی کل شیء علم، مشاورین بزرگوار، رؤسای محترم و منسوبین وزارت ارشاد، حج و اوقاف و حاضرین در تالار قبل از همه السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته. امروز هفتم اسد مصادف است به روز ملی بیرق، در قدم نخست ورود این روز را در حالیکه بیرق ملی کشور در کوه پایه های افغانستان در احتزاز و برافراشته شده است، به تک تک شمایان و تمام ملت مسلمان تبریک و تهنیت میگویم به امید اینکه درفش درخشان ماکه حیثیت انواع گلهای مختلف یک باغ را دارند در فضای صمیمیت، دوستی، تحمل و همدیگر پذیری، زیست و زندگی داشته باشند، من میخواهم که بادر نظر داشت مقتضی حال به مناسبت از این روز پیرامون بیرق طی چهار عنوان مباحث بسیار مختصر و کوتاه داشته باشم. اول یک تعریف از بیرق داشته باشیم که بیرق چیست؟ دوم نامهای بیرق در زبانهای مختلف چی بوده و چرا به این نامها مسماشده، سوم تاریخچه بیرق در جامعه بشری چی وقت به وجوه آمده و چرا به میان آمد؟ و چهارم جایگاه و اهمیت بیرق در بین گروه ها و قبایل و بالاخره حکومت ها و اجتماعات بزرگ چه جایگاه و اهمیت داشته است. دانشمندان تعریفی که به بیرق کرده

اند: میگویند که بیرق قطعه پارچی است منقوش به نشان خاص که معمولاً به میله آویخته میشود که این تقریباً تعریف واقعی است که به چشم سر میبینیم و به عنوان نمادی یک قوم، کشور، گروه، سازمان معین به کار برده میشود، این تعریف در اصطلاحات سیاسی ما برای بیرق همین تعریف شده است یعنی تعریف دو بخش دارد، بخش اول چهره ظاهری بیرق را برای ما معرفی میکند و بخش دیگری چهره معنوی و باطنی بیرق را اشاره دارد، در زبان فارسی برای بیرق پرچم گفته شده، علم گفته شده، درفش گفته شده، رعیت گفته شده و در زبان عربی لواء، الرعیه البیرق والعلم میباشد این کلمات است که برای بیرق در زبان عربی استعمال شده است. تاریخچه بیرق: منابع تاریخی اکثراً سابقه بیرق را به پنج هزار سال قبل تعریف کرده اند، که بیرق پنج هزار سال سابقه تاریخی دارد ولی ابن خلدون در تاریخ خود نوشته میکند که: نخیر! قدامت استفاده از پرچم و یا بیرق به آغاز خلقت انسان باز میگردد همان قسم که سایر پدیده های اجتماعی به آغاز زندگی اجتماعی بشریت ابتدای شده است، ابن خلدون به این نظر است که بیرق و یا پرچم، لوا، علم، یا درفش، پرچم در این همه سال از آوان زندگی بشریت از بیرق استفاده شده است، مطالعه تاریخی اقوام گذشته نشان

میدهد که در مصر قدیم در آن کشور در بین یهودیان چیزی بنام بیرق و یا علم وجود داشته و حتی در کتاب مقدس یهودیان که عبارت از تورات است از این علم و یا بیرق، نام برده شده است. مرحله سوم تاریخ بیرق: در عصر جهالت یعنی قبل از بعثت رسول الله زمانیکی مسئولیت های کعبه تقسیم بندی می شده موضوع لوا و بیرق به یک قبیله خاص بنام بنی عبدالدار سپرده میشده که بیرق به حدی ارزش و اهمیت داشته که در بخش های که مسئولیت خدمات به حجاج است که با جی مسئولیت تقسیمات میشده، یک بخش نگهداری و حفاظت، رعایت و توجه برای لوا و بیرق بوده که این برای قبیله سپرده شده، در آغاز بعثت رسول الله هم این سنت اجتماعی را برایش مهر صحت داده شده و یا به عبارت دیگر میگویم که



وجودیت پرچم در دین مقدس اسلام از جمله دساتیر امضای وجود



داشته است. رسول الله وقتی آمده است که این پرچم را حفظ و نگاه داری کرده است، که بادورنگ که متأسفانه از این دورنگ بر علیه مسلمانان استفاده میشود، بادورنگ سیاه و سفید، پیغمبر صلی الله علیه و سلم با تفکیک حالات مادی

وحالات جنگی بیرق داشته حتی پرچم داری و بیرق داری یک منصب وجایگاه معنوی بوده است، در زندگی رسول الله واصحاب کرام او اگر ما یک نمونه ارایه کنیم در غزوه مؤنه وقتی اصحاب کرام توظیف میشوند قضیه پرچمداری و علم بردار مطرح میشود پیغمبر صلی الله علیه وسلم امارات را سلسله وار تقسیم بندی میکند و این امارات را با تعبیر انتقال بیرق برای زید بن حارثه و بعد از زید بن حارثه به حضرت جعفر و بعد از حضرت جعفر به عبدالله ابن رواحه انتقال یافته اینها به این اساس اند، موقوفی که در خطبه های نماز جمعه از حضرت علی کرم الله وجهه صفت میکنیم یک لقب شان همین است که وحامد الواح الحمد و یکی از القاب حضرت حمزه پرچم دار است، علم بردار است، این که در تاریخ اسلام ما هم بیرق جایگاه خود را داشته، گذشته از این در کشور ما تقریباً در حدود هشت قانون اساسی گذشته است، در هر کدام از این ماده های مشخص در رابطه به جایگاه و معرفی بیرق وجود داشته است، قانون موجود در ماده نهم خود بیرق ما را تعریف کرده است که من در جایگاه و اهمیت بیرق اشاره میداشته باشم با این فورمول تاریخی حالا می آیم برای اهمیت و جایگاه بیرق که بیرق خود از یک دیدگاه گفتم که یک قطعه پارچه است که در یک میله آویخته میشود ولی در بخش دیگرش گفتم که نماد قدرت است نماد حکومت است. سه نوع عبارت را در رابطه به جایگاه و به مناسبت روز بیرق میگویم نه مناسبت اینکه شما مخاطبین من هستید، شما همه تان در این راستا معلومات دارید. عبارت اول که نماد یک استقلال، هویت و اقتدار یک واحد اجتماعی است، استقلال یک نعمت والای الهی است، و اقتدار یک نعمت الهی است، همان علامات و نشانه هایی



که از وجه تسمیه هایی را علم هم میگویند، همین مفهومش است که هویت ملی یک کشور را تمثیل میکند، در یک کشور هویت ملی بیرق همان کشور است، عبارت دوم نقش پرچم و بیرق در طول تاریخ به عنوان نماد قدرت، اتحاد، همبستگی و صاحب بیرق به عنوان فرد شجاع و مورد اعتماد و برجسته گروه باعث گردیده است که در ادبیات و در زبانها بیرق به استعاره گرفته شود، برای قدرت و اقتدار و در اصطلاحات محلی خود داریم که میگوییم بیرقت بالا باشد، معنی اش این است که همین اقتدار توان مندی و قدرت بالا باشد. بناءً ما که امروز تجلیل از روز بیرق داریم در حقیقت تجلیل از استقلال، هویت و اقتدار، داریم، در آغاز یک آیه ی مبارکه را تلاوت کردم اینرا بخاطر تلاوت کردم که در یکی از تفاسیر بسیار یک نقطه جالب را پیدا کردم که شاید در آغاز سوال پیدا شده باشد که مناسبت آیت به بیرق چیست؟ در یکی از تفاسیر در آیه (و تذهب ریحکم) عجیب یک تحلیل را یافته ام که چرا خداوند میگوید که اختلاف نکنید که سست میشوید و ریح تان میبرد، مفسر بزرگوار نوشته کرده است که تعبیر از این وزش باد به پرچم ها و بیرق ها نشانه برپا بودن پرچم و بیرق است، طبیعتاً بیرق هایی برافراشته شده است، آنرا باد میوزد حرکت دارد، همین حرکات تعبیر این است که این نظام پابرجاست که اینجایک استقلالیت وجود دارد، در اینجا یک هویت وجود دارد، اینجا یک اقتدار وجود دارد، اگر باد نوزید و این بیرق از این حرکات خود ماند، معنی اش این است که استقلال، دیگر مورد هویت و اقتدار وجود ندارد و همان بادیکی نماد استقلال، نماد هویت و نماد اقتدار تان را در تحرک میآورد در نتیجه اختلاف نظام از بین میبرد و دیگر شما نه استقلال دارید و نه هویت دارید و نه هم اقتدار با این تعبیر قرآن عظیم الشأن تعبیر کرده است، از بین رفتن باد ها در این آیه مبارکه تعبیرش این است که کنایه از این است که با اختلافات میان مسلمانان

دیگر پرچم ایشان احتیاز نخواهد داشت و از قدرت بر خوردار نخواهد بود، بناءً بر افراشته بودن بیرق و بر افراشته ساختن بیرق در حقیقت بر افراشته ساختن استقلال، هویت و اقتدار است، یک نقطه دیگر را اشاره میکنم که بیرق ما نسبت به بیرق های دیگر از یک سلسله امتیازات بر خوردار است ماده نهم در قانون اساسی ما بیرق را که تشریح کرده است، خوب چهره شبیه بیرق را که گفتیم که قطعه پارچه است که به میله آویزان میشود، بخش دیگرش را گفتیم که نماد استقلال، هویت و اقتدار است، بیرق ما نماد دیانت ماست محراب ما در بیرق ماست، منبر ما در بیرق ماست، کلمه توحید ما لاله الله و محمد رسول الله در بیرق ما است، شعار مبارزات ما که الله اکبر است، در بیرق ماست، تاریخ استقلال ما در بیرق ماست، این چیز هایی است، که بیرق ما را نسبت به بیرق های دیگران برجسته تر میسازد به این معنی است که اسلام در نماد این کشور در ابعاد مختلف اش نهاده است هیچکس به هیچ عنوانی خود را خسته و مانده نسازد که اسلام را در این کشور از بین ببرد ضرور به این نیست که در احتیاز در آوردن در فاش سه رنگ ملی کشور ما سمبول محراب منبر و خوشه گندم و یا مزین بودن کلمه لاله الله محمد رسول الله و شعار الله اکبر پاسخ دندان شکن است این در فاش در طول تاریخ در این کشور بر افراشته بوده است، بر افراشته است، و در آینده ها هم بر افراشته خواهد بود،

چراغ را که ایزد بر فروزد
هر آنکس پف کند ریشش بسوزد .

د آزادی او خپلواکۍ د ورځې په ویاړ

مولوی عبدالملک حمیدی

هغه ذات چې هیڅ ساری او شریک نلری، او زه په دغه باندې مامور شوی یم، او زه د لومړنیو مسلمانانو چې د الله تعالی په وحدانیت، حقانیت، الهیت او ربوبیت باندې ایمان لري، له جملې نه یم.

آزادی هغه دلولی نعمت دی چې هر مخلوق یې غواړی، ورپسې هغه کوي او اسارت او غلامی نه کرکه کوي، مرغان په قفس کې هغه سندرې غږوي چې له قفسه د خلاصیدو او آزاد ژوند ته د ورتلو امیدونه پکې وي، دغرو غرځنی چې کله بندې شي، که څه هم ښه خواړه ورته برابر او ښه پالنه او روزنه یې هم وشي، خو بیا هم ورته زندان او زهروې او ورځ په ورځ مړاوي کیږي.

آزادی خو هرچاته خدای ورکړی لوی نعمت او ورکړه پیرزینه ده، خو یوه ډله انسانان پیدا کیږي چې ځینې مظلومې طبقې دې، افراد او توکمنه دخدای ورکې دغه نعمت نه محرومي، هرڅه ورنه اخلي، آزادی یې خپه کوي او د آزادی او خپلواکۍ آوازې په ستونې کې ور وچوي، له مال، اولاد، جایداد، استعداد، هنر او علم څخه یې د خپل ځان په ګټه کار اخلي او د یوې بې آوازه صامتې آلې په څیرې استعمالوي.

دغه مفکوره هله راپیدا کیږي چې

﴿وَأَتَيْنَكُم مِّن كُلِّ مَآسَاءٍ لِّتَمُوتُوا ۖ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا ۚ إِنَّ الْإِنسَانَ لَفَ لَظَلُومٌ ۝۳۴﴾
[ابراهيم: ۳۴]

ژباړه: او درمو کړل تاسو ته له هر هغه څه نه چې تاسو وغوښتل نو که چېرې وغواړی د الله تعالی نعمتونه و شمیري نو دا چې زښت ډیردی، تاسو یې نشی حسابولی او اندازه یې نشي معلومولی.

الله جلت عظمته چې داسې نعمتونه او نا زونه، اکرامونه دغه انسان ته درکړل او دی یې د بنده له غلامی او بندګۍ او بردګۍ نه خلاص کړ، پدې شرط سره چې یوازې باید دغه بنده خپل پالونکی، روزونکی، پیدا کوونکی، پنا کوونکی، عزت او ذلت ورکوونکی رب ته د عبودیت او بندګۍ سرتیت او دهغه احکم الحاکمین د بندګۍ باعزته ځنځیر خپلې غاړې ته واچوي، هغه ته سر په سجده شي، پرته له هغه نه د هیچا نه ونه بیرېری او پرته له هغه نه د بل هیچا نه هیله او تمه ونلری، او دغه مبارک آیت خپل دایمی شعار وګرزوی چې الله تعالی فرمایي:

﴿قُلْ إِن صَّلَیْتُ وَنُكِبْتُ وَخَيَّأْتُ وَمَلَایْتُ لِلرَّبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِیْكَ لَهُ ۖ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ۝۱۶۲-۱۶۳﴾
[الانعام: ۱۶۲-۱۶۳]

ژباړه: ووايه چې په يقين سره زما لمونځ، کړه وړه، حج، روژه، ژوند او مرګ د الله تعالی لپاره چې د ټول عالم رب او پالونکی دی، خاص دی،

الله پاک انسان آزاد او خپلواک پیدا کړی او دنورو انسانانو د غلامی تر څه لاندې ژوند کول او د اسارت او بندګۍ ځنځیر په غاړه وړل ور سره نه ښايي، ځکه خو دغه اشرف مخلوقات دی او خدای جل جلاله په ﴿أَحْسَنَ تَقْوِيرٍ﴾ اندازه کې دغه دنیاته راوړي او ددغه نړۍ (ځمکې، هوا، اوبو او ټولو کائناتو اونور مخلوقاتو) څخه ئې ورته د ګټې اخیستې او دده په چوپړ کې د ژوند تیرولو لوی نعمت ورپه برخه کړی، چې دا په حقیقت کې ډیر لوړ مقام، اعزاز او تکریم دی.

لکه چې الله پاک فرمایي:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَجَعَلْنَاهُمْ فِي الْآلَةِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ۝۷۰﴾
[الاسراء: ۷۰]

ژباړه: او په يقين سره موږ بنی آدم ته تکریم او عزت ورکړ او په وجه او اوبو کې مو ورته د ګرځیدولاره برابره کړه او له پاکو څیزونو نه مو ورته روزی ورکړه او له ډیرو مخلوقاتو نه مو ورته فضیلت ور په برخه کړ.

په بل ځای کې فرمایلی دي:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الَّیْلَ وَالنَّهَارَ ۝۳۳﴾
[ابراهيم: ۳۳]

ژباړه: او تاسو ته مو لمر او سپوږمۍ دائماً مسخر کړل، همدارنګه مو شپه او ورځ درته تابع او مسخر کړل.

همدارنګه فرمایي:



ځينې انسانان د نسب، ټبر، ژبې، شتمنۍ، علم او تخنيک، صنعت او توليداتو، جنګي وسايلو او افرادو، سياسي رسوخ او وجاهت او بالاخره د قدرت ترلاسه کولو خبيث شهوت رانده کړي وي او خپل ځان ورته ترنورو انسانانو ډير لور او د اهميت وړ ښکاري او خپل ناولی وجدان او محرک شيطان يې ورته وايي چې نه ترټولو لور غوره او برترې، نو دانونر ټول بايد ستا فرمان او قوماندې و مني او درڅخه په پټو سترګو اطاعت وکړي، نوهله يې د غرور، نفرت، تکبر او تمرد حس پياوړی کيږي او دفرعون او فرعونيت، طاغوت او طاغونيت افکارېکې را تاوراتاوشی.

حال داچې د برترت او ښيګڼې معيار بل څه دی او هغه چې الله بالعزت يې راته بيانوي:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...﴾^{الحجرات: ۱۳}

ژباړه: په يقين سره ستاسو غوره کس د الله په وړاندې ستاترټولو پرهيزگار کس دی.

په يوه مبارک حديث کې د خدای رسول ﷺ فرمايلي چې سپين په تور، سور په سپين، عرب په عجم، عجمی په عرب لوړوالی او غوره والی نلري مګر لور او غوره کس هغه دی چې هغه متقي او پرهيزگاره وي.

هوکې!

دا خدای ورکړې نعمت انسانانو ته ځينې سرکش انسان غصبوي او نه يې ورکوي، نو ځکه د اسلام ستر فيلسوف افغان سيد جمال الدين وايي: (چې آزادی اخيستل کيږي او ورکول کيږي نه).

په رېښتيا سره خو بيا په ټبره دغه زمانه کې چې فراغه ډير شوی او په يوه وېل نامه سره د خلکو آزادی حريت، جايداد، استعداد او ټوله شتمنی تر ګونډو لاندې کوي او کرار کرار يې د طاغوغيت حس پياوړی کيږي چې يوازې دا پاته وي چې ووايي: انا ربکم الاعلیٰ، لکه فرعون چې د اشعار اوچت کړ او پايله يې څه شوه، نو ددغه زمانې د آزادی د مخالفينو او وحشي جنايت



کارانو پايله به همداسې شي.

ځکه الله پاک دا وعده کړې چې فرمايي:

﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^{الشعراء: ۲۲۷}

او زړه چې ظالمان پوه شي چې ددوي مسير او مرجع به کوم لورته وي: او هر لورته چې وګرزي نوآخريه يې مسير د دوزخ په لوري وي.

افغانان خدای تعالیٰ آزاد او خپلواک پيدا کړي او د آزادی او خپلواکۍ، دين دوستي او وطن ناموس نه دفاع کول يې په خټه کې اخېستل شوی، که چېرې د تاريخ پاڼو ته وګورو وبه وينو چې ددغه هيواد باتورو او په وطن مينو متدينو مسلمانو افغانانو څومره د پردیو غليمانو او چپاولګرو په ضد مبارزې کړي؟

کله چې انګريزانو سترګې را برکې کړي او په دغه خاوره يې د تاړاک او چپاول هوډ وکړ، نو زموږ زړه ورو پلرونو په يوه آواز او وحدت سره د الله اکبر نارې په ويلو سره انګريزانو ته درې ځله تاريخي ماته ورکړه چې لاتراوسه يې دښکلي کارنامې زموږ په زړه کې ثبت دی او لا ترواوسه د انګريزانو په ککړيوکې د باتور افغان ميري قوم د کارنامو عبرتناک درسونه موجود دی، او بيا يې په کلکه له ځان سره دا تصميم ونيو چې نور به بيا په افغانستان باندې د يرغل او تجاوز هيڅ فکر هم نکوو او دابه موابدی دعبرت او پند درس وي.

بيا کله چې روسانو د خپلو ټانګونو او سرو لښکرو سره زموږ په هيواد يرغل وکړ او له خپلو درنو او سپکو وسلو سره او په نظامی تجهيزاتو مکمل سمبل زموږ خاورې ته راودانګل، بيا هم افغانانو د هماغه پخوانيو پلرنی احساساتو او قوی ايمان او وطن دوستی په زور که څه هم ډير شپيدان، زخميان، کونډې، يتيمان، بې ځايه شوی کېدوال او نور مالی او ځاني تلفات يې په ځان و منل، خوبياهم د خپلو قوی متو، اتفاق او يووالی، الهي نصرت او دتکبير الله اکبر نعره په زور روسانو ته داسې ماته ورکړه چې بيا به ترابده پورې دغه خپل مظلوم خو بيا غېرته ګاونډي لورته د يرغل زړه را ښه نکړي او آخري عسکر يې چې زموږ له خاورې وځي، نو دا تاريخي وينا د حال او قال په ژبه زمزمه کوي چې: (افغانستان

ته زموږ راتګ لويه تيروتنه وه او هرڅوک چې دغه هيواد ته د يرغل زړه ښه کوي نو سرنوشت او پايله به يې زموږ په ځير کېږي) ﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾^{الحشر: ۲} هوکې!

ددغو آزاديو په بيرته لاسته راوړلو يا ساتلوکې د کاميابی اصلی راز څه ؤ چې په تش لاس افغانان بريالی شول؟

په دې کې هيڅ شک نشته چې اصلی جوهر خو هماغه په الله توکل، قوی ايمان، اتفاق او وحدت، د خپل دين او وطن سره بې کچې مينه لرل او ورڅخه دفاع کول او د افغانانو هماغه پخوانی غرور، زړه وړتيا او دپلرونو څخه ورته په ميراث پاته شوی په هر کارکې سلا او مشوره، جرګه او اتفاق او د عقل او منطق په فضا کې عاقلانه تصميم نيول او عملی کول و او بس.

نن سبا چې موږ د خپلې آزادی او خپلواکي (۱۰۱) مه کليزه لمانځو، ترڅنګ يې په ټولو خپلو هيوادوالو افغانانو غږ کوو چې د خدای په خاطر سره يوشی، يو موټي او يوتن او بند شئ، که چېرې يو لاس ؤ نو موږ به په هر ميدان کې بريالی ؤ او که چېرې خدای ناخواسته سره تپت او پرک شوو، نو بيا به خدای مکره ډير کمزوری او غليم پر موږ باندې زورور کېږي.

راځئ د خدای په کلام سره راټول او ټول تعصبات او توپيرونه پريږدو او دغه وطن ساتلو او روغولو په پار مخې را ونغاړو، ترڅو آزاد سرلوری او خپلواک ژوند وکړو.

دا د آزادی او خپلواکي کليزه د ټولو هيوادوالو مبارکه او يادې تل تازه وی.

تکدی یا گدایی در مساجد

قسمت سوم:

استاد غلام الدین کلاتری

قول راجح:

علما می‌گویند: از اقوال فقهاء و دلایلی که در فوق ارائه گردید، آشکار می‌گردد که قول راجح همان قول به جواز سوال کردن در مسجد با شروط است، و آن قول احناف و اختیار شیخ الاسلام ابن تیمیه است. صاحبان این قول دلایل زیر را شرط جواز سوال کردن در مسجد ذکر کرده اند:

۱- سائل در سوائش آدابی را رعایت نماید.

۲- به خاطر امری که ناچار است، سوال کند.

۳- از روی شانه های مردم عبور نکند یا با عبور از جلو نمازگزاران سبب اذیت آنها نشود.

۴- در بازگود کردن حالت خویش صادق باشد و از دروغ اجتناب نماید.

۵- برای کسانی که در مسجد می- آیند، ضرری نرساند، با صدای بلندش نمازگزاران و عبادت کنندگان را اذیت نکرده و آنها را از عبادت شان باز ندارد.

این قول به دلایل زیر راجح گفته شده است:

اول: مساجد در اصل برای عبادات بنا شده اند و لازم است که امور بر مبنای همان اهداف به پیش برود. اگر باب امور به طور ناسنجیده و بی مبالات در

مسجد گشوده شد، وظایف مسجد چنانچه باید باشد، انجام نمی شود.

دوم: اذیت مسلمان در مسجد و بیرون از مسجد حرام است، عبور کردن از روی شانه های مردم موجب اذیت مردم می شود و فاعل آن گنهکار می گردد.

سوم: دروغ در شریعت اسلامی حرام بوده و جایز نیست و حرمت دروغ گفتن در مسجد شدیدتر است. چقدر کسانی که در مساجد و غیر مساجد دست به تکدی می زنند، حالت خودشان را با دروغ ها و الفاظ رقت برانگیز معرفی می نمایند.

خیلی از سائلان هرگاه در مسجد سوال می کنند، در مقابل مردم گریه می کنند، با حرف ها و حرکات شان عواطف مردم را به حرکت میاورند تا مردم برای شان چیزی صدقه نمایند. اما هرگاه در مورد یکی از آنها تحقیق و بررسی صورت گیرد، حالت زندگی شان به گونه دیگری غیر از آنچه گفته اند، شناخته می شود.

بسیاری از آنها سوال کردن را حرفه و پیشه شان ساخته اند، همین کار را در طول عمرشان ادامه می دهند و گاهی به آن نیازی هم نمی داشته باشند. به همین جهت حیل های فراوان و گوناگونی را به کار می- گیرند تا اموال مردم را به سوی خودشان جلب کنند، توجه افراد نیکوکار را جلب نمایند و نمازگزاران را به پرداخت صدقه وادار بسازند. امام احمد رحمه الله راست گفته

است که: دروغگو ترین مردم سائلان و قصه گویان است ^{۳۹}. برخی دیگر نیز قرائت قرآن کریم در مسجد را وسیله جلب صدقات مردم می سازند.

سوم: دلالت های صریح نصوصی که صاحبان این قول به آنها استدلال کرده اند.

بنابر این لازم است که مدیریت مساجد ضوابط و شروطی را در نظر گیرد که چنین افرادی را غرض سوال کردن در مسجد اجازه ندهند و افراد صادق و نیازمند از دروغگو و فریبکار شناخته شود.

چهارم: حفاظت مسجد از اموری که موجب تشویش عبادت کنندگان می شود.

اما صدقه دادن در مسجد برای کسی که سوال نمی کند و یا خطیب او را به عنوان نیازمند معرفی می کند تا مردم برای او صدقه بپردازند و یا فقرایی باشد که در مسجد 

سکونت دارند، به اتفاق فقهاء جایز و ثواب است. و نیز جمع 

آوری تبرع و کمک برای بی- نوایی، یابه خاطر همکاری به انجام دادن یک کار خیر و نافع، یا برای دستگیری نیازمندان و یا کمک مالی برای کسانی که از  حوادث طبیعی متضرر شده اند



و امثال آنها به اتفاق فقها جایز است. البته اموری وجود دارد که نص صریح در مورد تحریم آن در مسجد وارد شده است، مانند: جست و جوی گمشده در مسجد، خرید و فروش و اذیت نمازگزاران با صدای بلند و امثال آن. همچنان اموری دیگری نیز وجود دارد که نص در مورد جواز آن آمده است، مانند: خوابیدن در مسجد، خوردن و نوشیدن، سخن گفتن مباح در امور دنیا و امثال آنها.

اگر سائلی در صحن یا نزدیک دروازه مسجد که اسباب تشویش و اذیت را به کسی فراهم نمی‌کرد، نشست، آنگاه پرداخت صدقه برایش باکی ندارد، اما اگر سبب تشویش نمازگزاران شد، یا تلاوت و ذکر آنها را مختل ساخت، یا از جلو نماز کسی عبور کرد، یا به پرداخت صدقه اصرار و الحاح کرد یا با صدای بلند موجب اذیت عبادت کنندگان شد و یا با دروغ به معرفی حالت خویش پرداخت، در آن صورت سوال کردن و صدقه دادن هر دو ممنوع می‌باشد.

ولی فراموش نشود که هیچ‌گاه سائلی تهی‌دستی را با خشونت و صدای بلند مرانید، چون خدای متعال از چنین عملی نهی کرده است.

امروزه در مساجد کشور ما بویژه مساجد کابل و شهرهای بزرگ کشور انباشته از سائلان است.

بعد از هر نمازی چندین نفر بلند می‌شوند و مشکلات خودش را با روش خودش و زبان خودش برای مردم مطرح می‌نماید. این پدیده از یکسو نماز مردم را در هاله تشویش، نگرانی و اندوه از حالت موجود گم می‌کند و از سوی دیگر



صدای غم‌انگیز سائل تا چند ساعت دیگر نیز در گوش‌ها طنین می‌اندازد و انسان را غمگین و متاثر می‌سازد و هیچ کاری نیز در راستای اصلاح این پدیده زیانبار نمی‌توان انجام داد. با توجه به این حقیقت که همه کسانی که دست به تکدی و سوال در مساجد می‌زنند، نیازمند، بی‌نوا، مسکین و مستحق نیستند.

بنابراین، لازم است تا امامان مساجد در مورد کاهش این عادت نا شایسته که اسباب اذیت همه نمازگزاران را مساعد می‌سازند و از نظر شرعی نیز جواز ندارد، راه‌ها و روش‌های مناسبی را سراغ نمایند تا سائلان در داخل مسجد اقدام به سر و صدا نکنند، بلکه در صحن یا دروازه مسجد بنشینند و مردم برای شان صدقه دهند.

متأسفانه مشاهده می‌شود که اکثر امامان مساجد در مورد این عمل بی‌مبالات سائلان کاملاً بی‌تفاوت نظاره می‌کنند و هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهند. بی‌تفاوتی در برابر یک عمل ناجایز، گناه پنداشته می‌شود. باید نمازگزاران از این تشویش و نگرانی‌های یابند و بتوانند به عبادت، تلاوت و ذکر خدای خویش در مسجد که باید آرام‌ترین مکان در روی زمین باشد، با خاطر آرام و بدون دغدغه بپردازند.

نتایج:

این نوشته کوتاه، نتایج ذیل را به دست می‌دهد:

۱- سوال کردن در مسجد اگر سبب اذیت نمازگزاران گردد، جایز نیست، در این حالت پرداخت صدقه نیز جواز ندارد.

۲- از نظر برخی فقهای نامدار، سوال کردن در مسجد حرام مطلق گفته شده است.

۳- اگر سائلان در بیرون دروازه مسجد بنشینند و مردم برای شان صدقه بدهد، اشکالی ندارد.

۴- جمع آوری تبرع و کمک برای هر امر خیری که باشد، در مسجد جایز است.

۵- پرداخت صدقه در مسجد برای کسی که سوال نمی‌کند، جایز است.

۶- امامان مساجد باید به خاطر رهایی نمازگزاران از تشویش و دغدغه در هنگام عبادت راه‌هایی را برای جلوگیری از این پدیده زشت روی دست گیرند.

۷- مردم نیز مکلف اند به کمک و همکاری بی‌نویان، مستمندان، نیازمندان و آسیب دیدگان بشتابند، احساس مسئولیت نمایند و دست نیازمندان را بگیرند تا این پدیده ناپسندیده کاهش یابد. چون مسلمانان همانند خشت‌های یک جامعه اند که یکی مددگار دیگری است و یا مانند جسد واحدی اند که هرگاه عضوی به درد آید، سایر اعضای بدن نیز درد می‌بینند.

۸- بر دولت لازم است که با کار آفرینی و ایجاد پروژه‌هایی که مردم را به کار مشغول نمایند و بتواند صف‌های بیکاران را کوتاه بسازد تا مردم دست تکدی به سوی دیگران دراز نکنند، مسئولیت حداقلی خود را رفع نماید.

از خداوند سبحان مسئلت دارم تا روزی فرارسد که شاهد سائلان سیه‌روزی در مساجد، خیابان‌ها، جاده‌ها، کوچه‌ها و سایر اماکن نباشیم. و نسل‌های بعدی مان این بدبختی‌ها را با گوشت و استخوان شان حس و لمس نکنند. و خداوند بر همه چیز تواناست.

مآخذ:

۳۹- المنهج الفقهي العام لعلماء الحنابلة و مصطلحاتهم في مؤلفاتهم (ص: ۱۵۲).

امیت و قیاس از دیدگاه اسلام

قسمت اول:

استاد محمد شریف "رباطی"

حراست و نگهداری از نفس و جان یکی از مقاصد شرعی دین مقدس اسلام می باشد. اسلام عزیز در این راستا توجه خاص و ویژه ای مبذول داشته و همواره پیروان خود را در امور بهداشتی و حفظ الصحة توصیه و ارشاد نموده و آنان را متوجه این امر مهم می نماید.

بویژه در این برهه از تاریخ که امراض مهلک و ساری تباه کن (ویروس کرونا کووید ۱۹) دارد حالت صعودی خویش را می پیماید و روزانه جان صدها انسان را گرفته و به کام مرگ سوق و جهان بشریت را با کثیرالانتشارش به چالش های گوناگون مواجه ساخته است، وقایه و خود داری از این مرض مهلک امر حتمی پنداشته می شود.

زیرا الله تبارک و تعالی در قرآن کریم این مشعل فروزان و منبع هدایت عالم بشریت می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ﴾ النساء: ۷۱

یعنی: "ای کسانی که ایمان آورده اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید"

"حذر" بر وزن "خضر" به معنی بیداری و آماده باش و مراقبت در برابر خطر است و گاهی به معنی وسیله ای که به کمک آن با خطر مبارزه می شود

نیز آمده است. این آیه کریمه دستور جامع و همه جانبه ای به تمام مسلمانان، در همه قرون و اعصار، می دهد که برای حفظ امنیت (نفس و جان) خود و دفاع از مرزهای خویش، دائماً مراقب باشند و یک نوع آماده باش مادی و معنوی بطور دائم بر اجتماع آنها حکومت کند^(۱).

جالب اینکه معنی "حذر" به قدری وسیع است که هرگونه وسیله مادی و معنوی را در بر می گیرد، از جمله اینکه مسلمانان باید در هر زمان از موقعیت دشمن... آمادگی لازم داشته باشند.

به نظر بنده فرق نمی کند دشمن چه گونه دشمنی باشد، انسی باشد، یا جنی، و جراثیم و میکروبی باشد، یا مرض مهلک و خطرناک من جمله ویروس کرونا کووید ۱۹ و یا هر مرض ساری و مزمن دیگری که باعث هلاکت و بربادی انسان می شود، بایست مردم جهت جلوگیری و وقایه از آن فوراً دست بکار شده و تدابیر و قیای را مدنظر بگیرند.

هنگامی که حضرت عمرو بن عاص^{رضی الله عنه} در زمان تصدی ایشان من حیث والی شام ایفای وظیفه می نمود که مرض طاعون آن شهر را فرا گرفته و این

طاعون که بنام "وباء عمواس" شهرت پیدا کرده و روز به روز در حالت شیوع و گسترش بود، حضرت عمرو بن عاص^{رضی الله عنه} بخاطر وقایه و جلوگیری و عدم مبتلا شدن مردم به این مرض خطیر و خانمانسوز به مردم دستور تفرق و پراکندگی را صادر نموده و فرمود:

(إِنَّ هَذَا الطَّاعُونَ رَجَسٌ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ فِي هَذِهِ الشَّعَابِ وَفِي هَذِهِ الْأُودِيَةِ)^(۲)

یعنی: "این طاعون چیزی قبیح است (مانند وساوس و هواجس شیطانی که می تواند به سرعت فراگیر شود" پس از خوف ابتلا شدن به آن، در این دره ها و دشت ها پراکنده شوید.

و نیز مقوله دیگر او به مردم در رابطه با طاعون چنین نقل شده است: (أَنَّ عَمْرَو بْنَ الْعَاصِ قَالَ فِي الطَّاعُونَ فِي آخِرِ خُطْبَةٍ خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ إِنَّ هَذَا رَجَسٌ مِثْلُ السَّيْلِ مَنْ يَنْكَبُهُ أَخْطَأَهُ وَمِثْلُ النَّارِ مَنْ يَنْكَبُهَا أْخْطَأَتْهُ وَمَنْ أَقَامَ أَحْرَقَتْهُ وَأَذَتْهُ)^(۳)

یعنی: "حضرت عمرو فرزند عاص^{رضی الله عنه} در رابطه با طاعون در آخر خطابه خویش که به مردم داشت فرمود: این- طاعون- قبیح است (مانند وساوس و هواجس شیطانی که می تواند به سرعت فراگیر شود) همانند طوفان سیل است کسی که از



آن خود را کناره کرد به او نخواهد رسید.

و مانند آتش است کسی که خود را از آن کناره گرفت به او نخواهد رسید و کسی که در برابرش ایستاده شد آن را خواهد سوخت و اذیتش خواهد کرد.

با این تدابیر مناسب همزمان با تفکیک و تجرید صحت‌مندان از مریضان و مبتلایان، دیری نگذشت که این وباء به یاری و نصرت خداوند خیرالناصرین ثم با اخذ تدابیر وقایوی حضرت عمرو بن عاص رضی الله عنه خاتمه یافت. بلی حضرت عمرو و فرزند عاص رضی الله عنه توانست که جلو شیوع این مرض مهلک و تباه کن را با تدابیر وقایوی خاص گرفته و مانع شیوع و گسترش آن در آن دیار شده جان بسیاری از ساکنان آن را نجات دهد.

پس اخذ تدابیر وقایوی و حفاظت بهداشتی و صحت‌مندی برای تک تک ما و شما لازم، بلکه واجب است زیرا الله تبارک و تعالی می فرماید:

﴿وَلَا تَقْلُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى الْهَلَكَةِ﴾^{البقرة: ۱۹۵}

یعنی: "و خود را به دستان خود به هلاکت نیفکنید"

بناءً بایست به خاطر جلوگیری از شیوع و گسترش این مرض مزمن و ساری توصیه ها و سفارشات صحی و بهداشتی متخصصین طبی را از قبیل: عدم مصافحه، معانقه، و روی بوسی، رفت و آمد بی جهت و بی

مورد؛ و استفاده از ماسک و دستکش، مواد ضد عفونی کننده و شستن دست ها مکرراً چندین بار در روز برای مدت حداقل ۲۰ ثانیه با آب گرم و صابون مدنظر گرفته توأم با رعایت احکام و فرامین الهی و ارشادات نبوی و آموزه های دینی، خود و هموطنان عزیز خود را حفاظت نماییم. زیرا



حکما فرموده اند: (الوقایة خير من العلاج). یعنی: "وقایه بهتر از علاج است" مزید بر آن جراثیم باعث ایجاد تمام امراض می گردد، و وقایه بهتر از علاج است. بناءً بعضی توجیهاتی را که Wikhow [جهت تدابیر احتیاطی از تلوث جراثیم نشر نموده است حتی المقدور رعایت گردد، به ویژه امور ذیل:

۱- استحمام بعد از عودت از بیرون به منزل.

۲- عدم استعمال لوازم شخصی دوستان و حتی اگر از دوستان بسیار نزدیک تان هم بوده باشد، توجه داشته باشید که این بهترین وسیله عدم انتشار جراثیم می باشد.

۳- همیشه با خود قلم خاص داشته باشید، زیرا قلم دیگران باعث انتقال امراض بسیار به آسانی و سهولت می گردد.

۴- حتی المقدور از دستمال تعقیم شده استفاده کنید.

۵- حتی المقدور، خود داری استفاده از حمامات (تشناب های کمود دار) مانند: لمس و مسح و دست زدن به کمود و پوش کاغذ دانی تشناب، زیرا اکثراً این جا ها ملوث به جراثیم می باشد.

۶- قبل از استفاده از کراچی های دستی که از آنها در سوپر مارکیت ها کار می گیرند، بایست بامواد ضد عفونی کننده پاک و نظیف گردد.

۷- شستن دست ها در طول روز، هر قدر که میسر گردد.

۸- همیشه یک تخته روپاک با خود داشته باشید تا در هنگام ضرورت از آن استفاده نمایید.^(۴)

هکذا ریاست محترم مجمع علمی وزارت جلیله ارشاد، حج و اوقاف حکم شرعی اتخاذ تدابیر وقایوی در برابر بیماری ها (ویروس کرونا COVID-19)

را طی فتوای شرعی تحت عنوان (فتوای شرعی در مورد وقایه از (ویروس کرونا COVID-19) را بشرح ذیل صادر نموده است:

طوری که گفته شد حفاظت نفس از جمله مقاصد شرع بوده و بالای انسان فرض می باشد پس در صورت موجودیت خطر و یا احتمال تحقق آن به ظن غالب، اتخاذ اسباب و در نظر گرفتن اموری که این نفس را از خطر در عالم اسباب بدور نگه دارد، بر انسان واجب بوده و ترک آن موجب گناه می گردد، زیرا قاعده معروف فقهی است که: (ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب).^(۵)

یعنی: "آنچه واجب بدون او تمام نگردد، پس او نیز واجب است".

در این زمینه ها دیدگاه واقع بینانه و مسلکی اشخاصی که در مسلک مربوطه متخصص بوده و مخلص و با دیانت باشند، کاملاً مدار اعتبار می باشد و ایشان در این زمینه اهل الذکر (اهل علم) اند.

در مسأله ویروس کرونا زمانی که آن را طبیبان متخصص، مخلص و متعهد خطیر و مهلک قلمداد نموده اند و عملاً هم چنین ثابت شده که مشهود و مسموع می باشد، بناءً هر گونه سهل انگاری در برابر آن و عدم توجه لازم به توصیه های طبیبان متخصص این بخش مرادف به قراردادادن و واقع کردن نفس در معرض هلاکت می باشد، که قرآن کریم از آن به صراحت منع نموده است، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَلَا تَقْلُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى الْهَلَكَةِ وَأَخْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^{البقرة: ۱۹۵}

ترجمه: "و خود را به دستان خود به هلاکت نیفکنید، و نیکی کنید که خداوند متعال نیکوکاران را دوست می دارد". هکذا قرآن کریم در مقام دیگری می فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾^{النساء: ۲۹}

ترجمه: " و خود کشی نکنید، بدون تردید، خداوند متعال نسبت به شما مهربان است."

با وصف آن که به اتخاذ تدابیر و اسباب به صورت عمومی در قرآن کریم و احادیث نبوی ﷺ تأکید صورت گرفته است که در تحت آن تدابیر وقایعی طبیبی در برابر امراض نیز شامل می باشد، با آنهم در رابطه به وقایع نمودن از امراض ساری احادیث قولی و فعلی پیغمبرگرامی اسلام ﷺ، روایات از اصحاب کرام و اقوال فقهای دین ﷺ نیز موجود است که همه بیانگر لزوم آن به منظور اهمیت حفظ نفس می باشد.

چنانچه در حدیث صحیح مسلم از پیغمبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که ایشان شخص مصاب به مرض " جذام " را که در میان وفد بنی ثقیف بود و همه به منظور بیعت کردن با آن جناب ﷺ آمده بودند، به حضور پذیرفت و به وی پیغام فرستادند که بیعت تو پذیرفته شد پس تو برگرد:

(كَانَ فِي وَفْدِ ثَقِيفٍ رَجُلٌ مَجْدُومٌ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ - صلى الله عليه وسلم - « إِنَّا قَدْ بَايَعْنَاكَ فَأَرْجِعْ »).^(۶)

در حدیث دیگری آنجناب ﷺ به صراحت می فرماید: (لَا يُورِدُ مُمْرِضٌ عَلَى مُصِحٍّ)^(۷) یعنی: " شخصی مریض بر شخص سالم داخل نشود".

و در حدیث دیگری از رسول الله نقل شده است: زمانی که شما در رابطه به موجودیت طاعون در سر زمین و منطقه ای اطلاع حاصل نمودید به آنجا نروید و اگر آنجا هستید خارج نشوید.

{عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ بِأَرْضٍ فَلَا تَقْدُمُوا عَلَيْهِ وَإِذَا وَقَعَ بِأَرْضٍ وَأَنْتُمْ بِهَا فَلَا تَخْرُجُوا فِرَارًا مِنْهُ }^(۸)

بدون شک این همان چیزی است که امروز مردم از آن به نام قرنطین یاد می کنند که در اسلام عزیز حدود چهارده

صد سال قبل از امروز به آن دستور داده شده و در زمان های خاص اش نیز عملی گردیده است. و در روایت دیگری نقل شده است: { کلم المجذوم و بینک و بینہ قدر رمح أو رمحین }^(۹)

یعنی: " با شخصی که به مرض جذام " نوع مرض ساری " مبتلا است طور صحبت کنید که در میان شما و او به اندازه یک و یا دو نیزه فاصله باشد."

و نیز در همین مورد روایت دیگری نقل شده است که چنین صراحت دارد: { عن أبي هريرة أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: " اتقوا المجذوم كما يتقى الأعداء " }^(۱۰)

وقتی که در زمان خلیفه دوم مسلمین (سیدنا عمر فاروق ﷺ) و بقاء عمواس " در شام شیوع پیدا می کند و خلیفه دوم مسلمین در جریان سفر به قصد ورود به این سرزمین بودند که برایشان خبر داده شد که در شام " و بقاء " در حال شیوع است سیدنا عمر فاروق ﷺ بعد از مشوره تصمیم می گیرند که سفر خود را لغو کنند و به سوی مدینه منوره برگردند که همین طور نیز کردند، و در این هنگام حضرت ابو عبیده ﷺ برایشان می گوید (أفراراً من قدر الله) یعنی: " آیا از تقدیر الهی فرار می کنید؟ سیدنا عمر فاروق ﷺ در جوابش فرمودند: (لو غيرك قالها يا أبا عبيدة نعم، نفر من قدر الله إلى قدر الله)^(۱۱)

یعنی: " ای کاش چنین حرفی را غیر از تو ای ابو عبیده کسی دیگر می گفت، بلی از تقدیر الله به تقدیر الله فرار می کنیم."

زمانی که دائره گسترش " طاعون عمواس " افزایش می یابد و قربانی های فراوان از باشندگان آن منطقه (شام) می گیرد که در میان قربانیان آن بسیاری از اصحاب کرام ﷺ و نیز مشهور ترین آنها مانند حضرت معاذ بن جبل ﷺ با تمام اعضای فامیل و حضرت ابو عبیده ابن الجراح ﷺ که والی بر حال

آن منطقه بود، نیز شامل بودند، حضرت عمرو بن عاص ﷺ والی جدید آن منطقه به مردم دستور تخلیه شهر را می دهد و برای مردم می گوید:

در قواعد فقهی برگرفته شده از نصوص به مشاهده می رسد که در آن به رفع و ازاله ضرر و همچنان به تحمل ضرر خاص جهت دفع ضرر عام و نیز موارد دیگری مرتبط به همین موضوع تأکید شده است.

{ الضرر يزال }^(۱۲) یعنی: " آنچه باعث رسیدن ضرر به خود و یا دیگران گردد ازاله کرده می شود."

{ يتحمل الضرر الخاص لدفع الضرر العام }^(۱۳) یعنی: " ضرر خاص به منظور دفع ضرر عام و فراگیر قابل تحمل می باشد."

{ ما يقرب من الشيء يأخذ حكمه }^(۱۴) یعنی: " آنچه قریب به چیزی باشد، حکم آن را دارد."

از نصوص و اقوال فوق به وضاحت ثابت می گردد که اتخاذ تدابیر وقایعی لازم و ممکن در برابر هر آنچه که نفس و یا سلامت انسان را به مخاطره می اندازد که این گونه امراض نیز چنین است، یک امر شرعی بوده و الزامی می باشد. با توجه به اینکه این بیماری (ویروس کرونا) به اساس گزارشات پیهم متخصصین عرصه طبابت از جمله بیماری های ساری بوده و میزان و سیر گسترش آن بسیار بالا و سریع می

باشد که می تواند به سرعت همه گیر شود، ایجاب می نماید تا همه سفارشات و توصیه های

طبی مسئولین و متولیان امور که به اساس تشخیص متخصصین بخش های مربوط، من حیث وقایع و تدابیر احتیاطی لازم این مرض دانسته شده است، در نظر گرفته شده و عملی گردد.

مانند شستن مکرر دست ها با



صابون، استفاده از مواد ضد عفونی کننده و استفاده از ماسک بخصوص در اماکن و محلات عمومی، خود داری از مصافحه و معانقه، خود داری نمودن از شرکت در تجمعات، دوری نمودن از افراد مصاب به زکام و امراض شبیه آن که از علائم و آثار اولیه این مرض گفته شده است، و نیز رعایت تمام اموری که به آن در این زمینه از طریق اهل خبره توصیه می شود.

زیرا رعایت جدی موارد ذکر شده به منظور حفظ نفس و سلامتی آن نه تنها یک توصیه پزشکی است بلکه در چنین حالتی از لحاظ شرعی نیز اخذ چنین تدابیر لازم و ترک آن ناجائز پنداشته می شود.

و نیز مسئولین امور مکلفیت دارند تا بخاطر جلوگیری از شیوع بیشتر این ویروس و حفظ سلامتی مردم اقدامات پیشگیرانه ای را پیوسته روی دست داشته و از هر نوع فعالیت اجتماعی که باعث شیوع و تکثیر این مرض می گردد، جلوگیری نموده راه های بدیل آن را نیز برای مردم جستجو نمایند تا نظم اجتماع مختل نگردد.^(۱۵)

همچنان الله تبارک تعالی بخاطر جلوگیری و وقایه از امراض گوناگون بعضی از خوردنی ها و نوشیدنی ها را حرام گردانیده است مانند: "گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر سقوط از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده- مگر آنکه (به موقع به آن حیوان برسید، و آن را سر ببرید- و حیواناتی که روی بتهای (یادبرابر آنها) ذبح می شوند، (همه) بر شما حرام شده

است، و (همچنین) قسمت کردن گوشت حیوان به وسیله چوب های تیر مخصوص بخت آزمایی، تمام این اعمال، فسق و گناه است"

چنانچه خداوند قدوس و لایزال می فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَفَقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْكَرِ ذَٰلِكُمْ فُسْقٌ ۖ﴾ المائدة: ۳

بر اساس یافته های علمی خداوند قدوس و لایزال هیچ چیزی را حرام نکرده، جز به خاطر زبانی که از خوردن آن متوجه انسان است.

نخست می فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ﴾^{الآیه}. یعنی: "مردار بر شما حرام شده است و همچنان خون و گوشت خوک، و حیواناتی که طبق سنت جاهلیت به نام بت ها، و اصولاً به غیر نام خدا، ذبح شوند، و حیواناتی که خفه شده باشند حرام اند، خواه به خودی خود، و یا به وسیله دام، و خواه به وسیله انسان این کار انجام گردد) چنانکه در زمان جاهلیت معمول بوده گاهی حیوان را در میان دو چوب یا در میان دو شاخه درخت سخت می فشردند تا بمیرد و از گوشتش استفاده کنند) و حیواناتی که با شکنجه و ضرب، جان بسپارند و یا به بیماری از دنیا بروند، و حیواناتی که بر اثر سقوط کردن از بلندی بمیرند، و حیواناتی که به ضرب شاخ مرده باشند و حیواناتی که به وسیله حمله درندگان کشته شوند" ممکن است یک فلسفه تحریم این پنج نوع از گوشت های حیوانات به خاطر آن باشد که خون به قدر کافی از آنها بیرون نمی رود، زیرا تا زمانی که رگهای اصلی گردن بریده نشود، خون به قدر کافی بیرون نخواهد ریخت. و می دانیم که خون مرکز انواع میکروب ها است و با مردن حیوان قبل از هر چیز خون

عفونت پیدا می کند. به تعبیر دیگر، این چنین گوشت ها نوعی مسمومیت دارند و جزء گوشت های سالم محسوب نخواهند شد، مخصوصاً اگر حیوان بر اثر شکنجه یا بیماری و یا تعقیب حیوان درنده ای بمیرد مسمومیت بیشتری خواهد داشت. به علاوه، جنبه معنوی ذبح، که با ذکر نام خدا و رو به قبله بودن حاصل می شود، در هیچ یک از اینها نیست. روشن است که تحریم این نوع گوشت جنبه اخلاقی و معنوی دارد نه جنبه مادی و جسمانی، و در واقع یکی از اقسام ﴿وَمَا أُهِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾ می باشد، که به خاطر رواج آن در میان عرب جاهلی به آن تصریح شده است. **حیوان مردار:** مردار در اصطلاح فقها، به جانوری گفته می شود که بدون ذبح شرعی مرده باشد.

به حیوانی که گوشتش حلال است و بدون ذبح و سربریدن جان داده، مردار (میتة) گفته می شود و حیوانی که خوردنش حرام است، مانند درنده گان و خوک، ذبح و سربریدن آن هم حکم مرگش را دارد (و آن را حلال نمی کند) ادامه دارد...

منابع:

۱. تفسیر نمونه ج ۴ ص ۲.
۲. مسند أحمد.
۳. مسند أحمد ج ۲۹ ص ۲۹۱
۴. سایت
۵. الفتاوی الفقهية الكبرى ج ۱ ص ۱۳۲
۶. رواه مسلم ج ۲ ص ۲۳۳.
۷. رواه مسلم.
۸. رواه البخاری ج ۱۷ ص ۴۱۲.
۹. (کنز العمال ۵۴/۱، عمدة القاری (۲۴۷/۲۱)
۱۰. (عمدة القاری (۲۴۷/۲۱)
۱۱. (مسند أبي يعلى جلد: ۲، صفحه: ۱۵۰)
۱۲. (مسند احمد ط ۲۸۸/۲۹)
۱۳. (مسند احمد ۲۹۱/۲۹)
۱۴. الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۲ ص ۳۸۳.
۱۵. الفقه الاسلامی و أدلته ج ۶ ص ۳۱۵



اسلام

دین فطرت و نیاز مبرم بشری

زین العابدین "کوشان"

جایی رسیده که از ملوانان و سائر وسایل نجات غریق، قطع امید کنی؟ جواب داد: بلی.

امام گفت: آیا در این هنگام چنین اندیشه ای به قلب و ذهن خطور نموده که نیروی قوی وجود دارد و اگر بخواهد می تواند ترا نجات دهد؟ شخص گفت: بلی.

بالاخره امام جعفر (رحمة الله علیه) به وی گفت: این نیروی قوی همان خداوند عزوجل (الله تعالی) است. (۱۰: ص ۱۹۱)

به ترتیبی که گذشت تمام فطرت ها در مواقع گرفتاری و شداید هلاکت بار، بیدارگشته و ایمان شان را بر وجود قویترین نیروهای (الله) ﷻ اذعان میدارند.

آیا اگر فاسد ترین و ملحد ترین انسان، در خفقان و تنگنا های

ویرانگر گرفتار آید، جز پناه

بردن و استمداد از آفریدگار

هستی چه عکس العمل

دیگری از خود نشان میدهد؟

مگر (فرعون) هنگام غرق

شدن (در رود نیل) نگفت: به

خدای موسی و هارون و بنی

اسرائیلیان ایمان آوردم؟! در واقع، گرفتار شدن بی

به پیشگاه خداوند ﷻ برمیدارند و دعا های عریض و طویلی سرمیدهند، بخدا امید ها می بندند و با تضرع و زاری او را به کمک می طلبند، از سختیها و گرفتاری ها به تنگ می آیند، و آسایش و گشایش زود رس را خواهان می گردند.» (۵: ج ۳ ص ۷۲۲)

چنین احساس فطری، بطور مشترک و یکسان در نهاد و طبیعت تمامی انسانها بوده که دارای قوه درک و شعور می باشند؛ به تعبیر دیگر علی رغم وجود تمایلات و گرایشات مختلف و مراتب متفاوت درک و فهم، از محیطها و جوامع ساده و ابتدائی گرفته تا ممالک و جوامع پیشرفته، و از ساده اندیشان گرفته تا روشنفکران و محفل نشینان صاحب علوم و فنون، همه و همه در این احساس فطری شریک و سهیم می باشند.

روزی شخصی از امام جعفر صادق (رحمة الله علیه) در مورد خداوند عز وجل سؤال نمود؛ امام از شخص پرسید: آیا تاکنون به مسافرت دریایی رفته ای؟ جواب داد: بلی. دوباره پرسید: آیا تا به حال برایت پیش آمده که گرفتار طوفان شوی؟ جواب داد: بلی.

امام باز پرسید: آیا شدت طوفان به

استاد سید قطب شهید، در تفسیر آیه شریفه فوق می نویسد: «تصویر زیبا و شگرفی است و نمایانگر نمونه و مثالی از انسانهاست، نمونه مثالی که پیوسته تکرار می گردد و در طول روزگاران دیده می شود. انسانها وقتی که صحت کامل و قدرت فراوان دارند، و شرایط و ظروف مکانی و زمانی به مرام ایشان است، خود ها را به امواج سیلاب زندگی می سپارند و راه خطا می پویند، گناه می ورزند و طغیان و سرکشی می کنند و به گزاف و اسراف می پردازند... انسانها- مگر کسانی که خداوند به ایشان لطف و عنایت فرماید و ایشان را با فضل و کرم خود بپاید و محفوظ نماید- در بحبوحه ی قوت و قدرت خویش بیدار نمی شوند و به یاد نمی آورند که در مسیر زندگی ضعف و عجز و ناتوانی و درماندگی نیز هست. اوقات خوشی و رفاه، خدا را از یاد ایشان می برد، و احساس بی نیازی و ثروتمندی مایه ی سرکشی ایشان از فرمان خداوند می شود... و همین انسانها وقتی که گزند و بلائی می بینند و بیماری و زبانی گریبانگیرشان می گردد، به جزع و فزع می افتند و بی تاب و پریشان می شوند. دست دعا



دینان و منکران خدا در خطرات و تنگناهای مرگباری که با هیچ وسیله ی مادی امکان رهایی از آن برایشان میسر نگردیده است، از جمله ی بزرگتری تجارب واقع بینانه ی ای است که پرده ی غفلت و شقاوت را از فطرت های سالم، صاف و زلال اولیه ی شان کنار زده است؛ فطرت های که در اثر فرو رفتن صاحبان شان در تمایلات متکبرانه، لجوجانه و تبه کارانه، در معرض فساد و بیگانگی باحق قرار گرفته و مورد غفلت واقع شده بودند. چنین تجربه ی صادقانه ای است که در حقیقت پرده ی غفلت و فراموشی را از فطرت های شان بر داشته بگونه ی که خواسته یا ناخواسته اعلان میدارند که: در ورای مادیات، ذاتی یکتا و دانا، قادر و توانا، صاحب اختیار هر چیزی، زمامدار آسمانها و زمین، به الله ﷻ وجود دارد، لذا بعد از گمراهی و بی دینی شان، اینک خداوند ﷻ را فرا خوانده، رهایی، یاری و مدد خویش را از وی می طلبند. بدنبال این واقعه است که خداوند ﷻ نیز ایشان را نجات داده تا این استجابت دعا را بعنوان دلیل بر وجود ذات و علم و قدرتش عرضه نماید. اما پس از آنکه به سلامتی پا به ساحل گذاشته و قدم در زمین نهادند بیشتر شان به ورطه ی انکار و کفر و الحاد اولیه ی شان دچار شده و نجات خویش را نتیجه ی اسباب مادی تلقی و آنرا امر تصادفی می انگارند که در اثر دگر گونی اوضاع و احوال، مسیر و مجرا های طوفان، یا دگرگونی اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رخ داده است، این

درحالیست که تغییر دهنده اوضاع و احوال را فراموش نموده و از یاد می برند، خداوند متعال حال این دسته از کافران تبه کار، خود کامه و معاند را این چنین به تصویر می کشد:

"پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد، تا از نعمت او بهره مند شوید؛ او نسبت به شما مهربان است. و هنگامی که در دریا ناراحتی بشما برسد، جز او، تمام کسانی را که می خوانید، از نظرتان گم می شود؛ اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می گردانید؛ و انسان بسیار نا سپاس است! آیا از این، ایمن هستید که در خشکی (با یک زلزله) شما را در زمین فرو ببرد، یا طوفانی از سنگریزه بر شما بفرستد (و مدفونتان کند) سپس حافظ (و یآوری) برای خود نیابید، یا این که ایمن هستید که بار دیگر شما را بخاطر کفرتان غرق کند، سپس دادخواه و خونخواهی در برابر ما پیدا نکنید؟"

عوامل فوق العاده دارد، مادامی که آن حالت فوق العاده موجود است بیاد خدا هستند، اما به محض اینکه: برطرف شد، به طبیعت انحرافی خود باز می گردند، و خدا را به دست فراموشی می سپارند. افراد با ایمان و مسلمان راستین، آنها هستند که: در راحتی و بلا، در سلامت و بیماری، در فراوانی و قحطی، در زندان و برتخت قدرت و بالاخره، در همه حال، به یاد او می باشند. خداوند ﷻ می فرماید:

"هنگامیکه پس از شر و بلائی که (برای بیداری و آگاهی) به مردم رسیده است، مزه ی خیر و نعمتی به انسانها می چشانیم (و ایشان را به قدرت و ثروت و شادی هم می آزمائیم) بناگاه در باره آیه های ما به چاره سازی می نشینند(و به تکذیب آنها می پردازند و با توجیهات نادرست در مقام انکار آیه ها بر می آیند، و پیغمبر ما را شاعر و ساحر و دیوانه می خوانند، و مشکلات و سختیها را ناشی از اسباب و علل و تصادف و قهر طبیعت میدانند، و نعمتها و خوشی ها را حاصل بر زرنگی و شایستگی خود و شفقت روزگاری نمایند!) بگو: خداوند در چاره سازی(حیله گری شما) از

سرعت بیشتری برخوردار است(و می تواند شما را در اسرع وقت نا بود نماید و سریعاً تازیانه ی عذاب را به تن تان آشنا کند و فوراً در برابر اعمال زشت تان سزایتان دهد. اما تا آن زمان که خود میدانند، مهلت تان میدهد و به حال خود تان میگذارد). بیگمان فرستادگان(مأمور ثبت و ضبط کردار و گفتار و پندار شما یعنی فرشتگان) ماحیله گریها و چاره سازیهای شما را می نویسند(و در قیامت کیفر آنها را به کف دست تان میگذاریم)

اوست که شما را در خشکی و در یا راه می برد(و امکان سیر و حرکت در قاره ها و آبها را برای شما میسر می کند). چه بسا هنگامی که در کشتیها قرار میگیرند و کشتیها با باد موافق سر نشینان را(آرام آرام بسوی مقصد) حرکت میدهند و سر نشینان به آن شادمان می گردند، ناگهان باد سختی وزیدن می گیرد و از هرسو موج بسوی شان می رود و می پندارند که(توسط مرگ از هرسو) احاطه شده اند(و راه گریزی نیست، در این وقت) خداوند ﷻ را به فریاد می خوانند و طاعت و عبادت و فرمانبرداری و دین را تنها از آن او میدانند(چرا که همه کس و همه چیز را بسی ضعیف تر و ناتوانتر از آن می بینند که کاری از دست آنان برآید و از این ورطه رستگار شان نماید. به این هنگام عهد می کنند که(اگر ما را از این حال برهانی، از زمره ی سپاسگزاران خواهیم بود(و دیگر به کسی و چیزی جز تو روی نمی آوریم و هرگز این و آن را به فریاد نمی خوانیم و نمی پرستیم). اما هنگامی خدا آنان را نجات میدهد، ناگهان به ناحق در

زمین شروع به ظلم و فساد می کنند(و عهد و پیمان را فراموش می نمایند) ای مردم! ظلم و ستمی که مرتکب می شوید، و بال و زیان آن متوجه خود شما می شود. چند روزی از متاع و لذت دنیا بهره مند می شوید، پس از آن بازگشت شما بسوی خداست و آنگاه ما شما را از آنچه انجام میداده اید آگاه می سازیم(و سزای اعمالتان را میدهیم)".

بی تردید این فطرت اصیل و عمیق که ریشه در انسانیت انسانها دارد، جز در نهاد کسانی که ملکه ی انحراف، شهوترانی و بی بند و باری اخلاقی را در وجود خویش پرورانیده اند، خاموش نمی شود و هرگز از بین نمی رود. روشن است که هرکس دانسته باحق مخالفت می ورزد روحیه متکبرانه خویش را با حماقت و سرکشی ارضا نماید و با افسار شهوات و امیال گستاخانه و بی شرمانه اش را رها گذاشته و هیچگونه سرزنش درون و عذاب و جوان در خود احساس نکند، انتظاری جز نا بودی فطرت پاکش نمی رود.

گاهی آیینی تمام نمای فطرت بشری در اتردود ناشی از آتش شهوات یا برخی از غرایز سرکش نفسانی، یا پرده های شک و گمانهای مادی گرایانه، تیره و تاریک گشته و برخی از حقایق ظاهر در هستی از صفحه ی صافش به اختفا میروند؛ اینجاست که اقامه ی دلایل عقلی و عملی ضرورت پیدا می کند. دلایلی که دانشمندان از راه اسباب و وسایل علمی تجربی شان بدانها دست یافته اند، تا به کمک آنها پرده تاریک از آیینی فطرت ها کنار زده شود. به همین عوارض وارده بر آیینی فطرت را (بیماری های حس

فطرت) می نامیم. به این اساس اسلام صراحت دارد که دین مقدس اسلام، آیین فطری است در وجود انسان که خداوند ﷻ مردم را برآن اساس آفریده است، که ریشه آن به آفریدگار هستی می انجامد، آفریدگار واحد و بدون شریک، لذا اگر فرد باخویشتن تنها شود و بیاندیشد، بخوبی در خواهد یافت که وی مخلوقی است برای خداوند حکیم و توانا، خداوندی که او را آفریده و نعمتهای فراوانی برایش ارزانی نموده است. حقیقت و خلاصه سخن اینکه: تفکر درونی و مستقیم همراه با استدلال، اندیشه وجود خداوند ﷻ را در خرد مان می رویانند.

فهرست مراجع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- شیرازی، ناصر مکارم، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۸۷.
- ۳- نیشابوری، مسلم ابی الحسن بن الحجاج القشیری، صحیح المسلم، دار احیاء الکتب الریبه قاهره.
- ۴- الدمشقی، حافظ ذکی الدین عبد العظیم المنذری، مختصر صحیح مسلم، المکتب الاسلامی ۱۴۰۵.
- ۵- قطب، سید، فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، نشر احسان تهران ۱۳۸۷.
- ۶- قرطبی، ابی عبد الله محمد بن احمد الانصاری، الجامع لاحکام القرآن، دار الکتب العلمیه بیروت ۱۴۰۸.
- ۷- الطحاوی، امام ابو جعفر احمد بن محمد بن سلامه بن سلمه بن عبد الملك الازدی، شرح العقیده الطحاویه.
- ۸- الواعی، توفیق، المنهج القرآنی فی بناء العقیده، ترجمه مسعوده جامی، انتشارات کرمان کابل ۱۳۹۴.
- ۹- صابونی، محمد علی، صفوة التفاسیر، دار القلم بیروت ۱۴۰۶.
- ۱۰- میدانی، عبد الرحمن حسن جنبه، براهین و ادله ایمانیة ترجمه محمد سلیمان نشر احسان تهران ۱۳۸۲.



ٲولنيزي اړتياوې او ښېگڼې

استاد محسن حنیف

وروستنی جمله ۱۶ اَلْقَلْبَيْنِ ۱۶ ځي ښي چې عفو او اصلاح ته ترغيب د ظالمانو سره د مرستي په خاطر نه دی؛ بلکې دا ټولنيزه اړتيا

خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾ النحل: ١٢٦

ترجمه: که مو سزا ورکوله، نو بامثل سزا ورکوی او که صبر وکړی، نو دا د صبر کوونکو لپاره ډېر غوره دی.

دلته قرآن کریم عفوه تر قصاص او تر خپل حق اخیستلو ډېره غوره بللې ده. بل ځای هم قرآن کریم وايي: ﴿وَلَمَّا أَتَصَرَّ بَعْدَ عَلَيْهِمْ فَلَوْلِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَلَمَّا صَبَرَ وَصَفَرَ لَئِنْ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ الشورى: ٤١ - ٤٣

ترجمه: څوک چې تر خپل مظلومیت وروسته انتقام اخلي، پر هغوی کومه ملامتي نشته. ملامتي یوازې پر هغو خلکو ده چې پر خلکو ظلم کوي او په ځمکه کې ناحقه تېری او بغاوت کوي. هغوی ته دردوونکی عذاب دی او څوک چې صبر او بخښنه وکړي، یقیناً چې دا یې د کلکو همتي کارونو څخه دي.

بخښنه چا ته کېدای شي؟ قرآن کریم بخښنه د عامو انسانانو لپاره غوره کړې ده: په دې هکله وايي:

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَنُطِيبِ الْأَمْنِ وَالْكَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ آل عمران: ١٣٤

ترجمه: (پرهېزگاران جنتیان) هغه خلک دي چې په شتمنی او تنګلاسی (دواړو حالتونو) کې (د خپل وس سره سم) مال لګوي، خپله غوسه زغمي او خلکو ته عفواو بخښنه کوي او الله پاک داسې نېکي کوونکي خلک خوښوي.

وَالْكَافِينَ عَنِ النَّاسِ خلکو ته بخښنه کوونکي یاد شوي دي. خلک عام دي، په دې کې مجرمان هم داخلېږي؛ مثالونه یې په راتلونکو عناوینو کې ډېر دي.

ناپوهانو ته عفوه: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ الأعراف: ١٩٩

ترجمه: عفوه اختیار کړه، په ښو امر کوه او له ناپوهانو مخ اړوه.

﴿فَاصْبِرْ الصَّغِيرَ الْجَمِيلَ﴾ الحجر: ٨٥

ترجمه: ای پېغمبره! له دوی څخه په ښه ډول مخ واړوه «بې شکایتېه عفوه ورته وکړه».

کومو کسانو ته چې پېغمبر ﷺ دعوت کاوه، په هغوی کې ناپوهان او غیر مسلمان هم ول. د دغو په وړاندې هم دې په عفواو امر شوی؛ حتی چې الله پاک موسی او هارون ﷺ ته د فرعون په څېر انسان په وړاندې هم د نرمو خبرو حکم کړی ورته وايي: ﴿أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَبِئًا لَّهُمْ يَذَّكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ طه: ٤٣ - ٤٤

ترجمه: فرعون ته ورشي؛ ځکه هغه د حده تېری کړی دی. نو هغه ته نرمه خبره وکړی؛ د دې لپاره چې نصیحت قبول کړي یا ووېرېږي.

بل ځای داهم یاده شوې ده چې څوک د نژدو خپلوانو قاتل ته هم عفوه کولای شي:

﴿فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَأَبْعَثْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاةُ إِلَيْهِ بِإِحْسَنٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ البقرة: ١٧٨

ترجمه: که کوم چا (قاتل) ته یې د ورور لخوا څه عفوه وشوه، (نو قاتل) دې له دود سره سم پسې ورشي او هغه «عفوه کوونکي» ته دې دیت په ښه طریقه ادا کړي. دا ستاسو د څښتن لخوا آسانتیا او رحمت دی. نو که چا له دې (بخښني) وروسته تېری وکړ، هغه ته دردوونکی عذاب دی.

پېغمبرانو ﷺ هغو خلکو ته هم بخښنه کوله چې د دوی د وژلو هلي ځلي یې کولې؛ یوسف ﷺ د مصر پاچاهي ته تر رسېدو وروسته دخپلو هغو وروڼو سره مخ کېږي چې ځینو یې د وژلو غوښتنه کوله او ځینو یې بیا څاه ته د اچولو پرېکړه عملي کړه. (یوسف: ٩ وګوره) ده یې په وړاندې کوم دریځ خپل کړ؟ ﴿قَالُوا تَأَلَّوْا لَقَدْ أَتَرَكْتُمْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَطِئِينَ قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ يوسف: ٩٠ - ٩٢

ترجمه: د یوسف وروڼو ورته وویل: قسم دی چې الله ته پر مونږ غوره کړی یې او مونږ یقیناً خطاکاران وو. ده ورته وویل: پر تاسو نن هیڅ ډول ملامتي نشته. الله مو وبخښه او دی تر ټولو ستر رحم کوونکی هم دی.

دلته ګورو چې یوسف ﷺ له خپلي خواهم

بخښنه ورته کړې ده او له الله څخه یې هم بخښنه ورته غوښتې ده او داسې ډاډ یې هم ورکړی دی چې الله پاک تر ټولو ستر رحم کوونکی دی. نو چې زه بنده تر خپل حق تېرېږم بخښنه کوم، دی به مو هرومرو بخښي.

د یوسف او نورو پخوانیو پېغمبرانو ﷺ په هکله الله پاک آخري پېغمبر ﷺ اود هغه امت ته هم ويلي دي: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ أَفْتَدَهُ﴾ الأنعام: ٩٠

ترجمه: دغه ذکر شوي پېغمبران هغه کسان دي چې الله هدایت کړي دي، نو ته ددوی په لارښوونه پسې اقتدا کوه.

وروستي پېغمبر محمد ﷺ هم دغسې زرین دریځ غوره کړی دی، یوه بېلګه یې دا ده چې کله یې مکه فتح کړه، هغه خلک چې د ده د وژلو لپاره یې خپل ټول ځواک په کار اچولی وو، د ده مخ ته په داسې حال کې ودرېدل چې دی د لس زره لښکر سره فاتح ورغلی دی او هغوی هرڅه له لاسه ورکړي دي. پوهېږئ چې څه چلند یې ورسره کړی؟ سیرتپوهان په خپلو کتابونو کې نقلوي:

ثم قال: يا معشر قريش، ما ترون أني فاعل بكم؟ قالوا: خيراً، أخ كريم وابن أخ كريم، قال: فإني أقول لكم كما قال يوسف لإخوته: لا تَغْرِبْ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ اذْهَبُوا فَأْتُمُ الْطُلُقَاءَ. (الرحيق المختوم ص ٣٤٤)

ترجمه: پېغمبر ﷺ وویل: ای قریشو! تاسو څه فکر کوئ چې زه به څه درسره وکړم؟ هغوی ورته وویل: مونږ فکر کوو چې ته ښه راسره کوې؛ ځکه ته زمونږ

شریف ورور او د شریف ورور زوی یې. ده ورته وویل: زه تاسو ته هغه څو وایم چې یوسف خپلو وروڼو ته ويلي: پر تاسو هیڅ ملامتي نشته. ځی تاسو خپلواک خلک یاست.

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْجِي نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، ضَرْبُهُ قَوْمُهُ فَأَذْمُوهُ، وَهُوَ يَمْسَحُ الدَّمَّ عَنْ



وَجْهَهُ وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ».

(صحيح البخاري، حديث نمبر: ۳۴۷۷).

ترجمہ: عبد الله بن مسعود ؓ واپي: داسي مي په ياد دي لکه پيغمبر ﷺ ته چي گورم د پخوانيو پيغمبرانو يو پيغمبر حكايت يې کاوه چي قوم يې دی وهلی او په وينو کړی وو او ده له خپله مخه ويني پاکولې او وېې ويل: اي الله زما قوم ته بخښنه وکړه؛ ځکه دوی نه پوهېږي.

عفو د عامو نېکانو په صفاتو کي:

﴿وَالَّذِينَ يَخْتَفُونَ كَثِيرًا مِنَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا عَصَوْا هُمْ يَقْتُرُونَ﴾

الشورى: ۳۷

ترجمہ: د الله نېک بندگان هغه خلک دي چي د لويو گناهونو او بې حيا کارونو ډډه کوي او چي کله په غوسه شي دوی بخښنه کوي.

دلته د نېکانو بندگانو په صفاتو کي د مغفرت ﴿يَقْتُرُونَ﴾ الفاظ کارېدلي. يعني دوی داسي بخښنه کوي چي د غلطۍ مرتکب له رسوايي څخه ساتي او پرده پر اچوي.

د بخښني گټي:

۱- بخښنه او تر خپل حق تېرېدل انسان په تقوا روزي: قرآن کريم ويلي دي:

﴿وَأَنْ تَعْمُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

البقرة: ۲۳۷

ترجمہ: دا چې عفو وکړئ، تقوا ته ډېر نژدې لاره ده او په خپلو کې يو د بل سره احسان مه هېرئ: بې شکه الله پاک ستاسو کړني ويني.

۲- بخښنه، گناهونه ختموي: څوک چي بل چا ته بخښنه کوي، هغه ته الله تعالی بخښنه کوي: قرآن کريم وایي: ﴿وَالْجُرُوحُ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ﴾

المائدة: ۴۵

ترجمہ: تېونه هم قصاص لري. نو که چا صدقه کړه، هغه يې د گناهونو کفارۀ (فديه) ده.

دلته د تېونو تر قصاص تېرېدل او بخښنه کول صدقه بلل شوې. دغه ډول تعبير ښي چي دا يو داسي ستر خبره عمل دی لکه څوک چي له خپل جېبه د الله په لاره کي مال ورکوي او د ياد شخص گناهونه پتوي او د بخښني سبب يې جوړېږي. راتلونکي آيتونه هم دا مطلب تأييدوي:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَنْتَهِبُوا آيَاتِنَا مِنْ أَنْزِلِنَاكُمْ وَأُولَٰئِكَ عَدُوًّا لَكُمْ فَأَعِزُّوهُمْ وَإِنْ تُعْمَرُوا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

التغابن: ۱۴

ترجمہ: اي مؤمنانو! يقيناً ستاسو ځيني مېرمني او اولادونه تاسو ته دښمنان دي. نو ځان ورڅخه ساتئ او که عفو وکړئ، مخ ترې واورئ او پر گناهونو يې پرده واچوئ؛ نو الله هم يقيناً مېرمان بخښوونکی دی.

دلته قرآن کريم له يوې خوا مؤمنانو ته د دوی د ځينو اولادونو او مېرمنو په وړاندي د بيداری او ويښتيا درس ورکړی. له بلې خوا يې بيا دا هم ورته ويلي چي پر هره غلطۍ سزا مه ورکوئ؛ بلکي بخښنه ورته کول يې غوره کړي دي او دا يې هم ويلي دي چي بخښنه د الله خوښه او د ده غوره صفت دی. نو تاسو ته به هم دی بخښه وکړي.

﴿وَلَا يَأْتِي أُولَٰئِ الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْمُوا وَلْيَصَفَّحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

النور: ۲۲

ترجمہ: ستاسو د فضيلت او شتمنۍ خاوندان دي خپلوانو، مسکينانو او د الله په لاره کي مهاجرينو ته له ورکړي او مرستي څخه قسم نه کوي، دوی دي هغوی ته بخښه وکړي او د هغوی له گناه څخه دي مخ واوروي. آيا تاسو دا نه خوښوئ چي الله تاسو ته بخښه وکړي او الله مېرمان بخښونکی دی؟

دلته الله تعالی خلک بخښني ته هڅولي دي او معافي يې خپل خوښ صفت ياد کړی دی او دا اشاره يې کړې ده چي معافي کوونکو ته به دی عفو وکړي؛ ځکه دی مېرمان بخښونکی دی. پيغمبر ﷺ ويلي دي:

«ارْحَمُوا تَرْحَمُوا وَاغْفِرُوا يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ».

(البخاري، الادب المفرد: ۳۸۰).

ترجمہ: رحم وکړئ، رحم به درباندي وشئ. بخښنه وکړئ، الله به بخښنه درته وکړي. «مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمْ».

(صحيح البخاري: ۶۰۱۳).

څوک چي رحم نه کوي، رحم نه پرکېږي. «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ ارْحَمُوا أَهْلَ الْأَرْضِ يَرْحَمَكُمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ» (ابوداود: ۴۹۴۱).

ترجمہ: پر رحم کوونکو لوی مېرمان الله رحم کوي. د ځمکي پر اوسېدونکو رحم وکړئ، هغه څوک به رحم درباندي وکړي چي پر آسمان «لور» دی.

۳- **بخښنه ملگري ډېروي؛** الله تعالی پيغمبر ﷺ ته وايي: ﴿فَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَأْمُرْ بِهِ لَكُنَّا عَنْهَا غَافِقُونَ وَأَسْتَغْفِرُ لَهُمْ وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾

آل عمران: ۱۵۹

ترجمہ: نو د الله د رحمت په وجه ته خپلو ملگرو ته نرم شوی يې. که ته تريوتندي سخت زړه وای خامخا به دي ملگري د شاوخوا څخه تبت او متفرق شوي وای. نو دوی ته عفو وکړه، بخښه ورته غواړه، او په چارو کې سلا مشوره ورسره کړه. چي کله دي عزم وکړ بيا نو ځان پر الله وسپاره، بې شکه چي الله پاک توکل کوونکي خوښوي.

۴- **بخښنه او د بدو په مقابل کې ښه کول يو شمېر دښمنان په دوستانو بدلوي؛** قرآن د بدو په وړاندي زغم د درونو انسانانو کار ياد کړی، د هر سپک انسان په وړاندي غبرگون ښودل يې د شيطان حرکات بللي او بالعکس عفو او د بدو په وړاندي يې ښه کول يو گټور عمل معرفي کړی: وايي: ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ مَنْ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ﴾

المؤمنون: ۹۶ - ۹۸

ترجمہ: بدې په هغه طريقه دفع کړه چي تر ټولو غوره وي؛ زه په هغه څه ښه پوه يم چي دوی يې «ستا په وړاندي» بيانوي. اي پيغمبره! ووايه چي زما ربه زه په تا پناه

غواړم د شيطانانو له پاروونکو وسوسو او له دې څخه چې دوی ما ته حاضر شي «مابدو ته وپاوري».

﴿وَلَا تَسْتَوِ الْمُسِنَّةُ وَلَا السَّيِّئَةُ أَدْفَعُ بِأَلْفِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُرٌّ حَظٍّ عَظِيمٍ وَمَا يَنْزَعُكَ مِنْ السَّيِّطِينَ نَزَعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾
فصلت: ۳۴ - ۳۶

ترجمه: ښه او بده لاره نه دي سره برابري. نو ته په هغه طريقه (د مقابل لوري بدي) دفع کوه چې هغه تر ټولو ښه وي، بيا به هغه څوک چې ستا او د هغه تر منځ يو ډول دښمني شته، داسي وي لکه يو تود (غمشریکه) دوست او دا خوی او خصلت له هغو خلکو پرته چې صبر کوي بل څوک نه شي خپل کولای او دا خوی او خصلت يوازي د لويې برخې د خاوند پرته بل څوک نه شي تر لاسه کولای او که د شيطان کومي خرابۍ ته وهڅولې، نو په الله پناه وغواړه؛ يقيني خبره ده چې الله پوره پوه اورېدونکی دی.

دغه آيتونه ښيي چې کله مقابل لوري ته عفو او د بدو په وړاندي يې ښه اخلاق هغومره لويه بریا را منځ ته کوي چې له دښمن څخه دوست جوړوي. د پېغمبر ﷺ په خپل ژوند کې خو دغسي مثالونه بېخي ډېر دي. له هغه وروسته هم په تاريخ کې د بخښني او ښو اخلاقو د اغيزو مثالونه شته؛ لکه د ماليزيا او اندونيزيا هيوادونه چې هغه وخت سم صادق سوداګر ورتلل، يوازي د هغوی له صادقانه معاملاتو او اخلاقو متاثره شول او اسلام يې له جګړې پرته قبول کړ او نن هم د هغو هيوادونو خلک له اسلامه يوشه د زغم او په اخلاقو کې د نمونې تعبير لري. زموږ د افغانانو په شان جګړه ييز تعبير نه ورڅخه لري.

د پېغمبر ﷺ او ملګرو په عمل کې د بخښني ژوندي مثالونه: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ:

«كُنْتُ أَتَشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَلَيْهِ بُرْدٌ نَجْرَانِي غَلِيظُ الْخَاشِيَةِ»، فَأَذْرَكَ أَعْرَابِيَّ فَجَبَدَ بِرِدَائِهِ جَبْدَةً شَدِيدَةً، قَالَ أَنَسٌ: «فَنَظَرْتُ إِلَى صَفْحَةِ عَاتِقِ النَّبِيِّ ﷺ وَقَدْ أَثَرَتْ بِهَا خَاشِيَةُ الرِّدَاءِ مِنْ شِدَّةِ جَبْدَتِهِ»، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ مُرْ لِي مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَكَ، «فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ فَضَحَكَ ثُمَّ أَمَرَ لَهُ بِعَطَاءٍ». (صحيح البخاري: ۶۰۸۸).

ترجمه: انس ﷺ روايت کوي وايي: زه د پېغمبر ﷺ سره روان وم په داسي حال کې چې نجراني ډبلو حاشيو والا چادر يې پر ځان وو. يو کوچی عرب پسې را ورسېدی، دی له خپل چادر سره ډېر سخت د ځان خوا ته کش کړ. انس ﷺ وايي: ما د پېغمبر ﷺ غاړې ته وکتل چې د پټو حاشيې د ډېر سخت کشولو په وجه تغمه «کرښه» پر جوړه کړې وه. بيا هغه کوچي عرب وويل: اي محمد! د الله له هغه مال د څه برخې امر زما لپاره وکړه چې ستا سره دی. پېغمبر ﷺ ورته وکتل، ويې خندل او د مال ورکولو امر يې هم د هغه په هکله وکړ.

ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: «قَدِمَ عُيَيْنَةُ بْنُ حِصْنٍ بَنِي حَذِيفَةَ فَتَزَلَّ عَلَى ابْنِ أَخِيهِ الْحُرِّ بْنِ قَيْسٍ، وَكَانَ مِنَ النَّفَرِ الَّذِينَ يُذَيِّبُهُمْ عُمَرُ، وَكَانَ الْقُرَاءُ أَصْحَابَ مَجَالِسِ عُمَرَ وَمُشَاوَرَتِهِ، كُهُولًا كَانُوا أَوْ شُبَّانًا»، فَقَالَ عُيَيْنَةُ لِابْنِ أَخِيهِ: يَا ابْنَ أَخِي، هَلْ لَكَ وَجْهٌ عِنْدَ هَذَا الْأَمِيرِ، فَاسْتَأْذِنَ لِي عَلَيْهِ، قَالَ: سَأَسْتَأْذِنُ لَكَ عَلَيْهِ، قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: «فَأَسْتَأْذِنُ الْحُرَّ لِعُيَيْنَةَ فَأَذِنَ لَهُ عُمَرُ»، فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ قَالَ: هِيَ يَا ابْنَ الْخَطَّابِ، فَوَاللَّهِ مَا تُعْطِينَا الْجَزَلَ وَلَا تَحْكُمُ بَيْنَنَا بِالْعَدْلِ، فَعَضِبَ عُمَرُ حَتَّى هَمَّ أَنْ يُوقِعَ بِهِ، فَقَالَ لَهُ الْحُرُّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: {خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ}، وَإِنَّ هَذَا مِنَ الْجَاهِلِينَ، «وَاللَّهِ مَا جَاوَزَهَا عُمَرُ حِينَ تَلَاَهَا عَلَيْهِ، وَكَانَ وَقَافًا عِنْدَ كِتَابِ اللَّهِ».

(صحيح البخاري: حديث نمبر: ۴۶۴۲)

ترجمه: عبد الله بن عباس رضی الله عنهما وايي: عُيَيْنَةُ بْنُ حِصْنٍ راغلی، د خپل وراره حُر بن قيس مېلمه شو. وراره يې له هغو خلکو وو چې عمر ﷺ ځان ته نژدې کړی وو. قرآنپوهان د

عمر ﷺ د مجلس او سلا مشورې خلک ول، که پوخ عمري ول که ځوانان ول. نو عُيَيْنَةُ خپل وراره ته وويل: وراره! ته د امير المؤمنين په وړاندي مخ او ارزښت لري، نو زما لپاره اجازه او وخت ترې واخله. هغه ورته وويل: اجازه او وخت به درته واخلم. ابن عباس رضی الله عنهما وايي: بيا حُر د خپل تره لپاره وخت او اجازه وغوښتله، نو عمر هم د ملاقات اجازه ورکړه. خو کله چې يې حضور ته ورغلی، ويل: اي د خطاب زويه! قسم په الله چې ته نه سم شی راکوي، نه مو تر منځ په عدل پرېکړه کوي. نو عمر ﷺ په غوسه شو آن تردې چې قصد وکړ چې ويې وهي. نو وراره يې حُر ورته وويل: اي امير المؤمنين صيب! الله تعالی خپل پېغمبر ﷺ ته ويلي: عفو اختيار کړه، په ښو امر کوه او له ناپوهانو مخ اړوه، او دا هم له ناپوهانو څخه دی. عبد الله بن عباس وايي: قسم په الله چې کله يې دغه آيت عمر ته تلاوت کړ، ځای پرځای ورته ودرېدی او دی د الله د کتاب ډېر پابنده وو.

په دې واقعه کې د راغلو خبرو له جملې دا دي:

د قرآنپوهنه د عمر ﷺ په مشاوريت کي شرط وه.

د قرآن علم کشران هم لوړ مقام ته رسوي او د عمر په شان خلک يې هم خبره مني.

بخښنه کول د قرآن غوښتنه او عمر ﷺ قرآن ته تسليم او غوښتنو ته يې په ډېر ارزښت قائل وو.



اهمیت صحت شخصی و محیطی در اسلام

سید نصیر هاشمی

دستور کامل و برنامه فراگیر، گردانیده است؟

آری! خداوند متعال، امت اسلامی را سزاوار دینی گردانیده است، که جوابگوی تمام نیازمندی های بشریت در روی زمین، در همه احوال و ازمان می باشد، چه سعادت بی بیش ازین بوده می تواند که الله ﷻ اتمام بزرگترین نعمتش را برای بندگانش به اکمال دین مورد قبول و پسندش، معطوف ساخته می فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^{۳۳} المائدة: ۳

امروز کامل کردم برایتان دین شما را، و تمام نمودم برایتان نعمت خود را، در حالیکه پسندیده بودم برای شما، اسلام را منحیت دین (با برنامه و قانون زندگی جامع و کامل).

اما انسانها کوتاه اندیش و ناسپاس اند؛

خداوند متعال می فرماید:

﴿... وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ...﴾^{۹۱} الأنعام: ۹۱

الله ﷻ را آنچنان که شایسته و زینده اوست به درستی نشناختند (و قدر نعمتها و مواهب بی شمار وی را ندانستند)؛ آنگاه که (یهودیان) گفتند: خدا چیزی بر بشری نازل نکرده است»

الله ﷻ به لذیذ ترین و مفید ترین نعمت هایش و برترین اماکن در محیط زیست، سوگند یاد نموده است که انسان را در زیباترین صورت، بهترین انداز و اندام و خوبترین سیرت آفریده است، و آنرا شایسته تکریم و تفضیل دانسته از رزق و روزی های پاکیزه،

عرصه های گوناگون زندگی را فرا گیرد: سازماندهی، مسؤولیت پذیری، امانت داری، مصئونیت، عدالت، رفاه و آرامش و سایر خوبی ها و منافع زندگی را در برنامه فراگیر خود جا دهد؛ تا زمام امور را در دست گیرد و زندگی انسانها را آنگونه که می خواهد سر و سامان دهد، و امور فردی و اجتماعی و روند حرکت بشری را بر اساس اوامر الله ﷻ منظم ساخته، اداره کند؛ چنین دینی را سزاوار است که برای تحقق اهداف زندگی و سعادت اخروی، اسالیب و عمل کردی را وضع نماید و وسایلی را فراهم سازد که با طبیعت انسانها سازگار بوده، خیر و صلاح، سعادت و فلاح شانرا تأمین نماید. تعلیم کتاب و حکمت و شیوه پژوهش در داشته های روی زمین برای منفعت مردم و تأمین عدالت در جامعه از اهداف اساسی بعثت پیامبران است.

خداوند متعال می فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ﴾^{۲۵} الحديد: ۲۵

به تحقیق ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و به همراه شان کتاب (قوانین) و میزان (معیارهای شناسایی حق و عدالت) را فرو فرستادیم؛ تا مردم دادگرانه رفتار کنند و به عدل و انصاف برخیزند، و پدید کردیم آهن را که در آن توان فراوان و منافع بسیاری برای مردم وجود دارد.^(۱)

آیا این همه عزت و شرف امت اسلامی کافی و بسنده نیست که خداوند مَنان آنرا، لایق و سزاوار چنین دین حیات بخش و سعادت آفرین، باهمچو

دین مقدس اسلام به عنوان دین پسندیده در نزد خداوند و یک طرح کلی، جامع و شامل، نه تنها احکام و تعلیم، عقاید و عبادات، اخلاق و آداب را در برمی گیرد؛ بلکه تمام شؤون زندگی را احتواء می کند؛ زیرا دستورش قرآن عظیم الشان، کلام زیبا و دلنشین پروردگار عالمیان است، کلام آفریدگاری که هیچ چیزی از حیطه علم و حکمتش در عالم هستی پوشیده نیست. دیدگاه اسلام در مورد صحت و سلامتی فرد، جامعه و محیط زیست، خیلی ها وسیع بوده و تأمین آنرا در صدر برنامه های حیات بخش و سعادت آفرین خویش قرار داده است.

خداوند منان می فرماید:

﴿مَّا فَرْطْنَا فِي الْكِتَابِ مِن شَيْءٍ﴾^{۳۸} الأنعام: ۳۸

ما در این کتاب هیچ چیزی را فروگذار نکرده ایم. به عبارت دیگر، همه نیازها، بینشها، و فرهنگ دینی و شیوه برتر زندگی، در قرآن کریم نهفته است؛ آنچه باعث فقر فرهنگی ماست

عدم آشنایی و بیگانگی ما با کلام الله مجید و دساتیر و برنامه های حیات بخش و سعادت آفرین آنست که از جانب رب العالمین نازل گردیده است. مفکر اسلامی شیخ قرضاوی در مورد ویژه گیهای برازنده اسلام چه زیبا فرموده است: «اسلام دین و رسالت جهانی، شریعت فراگیر و عمومی است، می زبید چنین رسالتی را با چنین تطبیقی که



خوشمزه و حلال بهره مند نموده است، چنانچه می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَجَعَلْنَاهُمْ فِي الْآلِ وَالْأَحْصَرِ وَرَفَعْنَاهُمْ مِنْ الطَّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾^{۷۰} [الاسراء: ۷۰]

ما آدمی زادگان را (با اعطای حواس پنجگانه، زیبایی قامت و صورت، نعمت عقل و علم و اندیشه نیروی بیان و نوشتار و غیره) گرامی داشته ایم، و آنان را درخشکه و دریا (بر مرکبهای گوناگون) حمل کرده ایم، و از چیزهای پاکیزه و خوش مزه، روزیشان نموده ایم، و آنها را بر بسیاری از آنچه آفریده ایم، کاملاً برتری داده ایم.»

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ وَالزَّيْتُونَ وَطُورِ سِينِينَ وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^{۷۱} [الانشاء: ۱-۴]

سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهر امن و امان. که ما به راستی انسان را در (بهترین صورت) و نیکوترین اعتدال (از حیث قامت، اندام و انداز) آفریدیم.

شایان ذکر است که در این ویژه گیها همه انسانها شریک اند، اما عظمت و احترام انسان مؤمن بیشتر از عظمت و احترام کعبه شریفه است. امام ترمذی رحمه الله در سنتش، حدیثی را روایت نموده است که روزی عبدالله بن عمر رضی الله عنهما رو به کعبه کرد و گفت: «عجیب با عظمت و با احترامی، ولی انسان مؤمن عظمت و احترامش از تو بیشتر است»

مسلم که احترام مسلمان، در تأمین صحت و سلامتی نفس و حفاظت از مال و ناموس اوست. به عبارت دیگر: احترام مسلمان در جامعه اسلامی تأمین حق و عدالت، و بهره مندی از امنیت و آسایش، سلامتی جسمی و روانی اوست. ارج گذاری، اهتمام و عنایت اسلام به مسأله حیاتی صحت جسمی، روحی و محیطی انسان، باعث منجی بشریت محمد رسول الله (۱۴ قرن) قبل از امروز آغاز شده است، زمانی که انسانها در لجن زار پلید نا امنی های دوران جاهلیت دست و پا می زدند، و از نعمت بزرگ امنیت در عرصه های مختلف زندگی محروم بودند.

هدف اساسی اسلام تأسیس جامعه اسلامی، ایجاد محیط سالم، و عاری از

هر نوع گمراهی و آلودگی های مادی و معنوی، است که در آن کرامت انسانی و حقوق فردی و اجتماعی، تأمین گردد، تأسیس جامعه ای که بر مبنای حق و عدالت استوار باشد، و افراد آن در فضای صلح و سلام، امنیت و آسایش، دوستی و برادری، در محیطی سالم، زیبا، و شگوفا، بدور از هر نوع، تبعیض و تعصب، زورگویی و امتیاز طلبی، زندگی نمایند، این همان جامعه یی است که به داستان مبارک منجی بشریت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله بنیان گذاری شده است.

صحت از دیدگاه اسلام:

نظر دین مقدس اسلام مشخصاً در یک دیدگاه عمومی راجع به صحت خیلی وسیع است؛ زیرا هر آنچه که به ضرر بانجامد و موجب امراض جسمی و روحی، در زندگی فردی و اجتماعی، گردد از آن نهی می کند: صحت در نزد دانشمندان علوم طبابت عبارت از: تندرستی کامل بدنی، نفسی، اجتماعی و روحی است، و در ادبیات عربی به حالت ضد مرض، اطلاق شده است.

علوم طبی در اسلام اهمیت خاصی دارد؛ سلامتی فرد، جامعه و محیط زیست را در صدر برنامه های حیات بخش و سعادت آفرین دین مبین اسلام قرار داده است. عنایت و توجه اسلام به مسائل طبیی در عرصه های درمان، وقایه و جلوگیری از شیوع امراض، مانند اهتمام و عنایت وی به مسائل دینی و سایر علوم تطبیقی است.

حفظ صحت و معالجه مرض دو اصل عظیم طبابت است بنابراین می توان گفت که طب وقایوی "بهداشت" مهمتر و ارزانتر از طب معالجوی است زیرا وقایه یگانه راه جلوگیری از شیوع امراض در بین افراد خانواده و جامعه است که بهتر و آسانتر از علاج می باشد؛ لذا طب وقایوی رکن اول و طب معالجوی رکن دوم طبابت بوده، و با یگدر پیوند نا گسستنی دارند.

طبابت از دیدگاه اسلام هم علم است و هم اخلاق، هم پژوهش و هم عمل و تجربه؛ زیرا علاوه بر علم و دانش خاص: آزمایشات طبیی، و نتیجه گیری از آن به هدف تداوی و نجات مریض از درد و رنج را در بر می گیرد که در مجموع ثمره اش همانا تأمین صحت و سلامتی انسانها، و محیط زیست و جلوگیری از شیوع آفات و امراض

در جوامع بشری است. دکتر هنری لنگ، روانشناس مشهور آمریکایی می گوید: «هرگز تنها از راه پیشرفت دانایی و معرفت علمی، به راه حلی برای مشکلات بگرنج زنده گی دست نخواهیم یافت، و از چشمه ی سعادت آب نخواهیم نوشید؛ زیرا پیشرفت علم به معنای افزایش اضطراب و سردرگمی است، تا وقتی که همه ی علوم در زیر پرچم حقایق روشن زنده گی توحید نشود؛ به آزادی عقل هایی که آنها را ابداع و ابتکار کرده، نخواهد انجامید، بلکه برعکس آنها را به تباهی و تعفن سوق خواهد داد. و البته توحید علوم تنها از طریق ایمان ممکن خواهد بود و بس.»^{۷۲}

از دیدگاه اسلام هر آنچه برای سلامتی جسم و جان خطرناک و زیانبار است، حرام یا مکروه است و آنچه برای سلامتی انسان، لازم و مفید است، واجب یا مستحب، و هر آنچه سود و یا زیانی برای جسم و جان ندارد، مباح شناخته شده است. این بدان معنی است که طب پیشگیری در متن مقررات و احکام پنج گانه ی اسلام، تعبیه شده و اجرای کامل و دقیق قوانین الهی در زندگی، سلامت جسم و جان انسان را به همراه دارد.

طب وقایوی از طریق پیشگیری از بیماریها و تأمین سلامتی انسان یکی از اهداف اصلی و حکمت های مهم در شریعت اسلامی است. برنامه های نورانی و حیات بخش اسلام، جامعه بشری را به راه های تأمین صحت و سلامتی، و صعود به اعلا ترین مدارج پیشرفت و نیل به خوشی و سعادت در زندگی فردی و اجتماعی رهنمون می کند.

خداوند متعال تصریح می کند: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْقُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^{۷۳} [البقرة: ۱۷۵-۱۷۶]



{ "الله تبارک و تعالی می فرماید:" پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از چیزهایی از کتاب (آسمانی خود) را که پوشیده می داشتید؛ برای شما بیان می کند و از بسیاری (خطاهای شما) درمی گذرد، قطعاً برای شما از جانب خدا روشنایی و کتابی روشننگر آمده است. الله ﷺ هر که را از خشنودی او پیروی کند؛ به وسیله آن (کتاب) به راه های سلامتی (از تمام آفات و امراض)، رهنمون می شود. و به توفیق خویش آنانرا از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون می برد و به راهی راست هدایتشان می کند.

انسان می تواند که با ایمان راسخ به پروردگارش و با پیروی از (قرآن عظیم الشان و سنت نبوی شریف) و تطبیق برنامه های الهی، به هدف خوشنودی و رضای پروردگار عالمیان، به بزرگترین نعمتهایش که همانا صحت و عافیت، خوشبختی و رستگار در دنیا و آخرت است، نایل شود.

صحت و سلامتی از دیدگاه اسلام، از نعمت های گرانبهای خداوند سبحان محسوب می شود.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (نعمتان مغون فیهما کثیر من الناس: الصحة والفرغ. «۳»):

دو نعمت از نعماتی است که در آن بسیاری از مردم فریب خورده اند: صحت و فراغ. یعنی تندرستی و اوقات فراغ.

این حدیث صحیح نبوی شریف این مفهوم را می رساند که انسان باید، قدر نعمت صحت را، هنگام بیماری و قدر فراغ و بیکاری را، هنگام مشغولیت بداند و این دو فرصت حیاتی را، غنیمت شمارد.

عدم توجه به وقایع و بهداشت قبل از ابتلاء به هر نوع امراض، و عدم اقدام به علاج بعد از ابتلاء به آن، بالخصوص امراض ساری و مهلک؛ عقلاً و شرعاً، نوعی از مواجه نمودن نفس، خانواده و جامعه به هلاکت است: الله ﷺ می فرماید: ﴿وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ البقرة: ۱۹۵ و خود را با دست های خود به



هلاکت میفکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

مسئلاً، کسانی که قدر (تندرستی و فارغ بالی) این دو نعمت بزرگ الهی را نمی دانند، فرصت طلایی تندرستی را قبل از بیماری، و فراغت را قبل از انشغال، و فرصت بهره گیری از زندگی را، قبل از مرگ از دست می دهند. مسلمان را شایان است که این دو نعمت الهی را غنیمت شمرده از فرصت تندرستی، غنیمتی برای روزهای بیماری، و از فرصت فراغت برای مشغولیت، و از زندگی بهره ای برای لحظه مرگ، بدرستی استفاده نمایند؛ و در هر دو حال، برای کسب رضای الله ﷺ و نیل به سعادت هر دو جهان تلاش نماید.

رابطه نظافت با صحت و سلامتی انسان:

رابطه نظافت با صحت به مثابه رابطه قلب با سایر اعضای جسم است؛ نظافت تأمین کننده صحت و سلامتی در حیات فردی، و اجتماعی است.

نیازانسان به پاکی و نظافت، نیاز زندگی به آب و اکسیجن است.

اسلام دین نظافت است و پیروانش را، به رعایت نظافت و حفاظت از صحت و سلامتی فردی و اجتماعی از امراض و آفات و محیط زیست از آلودگی ها، که اساس هر زیبایی وزینت است، دستور می دهد.

رعایت و اهتمام دین مبین اسلام به نظافت و پاکیزگی قبل از اهتمام آن به زینت و زیبایی، قد و قیافه است.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: (تَنْظِفُوا فَإِنَّ الْإِسْلَامَ نَظِيفٌ. «۴»): نظافت را رعایت کنید به راستی اسلام پاک و نظیف است.

حفظ الصحة شخصی یک امر فطری است، و رعایت آن در حقیقت نگهداری از سلامتی فطرت است. پیامبر اسلام در حدیثی، برای حفظ الصحة شخصی، و مصوونیت بدن از آلودگی با عوامل آفات و امراض، قسمت های مهم بدن را مشخص نموده می فرماید: (خمس من الفطرة: الحتان، والاستحدا، وتقليم الاظفار ونف الإبط وقص الشارب. «۵»): پنج چیز از سنت قدیم انبیاء و از فطرت سلیم انسان است: ختنه کردن، تراشیدن موهای اطراف شرمگاه، قطع نمودن ناخنها، پاک کردن موهای زیر بغل و کوتاه نمودن موهای

پشت لب، (سبیل، بروت).

رعایت نظافت، موجب رضای خداوند و تأمین صحت و سلامتی در زندگی فردی و اجتماعی می گردد.

الله ﷻ پاکیزگان را دوست دارد، و آنانرا، در مقابل رعایت نظافت، پاداش عظیم عطا می کند.

قرآن مجید می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُطَهِّرِينَ﴾ البقرة: ۲۲۲ به تأکید خداوند توبه کاران و پاکیزگان را دوست می دارد.

از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

(لَا يَغْتَسِلُ رَجُلٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ مِنْ طَهْرٍ، وَيَدْهِنُ مِنْ ذَهَبِهِ، أَوْ يَمَسُّ مِنْ طَبِيبٍ بَيْتِهِ، ثُمَّ يَخْرُجُ، فَلَا يَمُرُّ بَيْنَ اثْنَيْنِ، ثُمَّ يُصَلِّي مَا كَيْبَ لَهُ، ثُمَّ يَنْصَبُ إِذَا تَكَلَّمَ الْإِمَامُ، إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ، وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى.):

«هر کس روز جمعه غسل کرده، تا جایی که می تواند خود را پاکیزه گرداند کرم و روغن خوش بو به موهایش بمالد، مشک و عطر استفاده کند، سپس به سوی نماز برود و هیچ دو شخصی را از همدیگر جدا نکند، و آنچه می تواند نماز بخواند، سپس چون امام شروع به خطبه نمود ساکت نشسته با دقت گوش فرا دهد. خداوند هر آنچه از آن جمعه تا جمعه دیگر از او سر بزند را می بخشد.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی، الله ﷻ را به «طیب» و «نظیف» توصیف نموده، و پیروانش را به رعایت نظافت برای حفاظت از صحت شخصی و محیطی دستور داده است.

از سعید بن مسیب روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يَحِبُّ الطَّيِّبَ، نَظِيفٌ يَحِبُّ النَّظَافَةَ فَنَظَّفُوا أَفْنِيَكُمْ وَلَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ. «۶»): هر آئینه خداوند پاک است و پاکان را دوست دارد و پاکیزه است و پاکیزگان را دوست می دارد، پس پیش روی خانه های خود را پاکیزه سازید و مانند یهودیان نا مرتب نباشید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله طهارت را برای پیروانش از شروط اساسی پذیرش نماز در نزد خداوند تعریف نموده است:

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (لا يقبل الله صلاة أحدكم إذا أحدث حتى يتوضأ. «۷»): الله ﷻ نماز هیچ یک از شما را که حدث کرده باشد، نمی

پذیرد، تا زمانی که (قبل از اقدام به نماز) وضوء نکند.

در حدیث دیگری نماز را کلید جنت، و نظافت و طهارت را کلید نماز معرفی نموده، می فرماید: (مفتاح الجنة الصلاة و مفتاح الصلاة الطهور.^۸): کلید جنت نماز و کلید نماز پاکیزگی (الوضوء) است.

طبیعت یا محیط زیست از دیدگاه اسلام:

از دیدگاه اسلام، انسان و طبیعت (در یک منظومه متکامل و یک نظام هستی دقیق و بسیار مستحکم قرار دارند: خداوند منان می فرماید:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾^۹ (القدر: ۴۹)
«ما هر چیزی را به اندازه‌ی لازم و از روی حساب و نظام آفریده ایم».

حد و مرز طبیعت یا محیط زیست، در این دیدگاه تنها در فضای اطرافمان خلاصه نمی شود، بلکه طول و عرض وی عوامل و مؤثراتی که در این میان قرار دارد، و حتی تغییر و تحولاتی که در نفس انسانی صورت می گیرد، همه را دربر می گیرد.

بینش اسلامی طبیعت عمق جغرافیایی زمینی که فرش زندگی است تا آسمانی که سقف خانه بشریت است، تمام را به عنوان یک کبان زنده منظم و زیبایی می نگرد که دارای احساسات و انفعالات بوده، شبانه روز به عبادت آفریدگار مشغول است:

قرآن عظیم الشأن می فرماید:
﴿سَبِّحْ لَهُ الشُّجُرُ النَّاتِعَةُ وَمِنْ فِيهِمْ مَنْ يَذْكُرْهُ بِحَمْدِهِ وَالْجَبَلُ السَّاجِدُ وَبَنَاتُهُ يَسْبِّحْنَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^{۱۰} (الاسراء: ۴۴)

آسمانهای هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می گویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش تسبیح او می گوید ولی شما تسبیح آنها را در نمی یابید به راستی که او همواره بردبار و آمرزنده است.

این آسمانها و زمین و هر آنکس که در میان آنهاست، با دیدن خویان شاد گشته، در فقدان آنها اشک می ریزد، و هیچ ارزش و بهایی برای بدان قائل نیست. خداوند متعال می فرماید:

﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ﴾^{۱۱} (الدخان: ۴۹)

«نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و نه به ایشان مهلتی داده شد (تا

چند صباحی بمانند و توبه کنند و به جبران گذشته ها بپردازند)».

اسلام طبیعت را یک ملک عمومی شمرده با شعار «تمام جهان خانه ما» همه نسلهای بشر و انسانیت را در مقابل آن مسؤول دانسته، یادآور می شود که درملکیت عمومی همه شریک اند.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: (النَّاسُ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثٍ: فِي الْكَلْبِ، وَالْمَاءِ، وَالثَّارِ.^{۱۲}):

«همه انسانها در سه چیز با همدیگر شریک اند: آب و گیاهان، و آتش».

به عبارت دیگر، آب و درختان و سبزیجات که فراورده های گیاهی بشر را تأمین می کنند و فراورده های حیوانی نیز نتیجه ثانوی آن است و سوخت و وسایل سوخت از نفت و گاز و زغال سنگ و هیزم و سایر داشته های روی زمین، ملکیت عموم بشر است، و هیچ نسلی یا افرادی حق ندارند در آن تصرف خود خواهانه و غیر مسؤولانه انجام دهند.

از دیدگاه اسلام همه انسانها حق دارند که از این نعمتهای بزرگ، به نفع خود و دیگران در دنیا استفاده مشروع کنند، از فساد پیشگی و تبهکاری در روی زمین اجتناب نمایند، نیک اندیش، نیکو کار و سپاسگذار باشند، تا مستحق رحمت و پاداش الله ﷻ در آخرت گردند.

خداوند حکیم می فرماید: ﴿وَأَنبَغَ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾^{۱۳} (القصص: ۲۷)
و با آنچه الله ﷻ برایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خداوند به تو نیکی کرده؛ نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد.

اهتمام اسلام به پاکی و زیبایی محیط زیست:

دین مقدس اسلام حفاظت محیط زیست را از خصلت های ایمان کامل دانسته و هرگونه معاونت را در نظافت محیط زیست به اسم صدقه و سلوک مدنیت موسوم می کند. این موضوع درصدر مباحثات سیاسی و بهداشتی جهان امروز، جا گرفته و رعایت حقوق آن از اولویت های بین المللی بشمار میرود. البته

تدابیر اتخاذ شده، برای آنست تا محیطی که انسان در آن زیست می کند، مصدر فساد و منبع امراض نگردد؛ زیرا امراض

ناشی از تلوث محیطی گاهی خیلی خطرناک اند.

اهتمام اسلام به پاکی و صفائی، زیبایی محیط زیست، برای حفظ سلامتی انسانها، نسبت به همه ادیان و قوانین بیشتر است، رسیدگی به محیط زیست و کمک در برقراری نظم و انضباط آن عبادت، و برهم زدن و یا خدشه دار کردن زیبایی آن از جمله گناهان شمرده شده است.

امام مسلم ﷺ در صحیح مسلم روایت نموده است که رسول اکرم ﷺ فرموده اند: (غُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُ أُمَّتِي حَسَنُهَا وَسَيِّئُهَا فَوَجَدْتُ فِي مَحَاسِنِ أَعْمَالِهَا الَّذِي يُبَاطُ عَنْ الطَّرِيقِ وَ وَجَدْتُ فِي مَسَاوِي أَعْمَالِهَا الشُّحَاعَةَ تَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ لَا تُدْفَنُ)^{۱۴} (کارنامه اتم، از خوبیها و بدیهای شان^{۱۵})

را، برمن عرضه شد. دیدم که از جمله خوبیهای آن، کنار زدن هرآنچه باعث آزار واذیت مردم می شود از سر راه بود. و آنچه را در بدیهای شان، پیدا نمودم، بلغمی که درمسجد انداخته شده (اما با ریختن خاک برویش) دفن نشده است.^{۱۶})

بناء رعایت حفظ الصحه شخصی و محیطی مخصوصاً در وضعیت کنونی، غرض وقایه و جلوگیری از شیوع و یروس مرگبار کرونا در جامعه، مسئولیت هر فرد مسلمان است.

منابع و مآخذ:

- ۱- دکتر یوسف قرضاوی، فقه سیاسی، ص ۲۵-۲۳ و ۴۱
- ۲- لنگ، هنری: العودة الایمان، ترجمه به عربی: ثروت عکاشه، ص ۸۱-۸۲
- ۳- امام بخاری، صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب: ما جاء في الصحة والفراخ، ج ۲، ح ۶۰۴۹.
- ۴- امام الترمذی، سنن الترمذی، ح ۲۳۰۴.
- ۵- این دو حدیث را به ترتیب، طبرانی و ابن حبان بستی (رحمهما الله) روایت کرده اند.
- ۶- صحیح بخاری: ۵۸۸۹ و صحیح مسلم: ج ۱، ص ۴۲۱، بشماره ۲۵۸.
- ۷- روایت امام ترمذی از سعید بن مسیب، در جامع السنن، ج ۳، ص ۵۳۷، حدیث: ۲۷۹۹.
- ۸- روایت امام بخاری، صحیح البخاری، کتاب الحیل، باب في الصلاة، بشماره (۱۳۰-۶۵۵۴)
- ۹- احمد بن حنبل (رح)، مسند، ج ۳، ص ۴۱۷.
- ۱۰- این حدیث را امام احمد و ابوداود (رح) روایت نموده اند و راویان آن همه ثقة هستند.
- ۱۱- روایت امام بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۸۲۸.
- ۱۲- اقتباس: اسلام و محیط زیست!.. د/ نورمحمد امراء، ۱، ص ۴-۷. برگرفته شده از کتابخانه‌ی عقیده .



سید جمال الدین افغان د خپلواکۍ ویشوونکې ډیوه

فضل محمد "حسینی"

خو مخکې تردې چې هلته ورسېږي د خپلې کورنۍ لېدو ته په اسعدآباد کې تم شو، پلار یې ورڅخه د پاتې کېدو غوښتنه وکړه خو نوموړي بېشنه وغوښته او وې ویل:

"زه په هوا کې د الوتونکي باز په شان یم چې د دغه پراخې نړۍ فضا دخپلې الوتې پر وړاندې ورته تنګه ښکاري او زه تعجب کوم تاسو ته چې غواړئ ما په دغه وړوکي تنګ قفس کې زنداني کړئ."

په هند کې د بمبې ښار ته ورسېد هلته یې عصري زده کړې پرمخ یوړې او له هغه ځایه د حج لپاره سعودي عربستان ته لاړ او له حج کولو وروسته بېرته کابل ته ستون شو.

لکه څنګه چې د خور زوی یې میړزا لطف الله وايي له امیر دوست محمد خان سره یې ولیدل، او لومړی کتاب یې په کابل کې د (تتمة البیان فی تاریخ الأفغان) په عربي ژبه ولیکه چې وروسته د وزارت ترڅوکۍ هم ورسېد.

د عکس تشریح: (۲)

دا له خان خلیلي سره نژدې هغه جوماتونه او علمي مرکزونه دي چې سید جمال الدین افغان به په کې خپلې ویناوې کولې.

خو په هېواد کې سیاسي بدلونونو

غربي د خپل وطن له بچیانو وړاندې ډېر لږ تللی دی.

د عکس تشریح: (۱)

دا دقاهرې په زړه کې هغه ځای دی چې سید جمال الدین افغان په کې اوسیده. خو د جمال الدین افغان غږ او اغیز د هېوادنو او قومونو په لمنو پورې نه و تړل شوی بلکې ټوله ختیځه نړۍ په کې رانغښتې وه.

سید جمال الدین افغان په (۱۸۳۸ م کال) د افغانستان په اوسني دردمند اسعدآباد کې سترګې دنیا ته وغوړولې او لومړنۍ زده کړې یې په پلازمېنه کابل کې سرته ورسولې.

په اسلامي زده کړو برسیره یې عصری هم پرمخ بیولې، خو په ۱۸۴۹ کال کې له خپل پلار سره تهران ته مخه وکړه چې لا نورو



(۱) لاکل

زدکړو ته دوام ورکړي.

له تهرانه بیا عراق ته وکوچېد او له څلور کلنو وروسته هلته د ورېښو گواښونو له کبله یې د هند په لورې د تګ تکل وکړ.

"د شپې په ارامۍ کې د اسلامي اُمت په درانه خوب کې له افغان هېواد پورته یو غږ شو، چې دا دی نوی سهار نارې وهي، داسې غږ چې نارې وهي بریالتوب ته راشي او ازانګه یې په هر لوري خپره ده. دا د اُمت د راویښوونکي سید جمال الدین افغان غږ و."

دا د عربي نړۍ د مخکښ لیکوال او مفکر مالک بن نبي وینا ده چې د ولسونو راویښوونکي سید جمال الدین افغان په اړه کړې ده. ځکه د هر ولس او هېواد پرمختګ سوکالي په داسې بچیانو پورې تړلې وي چې تل هڅه کوي خپل ولس تر هر څه مخکې یو موټی وساتي، د ورېښو ستونزو د حل لاره ورته وړاندې کړي، هغه همت په کې را ژوندی کړي چې د هغه په اصطلاح راتلونکي لپاره فکر ولري او د پردیو د هر ممکنه گواښ رامنځ ته کېدو پر وړاندې د یو بدن شکل پیدا کړي.

په ۱۹ مه پیړۍ کې ډېری داسې څېرې وې چې خپل هېوادونه او ولسونه یا له ورېښو خطرونو وساتي او یا یې له هغه کړکېچن حالتو بهر کړي چې ورېښی و، خو د دغو ټولو هڅو اغیز تر خپل هېواد پورې محدود و او د اصلاح



شکل پیدا کړي.





نوموړی ارکړ چې د هند په لورې مخه وکړي او هلته ډېر پاتې نه شو او په بېړۍ کې د مصر سويس ښار ته لاړ او پلازمېنه قاهرې ته يې ځان ورساوه.

(۴۰) څلويښت شپې هلته پاتې شو او پرازهر شريف برسیره يې له ځينو ځايونو او شخصيتونو سره ليدنې وکړې.

له دې ځايه د عثماني خلافت د پلازمېنې آستانه په لور وخوځېده له لږ څنډ وروسته په ۱۸۷۱ م کال کې بېرته قاهرې ته ستون شو او د وخت له پاچا رياض سره يې وليدل.

پاچا په يوه ليدنه کتنه کې د هغه له افکارو ډېر سخت اغيزمن شو او افغان يې وهڅاوه چې هلته پاتې شي چې حکومت ورته د خان خليلي په سيمه کې کور هم ورکړ.

په دې وخت کې افغان د اسلامي علومو ترڅنگ د فلسفې، منطق، آدب، فلک او رياضي تدريس پيل کړ.

نوموړي د خپلو دوو افغاني ژبو تر څنگ په عربي، ترکيې، فرانسوي او ځينو نور ژبو رواني خبرې کولې او د ژوند تر ټول فکري او اصلاحي مرحله يې پيل کړه چې په سياسي، کلتوري او

علمي برخه کې محدوده نه وې بلکې په ختيځه نړۍ کې يې د ژوند په ټولو برخو کې ژور بدلون غوښت.

په مصر کې د جمال الدين افغان له (۱۸۷۱ تر ۱۸۷۹ م) کلونو پورې اوسيدل مور ته د دغه مبارز شخصيت د ژور اصل او فکر انځور راکوي.

دا هغه وخت و چې نه يوازې په مصر کې بلکې په ډېرو هيوادونو کې رسنۍ د حکومتونو تر اغېز لاندې وې.

د عکس تشرېح: (۳)

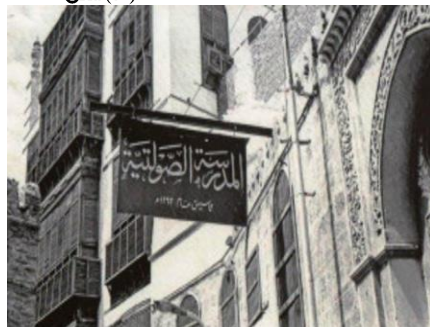
دا هغه مدرسه ده چې د سيد جمال الدين افغان شاگردانو په کې زده کړه کوله.

خو ده خپل شاگردان او همکاران وهڅول چې د ده ويناوې او ليکنې په ورځپاڼو او مجلو کې په خپلو نومونو خپرې کړې چې له دې سره يې يوه داسې ډله ځوانان په خپلو افکارو وروزل چې داوري يې پيدا کړې وه چې په دې برخه کې مبارزه وکړي.

د کار په کولو سره په مصر کې آزادو مطبوعاتو ته لاره هواره شوه او ده د تجديد او اصلاح حرکت تر نامه لاندې خپل کار پيل کړ.

د "مصر" په نامه يوه ورځپاڼه هم د دوی په هڅوله چاپه ووته.

افغان په ورته وخت کې په حکومتي ورځپاڼو کې د خپلو مقالو ليکلو ته دوام ورکاوه.



نوموړي خپل غږ د ټولنې په لوستو کسانو پورې محدود کړی نه و بلکې په ډېر عجيبو حماسي او عاطفي ويناو سره چې کله کله به له سختو ټکو ډکې وې د عام ولس د وېښولو بهيروان ساتلی و.

دغو ويناوو د ټولنې حقيقي ستونزې په ډاگه کولې او دا هغه لاره وه چې ترڅو وتوانېد ولسونه پرې راويښ کړي.

کله چې مونږ غواړو د اسلامي نړۍ د دغه ستر مبارز اهداف وپېژنو چې ده يې د عملي کېدو غوښتنه کوله نو بايد د هغه دغه تل پاتې افکارو ته کتنه وکړو.

مونږ چې په يويشتمه (۲۱) پېړۍ کې ژوند کوو وينو چې د بشري ټولنو ترمنځ په بېلا بېلو ډولونو سياسي، فکري، اقتصادي او ټولنيزې ستونزې موجودې دي چې تر ژبې، جنس او قومونو پورې رسېږي.

د بېلا بېلو فکرونو نړۍ سره تړل شوې ده.

خو د ختيځې نړۍ دغه وېښوونکي افغان په دې باور درلود چې موږ بايد له دغې ځالې بهر شو لکه



څرنگه چې وايي: "پر ديني رسۍ

منگولې کلکې کړې چې دا هغه

ټينگه اړيکه ده چې ترکي له

عربي، فارسي له هندي او

مصري له مغربي سره تړي او د

خپلو اړيکه ځای نيسي چې له

دې سره وتوانېږو ختيځه نړۍ

او يا هم لږ تر لږه اسلامي

۲۵

هېوادونه داسې نژدې کړو لکه څنکه چې نن اروپا سره تړل شوې ده." خو دا کار هغه وخت کېدای شي چې سیاسي اراده موجوده وي.

د عکس تشریح: (۴)

د الازهر جومات یوه برخه ده:

دغه هدف ته ځان رسولو لپاره افغان په خپلو ویناوو او لیکنو کې شاگردانو ته د تاریخ په اوږدو کې د حکومتونو جوړښتونه بیانول او دې ته یې هڅول چې باید په حکومتي مؤسسو کې واک د ټاکل شویو شوراګانو له خوا تنظیم شي چې په اوسني وخت کې یې پارلمان تمثیلوي. افغان ویل چې واک باید پر آزادۍ او برابري ولاړ وي.

له دې سره نوموړي غوښتل چې د حاکمو کورنیو واک پاتې ته ورسوي ځکه دغه کورنۍ د استبدادجرې وي. په مصر کې چې د محمد علي کورنۍ واکمنه وه، د دې هېواد د مرکزي رول د ادا کولو مخه نیولې وه. نه یوازې په مصر بلکې په ډېرو هېوادونو کې د هر څه مخه نیولې وه. دی وایي:

"هغه ستونزې چې د منځني ختیځ پر ډېر مهم هېواد مصر راغلې، اړیکې یې نوي کړلې، او د پولولو له پلوه یې هغه لیرې هېوادونه سر نژدې کړل چې د عقیدې په پوهنتون تړل شوي وو. د عاقلانو او هوښیارانو مفکورې یې راوښيي کړې او د هغوی نظریې هغه څه ته واړاوه چې دوی د دوی پاتې به څه وي؟ ځکه نو هغوی یو له بل سره په نظري لحاظ نژدې شول او د حق په غوښتنه کې یو له بل سره وتړل شول او هیله یې درلوده چې خپل ځیني هغه قوتونه به بیرته وګرځوي چې له لاسه یې



(۴) شکل ورکړي وو.

ده په دې بسنه ونه کړه بلکې په نننۍ نړۍ کې یې "د وطن د آزادۍ ګوند" تر نامه لاندې لومړنی سیاسي ګوند رامنځ ته کړ چې په ۱۸۷۹م کې یې په ښکاره ډول فعالیت کاوه، چې بیا دغه فعالیتونه ۱۸۸۳م په پاریس کې د (عروة الوثقی) د ټولنې او ورځپاڼې تر عنوان لاندې پرمخ روان وو چې په اروپا کې هم په همدې وخت ګوندونو دومره منظم شکل نه درلود. دا ټول کارونه یې د یو داسې سوله ییزې لارې پرمخ وړل چې هغه په انساني عقل ولاړه وه او جمال الدین افغان دغه عقل ته په دې ټکو اشاره کوي.

"انسان د نړۍ ترټولو لوی راز دی او ژر ده چې په عقل سره د طبیعت پټ اسرار څرګند کړي، ژر ده چې په خپل علم او عقل هغه تصورات تصدیق کړي چې غېر ممکن برېښدل خو اوس ممکن وګرځېدل." نوموړي په دې باور درلود چې نړیوال امنیت او سوله ییز ژوند هغه وخت راتللی شي چې کله ولسونه په داسې ریښتني علم وروزل شي چې پرې د هر هغه ناوړه کار مخه ونیولې شي چې د ځمکې پرمخ د تر ټولو ستر ژوندي د وینو توپولو سبب ګرځي. دا کار د هغه علم په زده کړه کېدای شي چې افغان یې تل ته رسېدلی و او داسې تعبیر ترینه کوي.

"هغه رښتني او صحیح علم چې امکان لری

بني آدم ورته ورسېږي. هغه دی چې پر مټ یې د فساد او وینو توپولو مخه ډب کړي."

د عکس تشریح: (۵)

دا د هغو کتابونو بیلګه ده چې دسید جمال الدین افغان په اړه لیکل شوي. د یو انسان تر ټولو ستر کار هغه کتل کېږي چې ورسره د یو بل انسان یا ټولنې ژوند وژغوري چې دا ژغورل یوازې له حقیقي مرګه نه دی بلکې په علم د ټولنې ژوندی کول یې تر ټولو لویه کړنه ده ځکه چې دغه علم تر مرګ وروسته هم پاتې وي او ولسونه یې یادونه کوي. لکه څرنګه چې دغه اسلامي فیلسوف یې داسې بولي:

"ژوندي جاهلان مړه دي او مړه عالمان ژوندي دي."

(۵) شکل



هر اُمت او یا ولس چې پوهنه ونه لري د خپل پرمختګ مخه یې نیولې ده. دا پوهنه باید په رښتینو ستونزو ولاړه وي، لکه څرنګه چې افغان وایي: "پرتله له اخلاقو اُمت نشته، پرتله له عقېدې اخلاق نشته، پرتله له فهم نه عقیده نشته او مونږ مسلمانان د دې توان لرو چې خپل پرمختګ او تمدن یوازې په قران او دین په باور لرلو سره رامینځ ته کړو، چې همدا د وروسته پاتې کېدو دله مینځه وړولو یوازینی لاره ده."

فرازهای تقدیر و تشکر از مدبر

قسمت اول:

سیدمسلم شاه "اسدی"

تعریف تشکر

قدردانی شکران از {نعمت گستر} و سپاسگزاری از {نیکوکار} آن قدر با فضیلت و محبوب است که قرآن مجید ضمن این که {شاگرد و شکور} را از نام های خدا دانسته، فرموده است:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ اللَّهِ الشَّكُورِينَ﴾ آل عمران: ۱۴۴ [۱]

خداوند پاداش سپاسگزاران را بزودی خواهد داد. سپاس و قدردانی از خداوند متعال که سر سلسله همه نیکویی ها در برابر نعمات آن ذات است، درجه والایی دارد.

حضرت عایشه (رضی الله عنها) نقل می کند که رسول الله ﷺ شب را بیدار می ماند و به نماز می پرداخت تا آنکه پاهای شان ورم می نمود از او پرسیده شد چرا این کار را می کنید؟ ! ...

پیامبر ﷺ پاسخ می فرمودند: (أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا) (متفق علیه)

آیا بنده شکرگزاری نباشم؟ رسول الله ﷺ می فرماید: (لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ) (ابوداود و ترمذی)

سپاس خداوند را نمی گزارد آنکه سپاس مردم نمی گزارد.

عمر بن عبد العزیز (رحمه الله) درباره شکر می گوید: [نعمت ها را به یاد آورید؛ چرا که یادآوری آن همان شکر و سپاس آنست] قدردانی به رفتاری اطلاق می شود که در آن شخص از فرد یا افرادی که او را مورد لطف قرار داده اند به صورت کلامی، غیر کلامی و یا

هر دو روش سپاسگزاری نماید.

بی شک شکرگزاری و سپاس، نه تنها در برابر خالق که در برابر مخلوق نیز مطلوب است. کسی که به دیگری خدمت می کند و نعمتی در اختیار او می گذارد و از مواهب خویش به او می بخشد هر چند انتظار قدردانی و تشکر نداشته باشد، وظیفه انسانی که مشمول نعمت او شده است این است که در مقام شکرگزاری و سپاس برآید، و با قلب و زبان و عمل از وی قدردانی کند، قدردانی یک اخلاق پسندیده است. از نظر فطری هم انسان دلش می خواهد در برابر نعمت و محبتی که دریافت کرده است قدردان و سپاسگزار باشد حتی این رفتار در دیگر موجودات زنده هم بروز دارد جانوران زبان تشکر ندارند، اما با تکان دادن سر یا دم قدردانی خود را درازای لطفی که به آنها می شود ابراز می کنند.

در روایتی از پیغمبر اکرم ﷺ نقل شده است: {مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النُّعْمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ؛ کسی که بندگان بخشنده نعمت را شکرگزاری نکند، شکر خداوند متعال را بجانیاورده است}. [۲]

از آنجایی که تشکر و تشویق به انگیزش افراد در ارائه خدمات بهتر و مطلوبتر کمک می کند و روح و روان آنها را شاد و بانشاط می گرداند، و در مقابل اگر در جامعه روحیه تشکر و

قدردانی از انسانهای خیر، مبتکر و خلاق از بین برود، گرایش به فعالیت های مثبت و سازنده کمرنگ شده و دلسردی و خمودگی جای آن را خواهد گرفت، این امر همیشه مورد تأکید اسلام و پیشوایان دینی بوده است.

در آیات بسیاری از قرآن کریم به مسئله سپاس و شکر اشاره شده و از مردمان خواسته شده است که نسبت به نعمت و نیز نعمت دهنده شاکر باشند. قرآن کریم با توجه به روحیات آدمی به این نکته نیز اشاره می کند که انسان نسبت به نعمت و نعمت دهنده شکرگزار نیست و به جای این که سپاس گزار نعمت دهنده باشد، ناسپاسی می کند. خداوند متعال در قرآن اشاره می کند که: ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقِيلَ لَهُمْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ﴾ [۳] ای آل داود شکر (این همه نعمت را) به جا آورید، هرچند که شمار کمی از بندگان من شکرگزارند! در آیه دیگر نیز بر این مسئله اشاره کرده و می فرماید: {...وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ؛ باین همه، بیشتر مردمان سپاس گزار نیستند}.

خداوند متعال با این که به مردمان نعمت های بسیاری بخشیده است و می توان از همه مهمتر به نعمت وجود و آفرینش آنان اشاره کرد، با این همه



مردمان، قدر و ارزش نعمت های الهی را ندانسته و کفران نعمت می ورزند و نسبت به نعمت دهنده شاکر و سپاس گزار نیستند. خداوند متعال نسبت به مردمان دارای فضل است ولی بیشتر مردم سپاس گزار نیستند.

در آیه دیگر می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ شَكُورٌ﴾ ^{الشوری: ۲۳}

همانا خداوند آمرزنده و بسیار سپاسگزار است {

یعنی خداوند از انسان هایی که کارهای نیک و شایسته انجام می دهند، با نیکی کردن و دادن پاداش به آنان، قدردانی خود را عملاً آشکار می سازد.

بنابراین، انسان نیز باید خود را مزین به این خصلت نیکو نموده، درقبال خدماتی که دیگران برای او انجام می دهند، از آن ها تشکر نماید.

تشکر از دیگران در روایات

در روایات اسلامی، جایگاه قدر دانی و تشکر از مردم در برابر خدمات و نیکی هایشان، بسیار مهم تلقی گردیده است و در برخی از احادیث تشکر از مردم به عنوان تشکر از خدا به شمار آمده است، به چند نمونه از روایات در این باره اشاره می شود:

از رسول گرامی اسلام ﷺ روایت شده: { بنده ای را در قیامت به پیشگاه الهی می آورند و خداوند در باره او فرمان عذاب می دهد. عرض می کند: بار الهایا! درباره من امر به دوزخ فرمودی، با آنکه من در دنیا مسلمان و قاری قرآن بودم، خداوند متعال می فرماید: بنده من؛ نعمت هایی را به تو دادم

و شکر آن ها را به جا نیاوردی عرض می کند: بار الهایا! فلان نعمت را دادی تو را شکر کردم، فلان نعمت را دادی تو را شکر نمودم، یک به یک نعمت ها را می شمرد و از شکرها نام می برد. خداوند می فرماید: بنده من، راست می گویی، جز آنکه کسی را که من به دست او نعمت خود را به تورساندم از او شکر

نکردی، و من با خود عهد نموده ام شکر نعمت هایی را که به بنده ای داده ام نپذیرم تا شکر کند کسی را که نعمت من توسط او به وی رسیده است. { (۱)

حضرت زین العابدین امام سجاد فرمود: { أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ. شاکرترین شما از خدا، قدردان ترین شما از مردم است. { (۲)

آنحضرت در رساله گرانسنگ حقوق می فرماید: { حق کسی که به تو خوبی می کند این است که از او تشکر نمایی و احسانش را به زبان آوری و از وی به نیکی یاد کنی و میان خود و خداوند برایش خالصانه دعا کنی، اگر چنین رفتاری کردی، بدون شک در نهان و آشکار از او قدردانی کرده ای، علاوه بر آن اگر روزی توانستی نیکی او را جبران کنی، سعی کن جبران نمایی. { (۳)

از حضرت علی ^(ک) روایت شده است که فرمود: { بر عهده کسی است که به او انعام و احسانی شده، اینکه به خوبی و به نحو شایسته، بر نعمت دهنده نیکی کند و نعمت و احسان او را جبران نماید. اگر از جبران عملی و «مکافات» ناتوان بود، با بیان شایسته و توصیف به نیکی از وی برخورد کند، اگر از این هم ناتوان بود، حداقل نعمت را بشناسد و به نعمت دهنده محبت داشته باشد. اگر این را هم ندارد و نتواند، پس شایسته آن نعمت نیست! { (۴)

از روایات ذکر شده استفاده می شود که قدر دانی و تشکر از افراد خدمتگزار برای تشویق آنان و افراد دیگر اجتماع، نه تنها جایز است، بلکه اولیای دین در این باره دستور داده اند که این وظیفه مفید و ثمربخش را در جای خود بپذیرند. سپاسگزاری و قدردانی از خدمات و نیکی های دیگران، در سیره انبیاء و اولیای دین به طور فراوان قابل مشاهده است. که گاه کمترین خدمت را با بزرگترین نعمت پاسخ می گفتند، به عنوان نمونه: نقل شده: { در دوران شیرخوارگی پیامبر اکرم ﷺ چند روز «ثویبه» کنیز آزاد شده ابولهب به او شیرداد. سپس «حلیمه سعدیه» عهده

دارایین کارشده و از پیامبر اکرم ﷺ سرپرستی کرد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ به سبب محبت های ثویبه در دوران شیرخوارگی، به او احترام می کرد و از مدینه برای او که در مکه می زیست، لباس و هدیه های دیگری فرستاد. { (۵) در بعضی از تواریخ آمده است که «ثویبه» کنیز «ابولهب» بود و هنگامی که به ابولهب بشارت تولد پیامبر اکرم ﷺ را داد او را آزاد کرد (پیدا است ابولهب در آن زمان به خاطر خویشاوندی با پیامبر ﷺ از تولد پیامبر ﷺ خوشحال شد که از برادرش عبدالله فرزندی به وجود آمد.

هنگامی که ابولهب بعد از آن همه دشمنی با پیامبر اسلام ﷺ از دنیا رفت، برادرش عباس او را در خواب دید سؤال کرد: حالت چگونه است؟ گفت: در آتشم، ولی شبهای دوشنبه مجازات من تخفیف می یابد و از میان انگشتانم آب می نوشم، و این به خاطر آن است که پیامبر اسلام ﷺ دوشنبه متولد شد، و من هنگامی که بشارت تولد او را از ثویبه کنیز خود شنیدم، و آگاه شدم که چند روزی پیامبر اسلام ﷺ را شیر داد او را آزاد کردم. { (۶)

داستان هدیه دادن یکی از کنیزان امام حسین ^(ع) شاخه گلی را به آن حضرت و آزاد ساختن او به وسیله امام ^(ع) معروف است، و هنگامی که از حضرتش توضیح خواستند که این خدمت بزرگ چگونه در مقابل آن کار کوچک قرار می گیرد فرمود: «كَذَا أَذْبَنَّا اللَّهُ»؛ این گونه خداوند ما را ادب کرده است. {

تشکر کردن و اظهار دوستی به زبان، طرف مقابل را به وجود دوستی و علاقه مندی مطمئن تر می سازد در فرهنگ دینی است که: اگر فردی را دوست داشتی، به این دوستی آگاهش کن؛ زیرا این آگاهی، دوستی میان شما را محکم تر خواهد کرد.

اما برعکس اگر ابراز محبت و تقدیر و تشکر از دیگران به جای آن که نشانگر ویژگی های مثبت اخلاقی باشد، به وسیله اغراض منفی، به رشد رذائل



اخلاقی تبدیل می شود، صفت چاپلوسی رادرانسان زنده می کند؛ غرور کاذب رادطرف مقابل ایجاد می کند؛ توجه انسان به منشأ اصلی نعمت ها را کم رنگ می کند؛ انسان به دروغ و برای رسیدن به منافع پست مادی، خود را علاقه مند به دیگری نشان داده، بدون آن که کوچک ترین محبتی در قلب او وجود داشته باشد و به ابراز محبت و احترام می پردازد!

این جا است که توصیه های پیشوایان دینی، انسان ها از چاپلوسی و خدعه برحذر می دارد:

پیامبر اکرم ﷺ از ستایش بی جا منع کرده و فرمود: { اخْثُوا فِي وُجُوهِ الْمَدَاحِينَ }، به روی ستایش گران (چاپلوس) خاک بپاشید { (۷)}

در روایتی دیگر نیز توصیه شده است: { اگر فردی نزد تو آمده و خوبی ها و رفتارهای نیک را به تو نسبت داد که تو آنها را در اندرون خود نمی یابی، این ستایش را از او قبول نکرده و او را تکذیب کن؛ زیرا او با این کارش به تو ستم روا داشته است! }

چه بسا افرادی که به دلیل تعریف و تمجید مردم از آنها، دچار فتنه شده اند. { كَمْ مِنْ مَفْتُونٍ بِحَسَنِ الْقَوْلِ فِيهِ }، ...

چه بسا افرادی که فریب تعریف ها و تحسین هایی که مردم از آنان می نمایند می خورند... { (۸)}

انسان نباید فریفته قضاوت های مردم درباره خودش شده و بخاطر تساویل نفسانی از قضاوت صحیح در مورد خودش غفلت ورزد و توجه به این مسأله بالخصوص برای مسئولین امور و سیاست مداران حائز اهمیت است. { برای معرفی فردی که هویت و شخصیت او هنوز برای خانواده و اقاربش نا شناخته است در بخش پیشنهادات و عکس موصوف، صورت در و دیوار تمام شهر عوض می شود چه پول هایی در چاپ خانه برای چاپ اوراق تبلیغاتی پرداخته نمی شود؟! عاقبت همه هدر می روند و نتیجه هیچ... }

تمام موارد فوق نشانگر آن نیست که

همواره باید از ستایش کارهای نیک دیگران و تشویق آنان دریغ ورزیم، بلکه تنها ضروری است که پیامدهای آن را سنجیده و سپس سخنی به اندازه بگوییم نه زیاده، عقل هر فردی به تنهایی می تواند داور مناسبی باشد که آیا ابراز علاقه ها و ستایش های او رفتاری خدایسندانه برای تحکیم روابط سالم اجتماعی و تشویق دیگران به کار نیک است و یا رفتاری منافقانه برای جلب منافع شخصی! اولی فضیلتی اخلاقی است که اسلام بدان توصیه کرده و دومی ردیلتی اخلاقی است که نمی تواند مورد تأیید اسلام باشد.

انتظار سپاسگزاری نداشته باش

اسلام به انسان ها سفارش می کند که در برابر نعمت و خیری که به آنان می رسد از طرف مقابل تشکر کنند ولی به افرادی که واسطه در فیض و نعمت هستند نیز تذکری دهد که نباید توقع و انتظار تشکر داشته باشند. این به سه علت است:

الف: عمل باید همیشه برای خدا باشد و تنها از خدا پاداش بخواهند و گرنه انتظار تشکر از دیگران اجر عمل را نزد خدای متعال از بین می برد. در قرآن کریم علت عظمت کار اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ در کمک به فقیر و یتیم و اسیر (که داستانش در سوره هل اتی آمده است) همین انتظار تشکر نداشتن آن ها دانسته شده است: { إِنَّمَا طَعِمُوا لِرِيشِ اللَّهِ لَا يُؤْتِيهِمْ كَرْهًا وَلَا شُكْرًا } ^۹ ^{۱۰} جز این نیست که شما را برای خدا اطعام می کنیم و از شما نه پاداشی می خواهیم نه سپاسی. }

ب: همیشه باید به دیگران خوشبین بود، بنابراین می توان عدم تشکر را بر فراموشی یا چیزهایی از این قبیل حمل کرد؛ همانطور که در روایتی می خوانیم: { ضَعُ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مِنْهُ مَا يَغْلِبُكَ وَ لَا تَقْطَعْ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ بِهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا }.

کاربردت را نیک تصور کن تازمانی که چیزی از او به تو رسد که نظرت را عوض کند و نسبت به سخنی که برادرت می گوید، بدگمان مباش و

محملی از خیر برایش قرار ده. { (۹) ج: اگر انتظار تشکر از دیگران نداشته باشیم، دیگر تشکر نکردن طرف باعث نمی شود که ما از کار خیر بی بهره بمانیم و به دیگران خدمت نکنیم همانطور که در روایتی آمده است:

{ لَا يَزْهِنُكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُ لَكَ، تشکر نکردن دیگران تو را از کار خوب باز ندارد، تشکر نکردن دیگران از تو نباید تو را به خوبی کردن بی رغبت سازد، زیرا کسی که از آن نیکی کم ترین بهره ای نمی برد (یعنی خداوند متعال) از تو قدردانی می کند و از راه به بیش از آن چیزی می رسی که فرد ناسپاس فرو گذاشته است بدون شک خداوند متعال نیکوکاران را دوست دارد. { (۱۰)}

برای ایجاد انگیزه و انتظار تشکر نداشتن از دیگران به چند روایت اشاره می شود:

الف. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: { أَفْضَلُ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً وَأَقْرَبُهُمْ مِنَ اللَّهِ وَسِيلَةً الْمُحْسِنُ يَكْفُرُ إِحْسَانَهُ }

بهترین مردم نزد خداوند و نزدیک ترین آنان به او، نیکوکاری است که از نیکی او قدردانی نمی شود { (۱۱)}

{ اگر به کسی خوبی کردی در واقع با این کار خود را گرامی داشته ای و به خودت آبرو داده ای، پس به سبب خوبی ای که به خودت کرده ای از دیگران خواهان تشکر مباش. }

در روایت اسلامی است که « خدمات مؤمن ناسپاسی می شود، زیرا خوبی او به درگاه خدای تعالی بالا می رود و در میان مردم بازگو نمی شود،

اما خوبی های کافر بازگو و شایع می شود چون برای مردم پست است و به درگاه الهی بالا نمی رود. » { (۱۲)}

در مقابل کسانی که کار نیکی انجام می دهند، دستور اسلام بر این است که انتظار تشکر نداشته باشند، از سوی دیگر کسانی هستند که بدون انجام کار نیک و خیر انتظار قدر دانی و تشکر کردن دیگران را دارند.



خداوند متعال می فرماید: ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُجِبُونَ أَنَّ يَحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَقَازِعِهِمْ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^{۱۸۸} آل عمران: ۱۸۸

(گمان نکن آنهایی که از کارهای زشت خودشان خوشحال می شوند و دوست دارند(مردم آنها) را به خاطر کار (خوبی) که نکرده اند مورد تعریف قرار دهند از عذاب الهی برکنارند (بلکه برعکس) برایشان عذاب دردناکی است!)

ثبت کردن کار دیگران به نام خود بخاطر قدر دانی و تشکر دیگران نیز امری ناپسند است که باید از آن پرهیز شود.

فواید و آثار سپاسگزاری

دلایل زیادی وجود دارد تا قدردان دیگران باشیم. از مسائل کوچک گرفته تا موردی مانند تشکر از پدر و مادر. مثلاً تشکر از کسی که جایش را در سرویس شهری به ما می دهد یا خود را کنار می کشد تا ما رد شویم. تشکر از کسی که یک گیلان آب به ما می دهد یا برای راه انداختن کارما تلاش می کند.

در زندگی روزانه با توجه به جمعی بودن نوع زندگی بسیار پیش می آید که دیگران به ما کمک کنند، برایمان کاری انجام دهند یا به هر طریقی باری از روی دوش ما بردارند و البته بالعکس؛ ما برای افراد دیگر اجتماع، سودمند می شویم. در این شرایط از ما سپاسگزاری می شود.

اگر از زبانشان نشنویم ممکن است دلخور شویم و همین طور دیگران، شکی نیست که شکر مخلوق علاوه بر این که اطاعت از فرمان خالق است برای خود فرد هم آثار روحی و روانی به سزایی دارد، و اگر بدانیم قدردانی چه تاثیری در دیگران دارد مسلماً از آن بیشتر استفاده می کنیم، تشکر از دیگران آثار فراوانی در پی دارد که به چند نمونه آن اشاره می شود:



۱. حضرت علی (ک) فرمود: { آن کسی که به تو نعمت می دهد و شکرش را ادای کنی اگر قلباً از توراضی باشد شکر تو بر خشنودی و وفایش می افزاید و اگر بر تو خشمگین باشد شکر تو موجب صلاح ضمیر و عطفش می گردد. } (۳۱)

۲. با قدردانی از زحمات و محبت های دیگران به آنان می فهمانیم که تلاش های آنان بیهوده صورت نگرفته است و ماقدر تلاش های آنان را می دانیم.

۳. عمل قدر دانی موجب یادگیری در دیگر افراد به خصوص افراد خانواده می گردد، و آنها می آموزند که در قبال محبت های دیگران از آنان سپاسگزاری کنند.

۴. قدردانی از الطاف دیگران موجب تقویت رفتار نیک می گردد به این معنا که اگر کسی در قبال ما لطفی انجام داد، قدردانی از عمل او موجب می شود که این لطف را در مواقع دیگر ادامه دهد.

۵. با قدردانی می توانیم خستگی زحمات و کوششی که دیگران برای ما انجام داده اند از تن آنها خارج کنیم.

۶. ذات انسان نیاز به گرامیداشت دارد، یعنی برای او باید ارج و قرب قائل شد و سپاسگزاری از دیگران باعث می شود نیاز به تکریم در انسان ارضا شود.

۷. تشکر از دیگران یک نوع مهرورزی است و گونه ای از ابراز تعلق و عشق به همنوع است.

۸. قدرشناسی و قدردانی، گستره دید ما را بیشتر می کند و باعث می شود در مقابل مشکلاتی که ناامید و مایوسمان می کند احساس بهتری داشته باشیم و همچنین تصورات باطل نسبت به قوانین طبیعی و جریان واقعی زندگی را که در ذهن ما به وجود آمده برطرف می کند و به عبارتی قدرشناسی، نشانه ای از تربیت صحیح است.

۹. شتاب در سپاسگزاری بهتر است، قدردانی بلافاصله پس از لطف دیگری یا دیگران نسبت به ما انجام گیرد و در غیر اینصورت اثر و خاصیت مطلوب خود را از دست می دهد و یا کاسته می شود.

خصوصیت انسان های سپاسگزار

هر انسانی دارای خصوصیتی است که می تواند پسندیده یا ناپسند باشد،

تشکر کردن از دیگران نیز یکی از خصوصیتی است که هر انسان می تواند دارا باشد و بوسیله این خصلت هم به خود ارزش دهد و هم به دیگران، کسانی که شکر گزار هستند دارای ویژگی هایی می باشند که شخصیت آنان را از دیگران متمایز می کند، برخی از این خصوصیات اینچنین است:

۱. شکر نیمی از ارزشها:

از بزرگی پرسیدند: «گرامی ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: کسی که وقتی چیزی به او داده شود سپاسگزاری می کند و وقتی گرفتار شود صبر می کند.»

۲. انسانی شاکر و سپاسگزار دارای فرزاندی و حکمت، است؛ زیرا نسبت به نعمت و سپاس گذاری نعمت دهنده آگاهی و شناخت دارد و ارزش و قدر نعمت و نعمت دهنده را می شناسد و می داند.

۳. از ویژگی های بارز انسان های مومن، تشکر و قدردانی از خدمات دیگران است. قرآن کریم در موارد متعدد، از خداوند متعال به عنوان (شکورو شاکر) یاد کرده است، از جمله: ﴿وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾^{۱۸۹} البقرة: ۱۸۹

(کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار و داناست).

۴. کسانی که قدر دان دیگران هستند دید وسیع تری به زندگی دارند و از رضایت بیشتری نسبت به مردم و اجتماع برخوردار هستند و از اینکه به مردم خدمت می کنند لذت می برند و آرامش و آسودگی خاطر دارند و همچنین این افراد مشکلات را کمتر حس می کنند و صبرشان در برابر ناملایمات بیشتر است و با مهربانی و محبت به دیگران ارزش های اخلاقی خود را نیز به آنان منتقل می کنند.

۵. کسانی که در مقابل کوچک ترین محبتی قدردان هستند همیشه از آنها به عنوان انسان هایی باشعور و

باادب یاد می شود؛ این افراد دربین اطرافیان، انسان هایی محبوب و باشخصیت شناخته می شوند.

۶. انسان هایی که لطف دیگران را فراموش نمی کنند سرشار از نیروهای مثبت هستند، کسانی که قدرشناس هستند ناشی از توجه آنها به باطن خودشان است و بدون توجه به خود و شناخت واقع بینانه نمی توان به نیروهای مثبت درزندگی دست پیدا کرد.

پاداش سپاسگزار

سپاسگزاری از دیگران جدا از اینکه منافع شخصی زیادی برای فرد دارد، اجر معنوی و ثواب اخروی زیادی نیز دارد. درروایتی می خوانیم: { پاداش طعام خورسپاسگزار، همانند پاداش روزه داردرراه خداست، و پاداش انسان سالم سپاسگزار مثل پاداش گرفتار صبور است، و اجر توانگر سپاسگزار همانند اجر انسان محروم قناعت پیشه است }.

زبان های ناسپاسی

ترک شکرگزاری مخلوق، یا ناسپاسی در برابر بخشندگان نعمت، دلیل بر روح ناسپاسی در وجود شخص است که به خاطر آن، ارزشی برای زحمات و نعمت های مردم قایل نیست، بلکه گاه خود را طلبکار هم می داند، چنین کسی به یقین دربرابرخالق متعال نیز شکرگزاری نخواهد کرد، به خصوص این که نعمت هایی که مردم به یکدیگر می دهند چون محدود است و گاه، به چشم می آید، برخلاف نعمت های الهی که تمام وجود ما را درعمر احاطه کرده و به همین دلیل گاه از شدت ظهور، مخفی و پنهان می شود. تشکر کردن همانطور که دارای منافع است ترک آن نیز دارای مضرات فراوانی است که چند نمونه از آن را بیان می کنیم:

۱. یکی از نشانه های مهم فرومایگی و پستی یک انسان این است که در برابر خوبی مردم و یا نعمت های بی پایان خداوند متعال قدرشناس باشد. در روایتی چنین می خوانیم : { اللّٰهُ ان لا تشکر النعمه، پستی این است

که سپاسگزار نعمت نباشی }.

۲. شخصی که از زحمات دیگران تشکر نمی کند راهزن نیکی است کسی که به او نیکی شود، و او ناسپاسی کند، در نتیجه نیکوکار را از نیکی به دیگران باز دارد.

۳. وقتی از دیگران به دلیل کاری که کرده اند تشکر نکنیم کار او جلوه نمی کند و به چشم نمی آید و همین ندیدن دیگران و اهمیت قائل نشدن برای آنان باعث می شود فرد احساس امنیت خاطر نداشته باشد.

نتیجه:

برای آرامش عوامل زیادی برشمردند اما از علل مهم و کارآمد می توان به تشکر اشاره کرد زیرا عدم این کار باعث ایجاد اضطراب و نگرانی از فعالیت انجام شده می شود.

هر انسانی زمانی که بعد از انجام دادن یک کار تشویق شود مطمئناً به دنبال تکرار آن کار بر می آید. اما عدم تشویق و توجه باعث سردی در انجام مجدد کار شده و یا اگر مجبور به تکرار باشد از انجام آن لذت نبرده بلکه، ممکن است رنج نیز ببرد.

به قول یکی از ائمه دین سپاس گذاری کن از کسی که به تو احسانی نموده، این امر باعث پایداری احسان می شود و اگر سپاسگذاری نکنی احسان دوام نمی یابد.

بناءً شیوه های که اخلاقاً به آن متمسک شویم و عرف و عادات را نیز درنظر بگیریم ذیلاً به آن اشاره می شود.

۱- قدردانی باید از افرادی که لازم است انجام گیرد، اگر بخواهیم از همسر خود درمقابل عمل خوبی که انجام داده قدردانی نمائیم باید این سپاسگزاری را از خداو بنماییم و نه فرزندان

۲- کیفیت و کمیت قدردانی باید متناسب با کیفیت و کمیت عمل انجام شده باشد

۳- سعی نماییم قدردانی از شیوه های کلامی و غیرکلامی پسندیده استفاده کنیم مثلاً تشکر کردن و سپاسگزاری به همراه لبخند.

۴- عمل قدردانی را محدود به سن

اشخاص نکنیم مثلاً نگوئیم که چون بچه کوچک است نیاز به قدردانی ندارد.

۵- موضوع یامسئله ای که از آن قدردانی می کنیم باید دقیقاً مشخص شود تا فرد متوجه شود از کدام کار او قدردانی نموده ایم.

هرچند راه و رسم تشکر در موقعیتهای مختلف متفاوت بوده اما بیان راه های آن، به فرد این امکان را می دهد تا بتواند در موقعیت های مختلف از روشی که احساس می کند مفید و کارآمد است استفاده کند.

تشکر کلامی:

در موارد زیادی کلمات می توانند احساسات و عواطف انسان را به دیگران منتقل کند یکی از این موارد زمانی است که خیر و نیکی از طرف مقابل به انسان رسیده باشد که باجملات احساسی و تشکر آمیز می توانیم از او سپاسگزی کنیم.

تشکر نوشتاری:

در بعضی اوقات کلام یاری تشکر از دیگران را ندارد و امکان تشکر زبانی وجود ندارد که در این مواقع می توان با نوشتن نامه یا متن یا ارسال مسیج از طریق مایل قدر دانی و سپاس خود را از طرف مقابل به بهترین صورت انجام دهیم.

... ادامه دارد.

مأخذ:

۱. رسایل ج ۴
۲. سفینه البحار
۳. من لایحضره الفقیه
۴. اصول کافی/ج ۲
۵. همان
۶. الدرر الباهره
۷. تحف العقول
۸. من لایحضره الفقیه
۹. محمد یعقوف کلینی/اصول کافی
۱۰. همان
۱۱. همان
۱۲. رسایل ج ۲
۱۳. دارالحکم



اخلاص یا جوهر اعمال صالحه

عبدالرحمن "حازم"

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على سيدنا محمد افضل من اخلص لله وناجاه، وعلى آله وصحبه و من والاه، اما بعد: خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾^{البقرة: ٥}
ترجمه: درحالی که جزاین به ایشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه خدای را بپرستند.

خداوند متعال فرموده است:
﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^{الانعام: ١٦٢}

ترجمه: بگو نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است و این است که تنها خدا را پرستش می کنم و کارهای این جهان

خود را در مسیر رضایت او می اندازم و بر بذل مال و جان در راه یزدان می کوشم و در این راه می میرم، ناحیاتم ذخیره مواتم شود.

{عَنْ ثَوْبَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "طُوبَى لِلْمُخْلِصِينَ أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى تَتَجَلَّى عَنْهُمْ كُلُّ فِتْنَةٍ ظُلُمَاءٍ"}
شعب الایمان شماره حدیث ۶۸۶۱

ترجمه: از حضرت ثوبان رضی الله عنه روایت است که از رسول صلی الله علیه و آله شنیدم

فرمود: خوشا به حال مخلصین، ایشان چراغ هدایت اند که نورشان تمام تاریکی ها را روشن کرده است.

اخلاص جوهر اعمال صالحه، روح و بدنه تمام اعمال می باشد وجود هر عمل بدون اخلاص دارای هیچ گونه ارزش و بهای معنوی نمی باشد، در هر فعل و عمل که اخلاص نباشد آن عمل فایده و نفع برای صاحبش نمی رساند و همچنان زیبایی و زینت هر عمل مربوط به اخلاص است.

بناءً کسانی که میخواهند عمل کرد شان دارای ارزش باشد و خداوند جل جلاله آن را قبول نماید و مستحق ثواب شوند ضرور است که اخلاص را در هر اقدام و تصمیم شان شامل نموده و از زیبایی که اخلاص در عمل به وجود میآورد استفاده نمایند.

واژه اخلاص: چونکه این واژه در دین ما از محتوای بسیار ارزشمندی برخوردار بوده و روح اعمال را تشکیل میدهد یعنی قبولیت هر عملی بدون وجود آن پذیرفتنی نیست، بناء حساسیت و مفیدیت موضوع مقتضی آن است تا تحت عنوان اخلاص، اهمیت و مزایای آن ترتیب و تهیه گردد.

تعریف اخلاص

پیرامون اخلاص تعاریفات گوناگون وجود دارد و اینک آنها را در پایان به شکل

مختصر بیان میکنم.

اخلاص: در لغت از خلص یخلص خلوصاً به معنی خالص گرداندن یک چیز از عیب و نقص است.

و در طاعت و عبادت: بمعنی ترک ریا و سمعت می باشد.

و در اصطلاح: اخلاص عبارت از یگانه قراردادن به صدق و راستی خداوند واحد و سبحان را در طاعت و عبادت میباشد.

اخلاص: عبارت از منظم، مساوی و برابر بودن اعمال بنده در ظاهر و باطن است. اخلاص: عبارت از خالص و منزّه ساختن اعمال از نواقص می باشد.

نور الاخلاص وظلمات ارادة الدنيا بعمل الآخرة فی ضوء الكتاب والسنة.

اخلاص: آن است که انسان در قول و عمل اش یکرنگ باشد، تلاش و کوشش آن محض رضای خدا باشد، بدون توجه به مصالح و منافع شخصی، برتری، مقام، لقب و پیشرفت، بلکه به خاطر جبران کارها و دفع رذائل اخلاقی و رسیدن به خشنودی خداوند باشد.

اسلام ما (نگاهی نو به مبانی اعتقادی، عبادی و اخلاقی اسلام) تألیف: سید سابق مترجم: سید جعفر حسینی.

و از تعاریفات متذکره چنین مفهوم و

معنی حاصل میشود که اخلاص عبارت از خالص گردانیدن عمل، تقرب و نزدیکی توسط آن به الله واحد سبحان که در آن ریا و سمعت نباشد و نه بخاطر بدست آوردن یک چیز و متاع زود گذر. بلکه بخاطر امید دریافت ثواب از خداوند و ترس از عقاب و طمع رضای او باشد.

اهمیت اخلاص

اخلاص در تمام امور زندگی از اهمیت خاص برخوردار است و رعایت آن باعث قبولیت اعمال در نزد خداوند ﷻ میشود.

عدم رعایت اش سبب عدم پذیرش اعمال میگردد ضرور است نیت خویش را در هر عملی که انجام میدهیم خالص بگردانیم چونکه کلمه اخلاص به اتفاق ائمه جهان اسلام از اساسی ترین اعمال قلب است بدون شک اعمال قلب اصل برای محبت الله و پیامبر اش است.

بر مسلمانان حتمی و لازمی است که مخلص به خداوند ﷻ باشند ریا و سمعت را در اجرا و انجام اعمال شان جای ندهند و در طاعات و عبادات شان رضامندی خداوند منان را در نظر بگیرند.

اگر این واژه مقدس در هر عملی نیکی بکار گرفته شود زینت و زیبای خاص به او عطا میکند و آن را طوری میسازد که دارای ارزش و بهای معنوی باشد و همین گونه اگر کسی بخواهد کار کرد و اعمالش نتیجه مثبت بدهد و امید دریافت پاداش و اجر در آینده باشد پس اخلاص را که خداوند واحد سبحان در کتاب زیبایش قرآن کریم تعریف و توصیف نموده خود را آراسته سازد.

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾^{هـ}
ترجمه: در حالیکه جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه خدای را بپرستند.

دین اسلام دین ابراهیمی است براساس دعای حضرت ابراهیم و استجاب

خداوند ایجاد شده، پس اصول عقاید ابراهیم ﷺ محور عقاید اسلامی بلکه محور عقاید سایر ادیان الهی است گرچه سایر ادیان تحریف شده هستند و اصل عقاید ابراهیم ﷺ توحید و برائت از شرک و مشرکین یعنی خلوص کامل برای الله تعالی است. نمونه اخلاص ابراهیم ﷺ رادر این کلام خداوند که بیان گر تسلیمی کامل و خالص به خداوند است مشاهده نموده و خود را این گونه عیار کنیم.

ویژه گی های اخلاص

اخلاص دارای خصوصیات و ویژه گی های زیاد است و در ذیل به چند موارد آن اشاره می نمایم:

عدم رعایت اخلاص سبب عدم قبول اعمال میشود: روز قیامت پیرامون کسانی که اعمال خوب انجام می دهند ولی در آن اخلاص را رعایت نمی کنند حکم میشود که عمل کرد آنها دارای هیچگونه ارزش نمی باشد و باید آنها بخاطر عدم رعایت اخلاص به دوزخ انداخته شوند، در رابطه پیامبر ﷺ فرموده « إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَىٰ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ رَجُلٌ اسْتَشْهَدَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَفَهُ نَعْمَةً فَعَرَفَهَا قَالَ: فَمَا عَمِلْتُ فِيهَا؟ قَالَ: قَاتَلْتُ فَيْكَ حَتَّى اسْتَشْهَدْتُ. قَالَ: كَذِبٌ، وَ لَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ جَرِيٌّ فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَيَّ وَجْهَهُ حَتَّى أَلْقَيْ فِي النَّارِ، وَ رَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عِلْمُهُ، وَ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَفَهُ نَعْمَةً فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتُ فِيهَا؟ قَالَ تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَ عِلْمُهُ وَ قَرَأْتُ فَيْكَ الْقُرْآنَ، قَالَ: كَذِبٌ، وَ لَكِنَّكَ تَعَلَّمْتَ الْعِلْمَ لِيقَالَ عَالِمٌ، وَ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ لِيقَالَ هُوَ قَارِئٌ، فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَيَّ وَجْهَهُ حَتَّى أَلْقَيْ فِي النَّارِ، وَ رَجُلٌ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَعْطَاهُ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ كُلِّهِ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَفَهُ نَعْمَةً فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتُ فِيهَا؟ قَالَ: مَا تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلٍ تُحِبُّ أَنْ يُنْفَقَ فِيهَا إِلَّا أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ. قَالَ: كَذِبٌ. وَ لَكِنَّكَ فَعَلْتَ لِيقَالَ: هُوَ جَوَادٌ، فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَيَّ وَجْهَهُ، ثُمَّ أَلْقَيْ فِي النَّارِ »
صحیح مسلم شماره حدیث ۱۹۰۵.

نخستین کسیکه روز قیامت در مورد آن قضاوت می شود کسی است که به شهادت رسیده است و خداوند او را می آورد،

نعمتهایش به او نشان داده می شود و آنها را به یاد می آورد، به او می گوید چه کار کردی؟ می گوید: در راه تو به کارزار پرداختم تا به شهادت رسیدم. خداوند می گوید دروغ می گویی، کارزار کردی تا بگویند شجاعی، که گفتند سپس دستور می دهد و او را نشان کشان به آتش می اندازند، دیگر کسی است که دانش آموخته و یاد داده است، و قرآن خوانده است او را می آورند، خداوند نعمتهایش را نشان می دهد و به یاد می آورد، سپس می پرسد با اینها چه کار کردی؟ می گوید: دانش آموختم و به دیگران یاد دادم و به خاطر تو قرآن خواندم می گوید دروغ می گویی، بلکه دانش آموختی تا بگویند دانشمند هستی، قرآن خواندی تا بگویند قاری هستی البته که گفتند! سپس دستور می دهد او را کشان کشان می برند تا به آتش اندازند سپس کسی است که خداوند روزی اش را گشایش داده و از هر گونه مالی به او بخشیده است، او را می آورند نعمتهایش را به او نشان می دهند و او آنها را به یاد می آورد، خداوند می پرسد با این همه نعمت چه کار کردی؟

می گوید هرراهی که تودوست داری در آن خرج شود، در آن راه خرج کردم به خاطر رضای تومی گوید دروغ می گویی، این کار را بدین خاطر کردی تا بگویند: او بخشنده و دست و دل باز است، که البته گفتند سپس در باره ی او نیز همان دستور را می دهد.

ب: تاثیر اخلاص در بزرگ کردن کار کوچک: هر عمل کوچک که به اساس اخلاص انجام یافته باشد پیش خداوند از ارزش والای برخوردار است و نسبت به کسی که عمل زیاد انجام می دهد، در صورتی که هدف و مقصد از این عمل کرد خود نمای و ریا باشد این کار و عمل



کثیر او نزد خداوند دارای هیچ گونه ارزشی نخواهد بود بناء هرکس که میخواهد عمل کردش ارزش داشته باشد اخلاص را در همه امور خویش اساس و بنیاد قرار دهد.

اخلاص است که کارناچیز را چنان بزرگ می گرداند که مانند کوه در آید، همان طور که ریا کار بزرگ را چنان ناچیز میکند که نزد خداوند سنگینی و وزنی نداشته باشد و به صورت گرد پراکنده در هوا در آید. در رابطه خداوند بزرگ می فرماید:

﴿وَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ لَوْ كَانَتِ الْوُجُوهُ كَالْجِبَالِ﴾
 الفقان: ۲۳

ترجمه: چون به اعمالی که انجام داده اند پردازیم آن را چون غباری پراکنده می کنیم.

ابن مبارک گوید: چه بسا کار کوچکی که نیت آن را بزرگ می کند و چه بسا کار بزرگی که نیت آن را ناچیز می گرداند. سیر اعلام النبلاء جلد ۸ / صفحه ۴۰۰.

ج: اخلاص و پاکی درونی: قلب محل و مکانی است که مسئولیت کنترل تمام بدن را بدوش دارد چونکه رئیس تمام اعضای بدن است اگر آن صحیح و درست شود تمام اعضای بدن درست و سالم میگردند و اگر آن فاسد شود تمام اعضای بدن نیز فاسد میشود.

بناء قلب وقتی صحیح و سالم باقی می ماند که آن را توسط انجام اعمال صالحه و مخلصانه از کینه، کدورت، عقده و حسد پاکسازی گردد و موجب پذیرش پاکیه و زیبایها در خویش شود قسمی که پیامبر ﷺ فرموده است:

{ إِنَّ اللَّهَ (جَلَّ وَعَزَّ) لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا وَابْتِغَى بِهِ وَجْهَهُ }
 سنن نسائی شماره حدیث ۳۱۴۰.

ترجمه: خداوند تنها آن اعمالی را قبول می کند که پاک و با اخلاص برای او و به منظور خشنودی او باشد.



و همچنان صورت زیبای مال و دارای مکان و جایگاه پیش خداوند هیچگونه ارزشی ندارد. و یگانه چیزی که خداوند او را می پذیرد اعمال صالح و قلب پر از اخلاص است در رابطه پیامبر ﷺ فرموده {عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ»}
 صحیح مسلم شماره حدیث (۲۵۶۴)

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله فرمودند: الله تبارک و تعالی به صورت و اموال شما نظر نمی کند بلکه به قلب های شما و اعمال تان می نگرند.

اخلاص و بخشش گناهان: هرگاه عمل بشکل خالصانه و مخلصانه و مطابق به سنت رسول گرامی ﷺ انجام یابد سبب بخشش گناهان می گردد مانند زن فاسدی که به سگی آب میدهد خداوند او را مشمول بخشش خویش میگرداند، یا نظیر کسی که موانع یا وسیله ی آزار و اذیتی را از سر راه بر میدارد، خداوند او را مورد عفو و بخشش خویش قرار میدهد.

منهاج السنة صفحه ۲۱۸ جلد ۶.

مثلاً برداشتن یک شاخه ی درخت از سر راه چگونه می تواند سبب بخشش گناهان باشد؟ این با اخلاص شدنی است. یا زن زناکار با آب دادن به سگی چگونه بخشیده می شود؟! چون او چنان مایه یی از اخلاص را در دلش فراهم آورده است که جز خداوند به آن پی نمی برد.

این چیزی است که بسیار اندک در میان مردم رخ می دهد، اما در باره ی این زن رخ داد، هم چنان که برای صاحب گناهان بزرگ که این کلمه را بر زبان رانده و اخلاص داشت، و آن که مانع را از سر راه برداشت و همچنان هر شخص که از روی اخلاص یک عمل خوبی را انجام میدهد پاداش آن را دریافت میکند ولو که آن عمل هم خورد و کوچک هم باشد.

اخلاص در توحید: گفتن کلمه لا اله الا الله از روی اخلاص سبب باز شدن دروازه آسمان تاعرش خداوند میشود و رعایت عمل اخلاص در توحید عبارت از یگانه قرار دادن خداوند تبارک و تعالی در عبادت و در تمام آنچه که از او مخواهی بناء لازم است که با اخلاص در توحید و پرهیز از گناه زمینه ورود مان را به بهشت بیمه نموده و رضامندی پروردگار از آن خودسازیم در رابطه پیامبر ﷺ فرمود: «مَا قَالَ عَبْدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَطُّ مُخْلِصًا إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ حَتَّى تَقْضِيَ إِلَيَّ الْعَرْشَ مَا اجْتَنَبَ الْكِبَارَ»
 سنن ترمذی ۳۵۹۰.

ترجمه: هر کس با اخلاص کامل لا اله الا الله بگوید مادام از گناهان بزرگ پرهیزد درهای آسمان تاعرش خدا به رویش باز می شود.

اخلاص در سجده: محل قبولیت و یگانه مکانیکه دعا در آن قبول میشود سجده است پس کسیکه میخواهد دعایش قبول شود باید زیاد سجده کند، سجده ای که خداوند آن را می پذیرد، ریشه در اخلاص داشته باشد و باعث رفعت درجه و محوی خطایان گردد در رابطه پیامبر ﷺ فرموده:

«مَنْ عَبَدَ يَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ»
 صحیح مسلم شماره حدیث ۴۸۸.

ترجمه: هرکس برای خدا به سجده بیفتد خداوند درجه ای او را بالا می برد و گناهی را از او پاک می کند.

اخلاص در روزه: ماه مبارک رمضان، ماه آمرزش، ماه مغفرت، ماه خود سازی، ماه عبودیت، ماه عبادت، ماه بخشش گناهان، ماه نزول برکات خداوند رحمان است و هرکسیکه این ماه فرخنده را از روی اخلاص و ایمان بدرقه میکند اجر و پاداش بزرگ را از آن خود میسازد پس کسانی که میخواهند عمل صیام شان دارای ارزش باشد ریا و سمعت را در آن راه نداده، خالصانه و مخلصانه بخاطر دریافت

پاداش و امید آمرزش از این ماه پرمیمنت بشکل بسیار عالی پذیرایی نمایند در رابطه پیامبر ﷺ فرموده:

«مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» صحیح بخاری شماره حدیث ۳۸.

ترجمه: هر کس با ایمان و به امید پاداش ماه رمضان را روزه بگیرد، گناهای که پیش از آن کرده، بخشیده می شود.

یک روز روزه گرفتن که آمیخته با اخلاص باشد سبب رهای و نجات از آتش دوزخ است و خداوند تبارک و تعالی بخاطر بنده گانش فرصت های مناسب را به ارمغان گذاشته تا انسان ها فکر بکنند و ببندشند و خود شان را از آتش دوزخ نجات بدهند در رابطه پیامبر ﷺ فرموده:

«مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَاغِدَ اللَّهِ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا» صحیح بخاری شماره حدیث ۲۸۴.

ترجمه: هر کس یک روز در راه خدا روزه بگیرد، خداوند روی او را به اندازه راه هفتاد پاییز از آتش دور می کند.

اخلاص در شب زنده داری: شب مکان و فضای آرام و مناسب برای عبادت است و از طرف شب خداوند برای استجابت دعای بنده گانش به آسمان دنیا فرود میاید خوشا به حال کسانی که این فرصت را دریافت میکنند و به راز و نیاز با خداوند دور از انظار مردم میپردازند، خواب راحت خویش را کنار گذاشته با پروردگار بزرگ راز نیاز و نیایش میکنند و این حالت به شخص میسر میشود که قدر این نعمت بزرگ را میدانند و از این فرصت مناسب برای محوی خطاها و آمرزش گناهان خویش استفاده می نمایند در رابطه پیامبر ﷺ فرموده: «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» صحیح مسلم شماره حدیث ۷۶۰.

ترجمه: هر کس با ایمان و امید پاداش ماه رمضان را به پا دارد، گناهای که پیشتر کرده، بخشوده می شود.

اخلاص پیرامون دوستی در راه خدا: مومن برادر مومن است و همیشه از حال و احوال برادر مومن و مسلمان خود

باخبر باشد و برادر مومن اش را دوست بدارد و هرآنچه را که برای خود میپسندد برای برادر مومن اش نیز بپسندد و ازهیچ نوع فدا کاری در مقابل برادر مومن خویش دریغ نورزد بخصوص دو برادر مومن و مسلمان بخاطر رضامندی پروردگار باهم دوستی میکنند و بخاطر خوشنودی خداوند بزرگ جهت انجام و اجرای یک عمل خیر جمع میشوند و یا بخاطر خداوند ازهم جدا میشوند و این دوستی و فدا کاری وقتی تحقق پیدا میکند که اخلاص در قلب و روح مومنین نفوذ کرده باشد در رابطه پیامبر ﷺ فرموده: {رَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَ تَفَرَّقَا عَلَيْهِ} صحیح بخاری شماره حدیث ۹۶۰.

ترجمه: دو نفر که به خاطر خدا باهم دوست شدند به خاطر او گردهم می آیند یا از هم جدا می شوند.

اخلاص در رفتن به مسجد: مسجد یگانه مکانی است که خداوند واحد و سبحان برای عبادت مسلمانان انتخاب نموده و نماز خواندن درمسجد راسبب حصول ثواب و درجه دانسته و اجتماع در مسجد رابیانگر وحدت اتفاق و اتحاد مسلمان تلقی کرده و همین مسجد بود که پیامبر ﷺ آن رامکان تصمیم گیری برای پخش و نشر اسلام و امور مسلمین تعیین نموده است.

بناءً هرکس که خاشعانه و خاضعانه، مخلصانه و خالصانه بطرف این مکان مقدس گام برمیدارد و خداوند بزرگ و توانا برایش رفعت درجه نصیب می نماید در رابطه پیامبر ﷺ فرموده: {صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي الْجَمَاعَةِ تَضَعُ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ فِي بَيْتِهِ وَ فِي سَوْقِهِ خَمْسًا وَ عَشْرِينَ ضِعْفًا وَ ذَلِكَ أَنَّهُ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُخْرِجُهُ إِلَّا الصَّلَاةَ، لَمْ يَحْطْ خَطْوَةً إِلَّا رَفَعَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةً وَ حُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ، فَإِذَا صَلَّى لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَصَلِّيُ عَلَيْهِ مَا دَامَ فِي مُصَلَاةٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، وَلَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاةٍ مَا انْتَظَرَ الصَّلَاةَ} صحیح مسلم شماره حدیث ۶۴۹.

نمازی که شخص به جماعت می خواند بیست و پنج برابر نمازی است که در خانه یا سرکار می خواند، چون از همان

زمان که به دقت وضو می گیرد و به مسجد می رود تنها به خاطر نماز است، لذا هر گاهی که بر می دارد یک درجه به او داده می شود و یک گناه از او پاک، بعد از نمازش تا زمانی که در مسجد باشد ملائکه بر او درود می فرستند می گویند: خدایا بر او صلوات بفرست خدایا او را ببخش! شما هر چند منتظر نماز باشید، مثل این است که به نماز ایستاده اید.

انسان های با اخلاص چراغ هدایت هستند: خوشا به حال کسانی که در اعمال شان اخلاص میورزند و طاعات و عبادات شان را در روشنی اخلاص انجام مدهند بیایید کسانی باشیم که اعمال خالصانه انجام بدهیم فتنه ها و تاریکی هارا با نور هدایت اخلاص روشن بسازیم و برای دیگران اسوه و نمونه اخلاص باشیم و مخلصین چراغ هدایت و نور هستند با روشنای خویش تاریکی های ظلم و فتنه ها را خاموش میکنند در رابطه پیامبر گرامی ﷺ فرموده: {عَنْ ثَوْبَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "طُوبَى لِلْمُخْلِصِينَ أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى تَنَجِّلِي عَنْهُمْ كُلَّ فِتْنَةٍ ظُلُمَاءَ"} شعب الإيمان شماره حدیث ۶۴۴۸.

حضرت رسول ﷺ فرمود خوشا به حال مخلصین، ایشان چراغ هدایت اند که نورشان تمام تاریکی هارا روشن کرده است.

نتیجه گیری: اخلاص دارای فواید بزرگ است و رعایت اخلاص در تمام امور زندگی سبب قبول اعمال و رفعت درجه میشود و همچنان وجود اخلاص باعث اعتماد در دنیا و سبب قبولیت پیش خداوند و راه نجات از آتش دوزخ و زمینه ورود به بهشت را فراهم میسازد و ازهمین وجه خواستم پیرامون یک موضوع بسیار مهم که دامن تعمیل آن از قلوب و اعمال مردم برداشته شده چند صفحه آماده نمودم و امید وارم کسیکه آن رامیخواند در تمام اموزندگی موردعمل قرار بدهد.



ماهیت خجسته یوم عاشورا

قسمت اول:

مولوی عاید الله "شریفی"

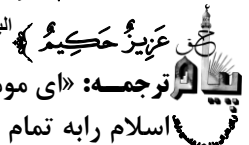
مقدمه

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده و على آله و أصحابه الذين صدقوا وعده و بعد:

طوریکه بر همه گان مبرهن است که یوم عاشورا در اندیشه دینی قبل از اسلام علی الخصوص در شریعت اسلامی جایگاه به سزایی دارد ولیکن در پیروی و پذیرائی آن توجه عمیق مطابق به داشته های دینی از ضروریات اهم پیروان این دین است طوریکه خداوند متعال میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْخُلُوا فِي الْبَلَاءِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ فَإِنْ رَكَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

البقرة: ۲۰۸ - ۲۰۹



ترجمه: «ای مومنان! همگی

اسلام رابه تمام و کمال بپذیرید

و به صلح و آشتی در آید، و از

گامهای شیطان پیروی نکنید و

به دنبال او راه نروید بی گمان

او دشمن آشکار شما است و

اگر بعد از آمدن دلائل واضح

منحرف و دچار لغزش شدید و

به دام شیطان افتادید بدانید



که بی گمان خداوند توانا و حکیم است».

در آیت فوق خداوند مؤمنان را به پیروی و فرمانبرداری احکام و قوانین شریعت محمدی امر نموده و از پیروی گامها و آنچه را شیطان زیبا جلوه میدهد منع نموده است.

اسلام دین متکامل است هیچگونه زیادت و کمی را پذیرا نیست زیرا خداوند دینش را به وسیله حضرت محمد ﷺ به اتمام رسانید، یعنی احکام و قوانین را به طور مکمل و مفصل به مردم بیان کرد، برای هیچ کسی جای نو آوری و تجدید در دین باقی نمانده است، و اگر کسی در اسلام امری را نودر دین بوجود آورد که در دین نباشد و اصولی از اصل دین به آن شاهد نباشد مردود بوده از دید شریعت به آن توجه نمی شود.

شیطان همیشه می کوشد تا مسلمانان را از راه اصلی شان به بیراهه و گمراهی بکشاند، تا باشد همانند خویش تعدادی را هلاک نماید.

چنانچه خداوند متعال میفرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾
التور: ۶۳

ترجمه: «آنانی که با فرمان او مخالفت میکنند باید از این بترسند که بلائی (دردنیا) گریبانگیر شان گردد. یا اینکه به عذاب دردناکی (در آخرت) دچار شوند».

امروز تمام مصائب گوناگونی اعم از قحطی، جنگ، ویرانی، کشتار، زلزله، ذلت و غیره که گریبانگیر مسلمانان است سبب اساسی آن، دوری آنها از اوامر الهی و رسول وی است، همان است که هیچ روزی نیست واقعه تلخی بر مسلمانان رخ ندهد، اما افسوس که بخود نمی آئیم و متوجه نمیشویم!

متأسفانه بر اساس وسوسه های شیطانی بعضی از سنتها متروک و بدعت های به نزد مردم به عنوان یک سنت در فرهنگ و باور هایشان جاگزین گردیده و تعدادی با این باور بدنبال آن اند، همانند تجلیل از یوم عاشورا.

عاشورا! روزی که با روزه گرفتن گناهان یکسال قبل محو می گردد ولی شیطان با حيله و نیرنگش توانست اینروز را از خط سیر اصلی اش منحرف سازد. علاوه برآن، آنها را

مرتکب اعمال ناروا و بدعات در دین نماید. چنانچه تجلیل از این روز که یکی از راه های تقرب به خداوند در ایام روزه های نفلی می باشد که باعث ثواب و رفعت درجه انسان می گردد و مسلمان را به خداوند نزدیک می سازد، این امر از پیامبر بزرگوار ما حضرت محمد ﷺ ثابت است که امتش را نیز به آن ترغیب و تشویق نموده است چنانکه آنحضرت ﷺ فرموده است: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ؟ يَقُولُ مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَعَدَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَعِينَ خَرِيفًا «کسیکه یک روز، در راه خدا (بخاطر رضای خدا) روزه بگیرد، خداوند رویش را از آتش دوزخ به اندازه هفتاد سال دور نگه می دارد»^(۱)

و در حدیث قدسی از آنحضرت ﷺ روایت است: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ؟ قَالَ اللَّهُ كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصِّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ . یعنی خداوند می فرماید: هر عمل فرزند آدم برای خود اوست غیر از روزه که آن برای من است و من پاداش آن را می دهم»^(۲) به همین منظور پیامبر گرامی اسلام ﷺ به روزه گرفتن بعضی از روزهای سال ترغیب نموده اند تا سبب رحمت، کامیابی و پیروزی بنده مسلمان در آخرت گردد، از جمله این روزه ها روزه ماه محرم: (عن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم* أفضل الصيام بعد رمضان شهر الله المحرم و أفضل الصلاة بعد الفريضة صلاة الليل) حضرت ابوهریره ﷺ روایت می کند که رسول الله فرمود: «بهترین روزه بعد از ماه رمضان، ماه محرم است، و بهترین نماز بعد از نمازهای پنجگانه نماز شب است»^(۳)

زیرا ماه محرم نخستین ماه سال است بنابر این اگر با عمل نیک مانند روزه آغاز گردد، سال بهتر و پر از برکت خواهد بود.

روژه، روز عاشورا که موضوع بحث است، عاشورا روز دهم ماه محرم می باشد، در روایتی خداوند گناهان یکسال گذشته را برای روزه داران این روز می بخشد، (عن أبي قتادة ... قال رسول الله صيام يوم عاشوراء أحتسب على الله أن يكفر السنة التي قبله). (از ابی قتاده ﷺ روایت است که آنحضرت ﷺ فرموده است «امید وارم که خداوند روزه عاشورا را سبب کفاره گناهان سال گذشته قرار دهد»^(۴)

عاشورا در لغت

در عربی عشر می گویند و علمای لغت در اصل کلمه عاشورا اختلاف دارند، بعضی می گویند عاشورا کلمه عربی است و بعضی دیگر عاشورا را کلمه عبرانی خوانده اند.^(۴)

سبب نامگذاری عاشورا

در مورد نامگذاری این روز به نام عاشورا اقوال و روایات متعددی ذکر شده است بعضی می گویند که سبب نامگذاری عاشورا به این نام همانا دهم ماه محرم است و این قول واضح تر و نزدیکتر به دهم ماه محرم است، و گفته شده است که عاشورا روزی است که خداوند تعالی تعدادی از پیامبرانش را به لطف و کرامت خویش افتخار بخشیده است که از جمله خداوند موسی ﷺ را نصرت بخشید در این روز، که دریا راه را برایش باز کوچه کوچه و شق نمود که از چنگ فرعون نجات یافت و فرعون با لشکرش غرق گردید: قرآن کریم نجات یافتن موسی ﷺ را قوش، و غرق شدن فرعون و لشکرش را در آیاتی چنین تصویر می نماید: ﴿وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعَبَادِي فَأَضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ نَبَأًا لَا تَخَفْ دَرَكَا وَقَاتِلْ إِنَّهُمْ فَرَعُونَ يُحْشَرُونَ فَغَشَّيْهِمْ مِنْ أَلِيمٍ مَا غَشَّيْهِمْ وَأَضَلَّ فَرَعُونَ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى﴾^(۵)

ترجمه: «ما به موسی پیام دادیم که شبانه بندگانم را کوچ بده، و آنگاه راهی خشک برای آنان در این دریا بگشا (راهی که چون در آن گام بگذاری) نه از

فرعونیان میترسی که به تو برسند و نه (از غرق شدن) هراسی داری، فرعون با لشکریانش آنان را دنبال کردند، دریا آنان را بگونه شگفت انگیزی در میان امواج خود گرفت، فرعون قوم خود را گمراه ساخت و هدایت ننمود».

خداوند در سوره یونس می فرماید: ﴿وَجَزَّوْنَا بَئِیَٰٓتِ ۤإِسْرَءِیْلَ الْبَحْرِ فَأَنْجَعْنَاهُمْ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُۥ بُعِیَا وَعَدُوا۟ حَتَّىٰٓ إِذَا أَذْرَكْنَاهُ الْفُرْقَ قَالَ ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا الَّذِی ءَامَنْتُ بِهِۦ نَبِیُّ ۤإِسْرَءِیْلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ﴾^{۹۰ یونس:}

ترجمه: «بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم فرعون و لشکریانش برای ظلم و تعدی آنان را دنبال کردند و در پی ایشان راه افتادند، تا به آنجا که غرقاب فرعون را در خود پیچید گفت: ایمان دارم که خدائی وجود ندارد مگر آن خدائی که بنی اسرائیل بدو ایمان آورده اند و من از زمره فرمانبرداران هستم».

خداوند در سوره شعرا چنین می فرماید: ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فَرَقٍ كَالطُّورِ الْعَظِيمِ وَأَرْزَلْنَا نَمُ الْآخَرِينَ وَأَجْمَعْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ﴾^{الشعراء: ۶۳ - ۶۶}

ترجمه: «بدنبال آن به موسی پیام دادیم که عصای خود را به دریا بزن، دریا از هم شکافت و هر بخشی همچون کوه بزرگی گردید و در آنجا دیگران را (به موسی و قوش) نزدیک گردانیدیم، موسی و

جملگی همراهان او را نجات دادیم سپس دیگران را غرق کردیم»

روزیکه خداوند موسی ﷺ و بنی اسرائیل را نجات داد، روز عاشورا بود، لذا موسی ﷺ و بنی اسرائیل اینروز را بخاطر شکر گذاری خداوند روزه گرفتند.



حضرت یونس علیه السلام از شکم نهنگ نجات یافت. توبه بابای آدم علیه السلام را پذیرفت و حضرت یوسف علیه السلام از قعر چاه تاریک بیرون آورده شد.

و حضرت عیسی علیه السلام به این روز به دنیا آمد و در همین روز به آسمان برده شد. و واقعه های دیگری که از حوصله این بحث بیرون است.

روزه گرفتن عاشورا

زمانیکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله در ماه ربیع الاول سال اول هجری به مدینه منوره هجرت کردند، و در سال دوم ماه محرم هجری در مدینه متوجه شدند که اهل یهود روز عاشورا روزه می گیرند، به متابعت پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام آن حضرت صلی الله علیه و آله یارانش را به روزه گرفتن این روز نیز امر نمود. که در صبح روز دهم محرم بود که آن حضرت صلی الله علیه و آله دستور دادند تا همه ای پیروانش این روز را روزه بگیرند در حالیکه بعضی از مردم خورد و نوش کرده بودند، آنحضرت صلی الله علیه و آله به قراء و دهکده های اطراف مدینه اشخاصی را نیز فرستاد تا به مردم اطلاع دهند که روزه بگیرند و کسانی که چیزی خورده و یا نوشیده اند نیز از خوردن و نوشیدن امتناع ورزند و بقیه روز را روزه بگیرند، در این مورد احادیث وارد است با ذکر چندی اکتفا می کنیم:

۱- (عن سلمة بن الأكوع رضي الله عنه أنه قال بعث رسول الله صلى الله عليه وسلم رجلا من أسلم يوم عاشوراء فأمره أن يؤذن في الناس من كان لم يصم فليصم ومن كان أكل فليتم صيامه إلى الليل)

از سلمه بن اکوع رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله به مردی از قبیله اسلم امر نمود تا به مردم اعلان نماید، کسی که تا حالا نخورده است روزه

بگیرد زیرا امروز روز عاشورا است. (۶)

۲- مجزأة بن زاهر عن أبيه بلفظ سمعت منادي رسول الله يوم عاشوراء وهو يقول من كان صائما اليوم فليتم صومه ومن لم يكن صائما فليتم ما بقي. (از مجزأة بن زاهر از پدرش روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به روزه گرفتن عاشورا امر نمود و فرمود: «کسیکه روزه دار است پس روزه اش را تکمیل نماید و کسیکه روزه دار نیست باقی روز را روزه بگیرد». و آنرا تکمیل نمایند» (۷)

منسوخ شدن روزه عاشورا

در ماه شعبان سال دوم هجری، خداوند روزه ماه مبارک رمضان را بر مسلمانان فرض گردانید، پیامبر صلی الله علیه و آله یارانش را از روزه عاشورا منع نکرد طوری که در سال اول امر نموده بود اما به گرفتن روزه عاشورا بعد از فرضیت روزه ماه مبارک رمضان تشویق و ترغیب می نمود طوری که فرموده: (عن عائشة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أمر بصيام يوم عاشوراء فلما فرض رمضان كان من شاء صام ومن شاء أفطر)

از مادر مومنان حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: آنحضرت صلی الله علیه و آله امر به روزه عاشورا نمود ولی هنگامی که روزه رمضان بر او فرض گردید فرمود:

«هرکسی می خواهد، روز عاشورا روزه گیرد و هر کسیکه نمی خواهد نگیرد»

حکم روزه گرفتن عاشورا

علما اتفاق دارند که روزه روز عاشورا سنت است.

در مورد این که آیا در ابتدای اسلام قبل از فرضیت رمضان روزه عاشورا واجب بود یا مستحب؟

دو قول مشهور از علما وجود دارد که صحیح ترین این دو قول این است که روزه عاشورا در ابتدای اسلام واجب بود و سپس حکم آن مستحب گردید، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از فرضیت رمضان کسی را به گرفتن روزه عاشورا امر ننمود است آن رسول الله صلی الله علیه و آله، کان یصوم یوم عاشوراء قبل أن ينزل فرض رمضان، فلما نزل فرض رمضان

ترکه، فهذا لا يمكن التخلُّص منه إلا بأن صيامه كان فرضاً قبل رمضان، وحينئذ فيكون المتروك وجوب صومه لا استحبابه. (۸)

۱- چنانچه در فوق از عایشه رضی الله عنها روایت آن ذکر گردید که آنحضرت صلی الله علیه و آله به روزه گرفتن روزه عاشورا امر فرمودند. ولی هنگامی که روزه رمضان فرض گردید، بعضی در روز عاشورا روزه گرفتند و بعضی نگرفتند» (۹)

۲- همچنان که در فوق از سلمه بن اکوع رضی الله عنه روایتی را نقل نمودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله به مردی از قبیله اسلم دستور دادند تا به مردم قریه اش بگوید: کسیکه غذا تناول نموده است باقی روز را روزه بگیرد و کسیکه چیزی نخورده است پس روزه خود را تکمیل نماید زیرا امروز روز عاشورا است» (۱۰)

ملاعلی قاری رحمته الله می گوید: این حدیث دلالت صریح بر واجب بودن روزه عاشورا قبل از فرضیت رمضان می نماید که بعداً منسوخ گردید و حکم سنت را بخود گرفت.

ابن قیم رحمته الله می گوید: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم، كان يصوم يوم عاشوراء قبل أن ينزل فرض رمضان، فلما نزل فرض رمضان تركه، فهذا لا يمكن التخلُّص منه إلا بأن صيامه كان فرضاً قبل رمضان، وحينئذ فيكون المتروك وجوب صومه لا استحبابه (پیامبر صلی الله علیه و آله روز عاشورا را روزه می گرفت، و زمانیکه روزه رمضان فرض گردید آنرا ترک کرد. پس روزه عاشورا قبل از رمضان فرض بود سپس وجوب آن منسوخ گردیدنه استحباب آن). (۱۱)

حکمت در روزه عاشورا

عبدالله بن عباس رضی الله عنه حکمت روزه روز عاشورا را چنین بیان می کند: زمانیکه پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه منوره هجرت نمود، یهود را دید که روز عاشورا روزه می گیرند حضرت صلی الله علیه و آله از آنها پرسید: «این چه روزی است؟» گفتند: این روز نیکی است، روزیکه



خداوند بنی اسرائیل را از جنگ دشمن نجات بخشید، لذا موسی علیه السلام این روز را روزه گرفت. عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمَّا قَدِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةَ وَجَدَ الْيَهُودَ يَصُومُونَ عَاشُورَاءَ فَسُئِلُوا عَنْ ذَلِكَ فَقَالُوا هَذَا الْيَوْمَ الَّذِي أَظْهَرَ اللَّهُ فِيهِ مُوسَى عَلَى فِرْعَوْنَ وَنَحْنُ نَصُومُهُ تَعْظِيمًا لَهُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «نَحْنُ أَوْلَى بِمُوسَى مِنْكُمْ». وَأَمَرَ بِصِيَامِهِ. آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: من از شما به موسی نزدیکترم همین بود که این روز را روزه گرفت و امتش را به روزه گرفتن این روز خجسته امر فرمود ^(۱۲)

حکمتی دیگری هم نهفته بود در آن وقت دوست داشت پیامبر صلی الله علیه و آله تا با اهل کتاب موافقت و نزدیکی وجود داشته باشد خصوصاً در مسائلی که از طرف خداوند مأمور به مخالفت آنها نشده باشد، آن حضرت صلی الله علیه و آله میخواست تا از این طریق میان اهل کتاب و مسلمانان فضای محبت و الفت ایجاد گردد، اما هنگامیکه عداوت، دشمنی و ضدیت آنها را در مقابل مسلمانان رو به افزونی رفت، به مخالفت آنها دستور داد. ^(۱۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگامیکه موسی علیه السلام با گرفتن روزه شکر خداوند را بجا آورد و این روز را روزه گرفت زیرا شریعت امت های قبلی شریعت بر ماست به شرطیکه منسوخ و یا با شریعت ما تعارض نداشته باشد.

روزه گرفتن نهم و دهم محرم::

أَنَّ إِسْمَاعِيلَ بْنَ أُمَيَّةَ الْفَرَسِيَّ حَدَّثَهُ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا غَفْطَانَ يَقُولُ سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَبَّاسٍ يَقُولُ حِينَ صَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَأَمَرْنَا بِصِيَامِهِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ يَوْمٌ نَعْظُمُهُ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «فَإِذَا كَانَ الْعَامُ الْمُقْبِلُ صُمْنَا يَوْمَ التَّاسِعِ». فَلَمَّ يَأْتِ الْعَامُ الْمُقْبِلُ حَتَّى تُؤَقَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

(از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده است

ذکر می نماید: هنگامیکه پیامبر صلی الله علیه و آله روز عاشورا را روزه گرفت و امتش را به روزه گرفتن این روز امر فرمود یاران آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: ای رسول خدا این روز با عظمتی نزد یهود و نصاری است، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه سال آینده اینروز فرا رسید إنشاء الله روز نهم را نیز روزه خواهیم گرفت» ^(۱۴)

چنانچه در روایت از امام صادق علیه السلام می فرماید: (صوموا العاشوراء - هكذا - التاسع و العاشر فإنه يكفر ذنوب سنة) . ^(۱۵)

از امام صادق و ایشان از پدرش امام باقر علیهما السلام روایت می کند که علی رضی الله عنه فرمود: «در عاشورا روزه بگیرید، نهم و دهم زیرا که گناه یک سال را می بخشد».

فواید روزه گرفتن نهم و دهم محرم:

۱- مخالفت با یهود، زیرا آنها تنها روز دهم محرم را روزه می گرفتند.

۲- احتیاط در روزه دهم محرم، ترس از ناقص بودن مهتاب و یا احتمال خطا نمودن در تعیین روز نهم محرم، که شاید روز دهم باشد.

۳- دوری از روزه گرفتن منفرد مانند روز جمعه که بعضی ها مکروه گفته اند عن أبي هريرة قال: نهى رسول الله صلی الله علیه و آله عن صوم يوم الجمعة إلا يوم قبله أو يوم بعده .. ^(۱۶)

ابن عباس رضی الله عنه روز نهم و دهم را روزه می گرفت تا روز عاشورا را از دست ندهد ^(۱۷)

نوع سوم: روزه گرفتن نهم و دهم و یا دهم با یازدهم ماه محرم: دلیل این نوع حدیث از ازواج مطهرات رضی الله عنهن است:

عَنْ بَعْضِ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ " أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَصُومُ تِسْعَ ذِي الْحِجَّةِ، وَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، وَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ " فَهَذَا أَيْضًا، مِثْلَ الَّذِي قَبْلَهُ

از بعضی ازواج مطهرات روایت است: رسول الله نهم و دهم روز «عاشورا» را روزه می گرفت و سه روز از همراه را، یعنی روز سوم علاوه نمودن در ایام عاشورا مانند سایر ماه های دیگر مسنون است» ^(۱۸)

روزه گرفتن دهم محرم به تنهایی از پائین ترین مرتبه مراتب روزه عاشورا می باشد و دلیل آن حدیث عایشه رضی الله عنها است طوری که در فوق از آن یاد آوری گردید، همچنان روزه گرفتن دهم محرم به تنهایی مکروه نیز با دلایل ذکر شده مکروه بوده، مگر به طور قطعی کراهیت آن درست نبوده زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در طول حیاتش عاشورا را به طور منفرد روزه می گرفت و در آخر عمر مبارک آرزو برد تا در سال آینده روز نهم را با دهم محرم روزه بگیرد. عمر برایش یاری نکرد. ادامه دارد...

ماخذ:

- ۱- بخاری (۲۸۴۰).
- ۲- بخاری (۲۸۴۰) ۲- بخاری ۱۹۰۴
- ۳- مسلم (۱۱۶۲).
- ۴- مسلم ۸۱۹/۲
- ۵- طه: ۷۷-۷۹، دائرة المعارف بستانی/ ۱۱/ ۴۴۵ و الآثار الباقیه از البیرونی ص ۳۳۰
- ۶- بخاری ۵۹/۲
- ۷- عمده القاری شرح صحیح ۱۴۱/۱۷
- ۸- عمده القاری شرح صحیح ۱۴۱/۱۷
- ۹- بخاری ۲۸/۲
- ۱۰- صحیح مسلم (۱۱۳۵)
- ۱۱- زاد المعاد ۷۱، ۲
- ۱۲- سنن ابی داود (۲۴۴۶).
- ۱۳- متفق علیه (۳۱۹۱). زاد المعاد ۷۰/۲
- ۱۴- سنن ابی داود (۲۴۴۷).
- ۱۵- تهذیب الأحکام ۲۹۹/۴، الاستبصار ۱۳۴/۲
- ۱۶- سنن ابن ماجه (۱۷۲۳).
- ۱۷- سنن ابی داود (۲۴۴۷).
- ۱۸- شرح معانی الآثار (۳۲۹۱).



چاپیریال ساتنه

استاد احمد گل

په ستراتومسفير کې د اوزون طبقه نری او یا بیخي له منځه لاړه شي په زړو یخچالونو او ایرکنډیشنوکې داسې مواد فضاته خوشې کیږي چې د اوزون سوره لاپسې لویوي. په افغانستان کې چې د زړو موټرو باب دي د حکومت توجه دې خاصې موضوع ته را اړوم. درېیمه موضوع میده گردونه دي او میده گردونه هغو گردو ته وایي چې قطريې د ۱۰ مایکرونو کم وي او مایکرون د ملي مترزرمي برخې ته وایي دا میده گردونه په آسانی سره سږو ته د تنفس د لارې ننوزی او هلته ځای نیسي چې د امبولي او سرطان باعث گرځي او دا میده گردونه د زړو ډیزلي ماشینونه څخه را وزي اوس له بده مرغه په افغانستان دا کنټرول نه شته چې کوم موټر او یا ماشین دې افغانستان ته وارد شي او په خارج کې هم خلک د دې زړو ماشینونه ځان خلاصوي زمونږ وړاندیز دولت ته دا دي چې دې موضوع ته په جدي نظر وگوري.

جزیرې او د بحر د غاړې ټیټ ځایونه د اوبو لاندې کیږي او همدا رنگه واورې وریدل کمیږي او باران وریدل زیاتیږي ډیر بارانونه د سیلابو د راتگ سبب گرځي او سیلابونه ډیرې ځمکې او کورونه تخریبوي له بلی خوا د نباتاتو او حیواناتو د تغیراتو سبب گرځي یعنی د یخو ځایو نباتات او حیوانات به یا بالکل له منځ لاړ شي او یا به په څه تغیراتو سره ځان د نوي چاپیریال سره ځان برابر کړي او دا چې به انسانانو او حیواناتو نور څه تاثیر کوي اوس یې مونږ نه شو تخمین کولای. بله مهمه موضوع چې چاپیریال ته ډیر ضرر لري هغه د اوزون سوره ده اوزون د درې اتومو آکسیجن نه جوړ شوي دي او د ځمکې په شاوخوا یوه طبقه جوړوي چې ستر اتموسفیر نومېږي د اوزون قشر (طبقه) د دې د پاره ده چې د الترا ویولیت او نورو مضرو وړانگو د راتگ نه ځمکې نه مخنیوی وکړي که دا وړانگې ځمکې ته را ورسې نو د پوستکي (جلدی) تکلیفونه او د پوستکي سرطان به اول قطار کې راځي د سترگو ړندیدل او نور دسترگو مرضونه هم د دې وړانگو نه پیدا کیږي. د اوزون سوره هغه حالت ته وایي چې

گرین هوز غازونه هغه غازونو ته وایي چې په شیشه ای کوروکې منځ ته راځي او کله چې وړانگې شیشه ای کورته ننوزی نو یوه برخه یې چې د ځینې اوږد والی همدې گرمی له امله په ژمې او یخه هوا کې نباتات په کې کرل کیږي او په ژمې کې هم گټه ترې اخیستل کیږي اوس راځو دی موضوع ته چې صنعتی هیوادونو ډیر کاربنډاي اکساید او نایتروجن اکساید تولیدوی چې هوا ته خوشې کیږي او د ځمکې په شاوخوا داسې یو حالت جوړوي لکه گرین هوز چې وړانگې ورته ننوزي بیرته وتي نه شي او هوا گرموي ډیره څیرنه په دې برخه کې شوي او منل شوې ده چې همدا غازونه چې د گرین هوز تاثیر جوړوي داسې یوه پېښه لکه د گرین هوز تاثیر جوړوی او د ځمکې اتموسفیر گرموی او په دې ډول هوا گرمیږي د چاپیریال د گرمیدو سره په ځمکه کې یخونه ویلې کیږي او په بحرو کې اوبه زیاتیږي.



ککړ چاپیریال ټولنې ته گواښ:

ککړ چاپیریال زموږ د ټولنې او خلکو یوه بله ستونزه ده چې په دې وروستیو کلونو کې یې زور موندلی او خلکو ته یې د سالم ژوند ساحه تنګه کړې ده په هیواد کې د ناپاکه چاپیریال له کبله زیږیدلی ستونزې ډیرې په لویو ښارونو او هغو سیمو کې تر سترگو کیږي چې د ډیرو نفوس درلودونکې دي، په تیره بیا دغه ستونزه د هیواد په مرکز کابل ښار کې ډیره زیاته ده.

په وروستیو کلونو کې د کابل پر ښار د هیواد له نورو ولایتونو څخه د خلکو بې کنټروله راتګ او دا چې د کابل ښار د نفوسو زیاتیدل له ۲ میلیونونه ملیونه ته په خپله یوه حیرانونکې خبره ده.

دا څرګند حقیقت دي چې د نفوسو له زیاتوالي سره ځینې ستونزې لکه د کثافتاتو ډیریدل د نقلیه وسایطو بیروبار، په ښار کې د گرد او دود زیاتوالی ټول ډیوه ناسالمه چاپیریال د رامنځ ته کیدو زمینه برابروي زموږ د پيښې او اوسني عصر لویه ستونزه محیطی پرابلومونه او ستونزې جوړوي د چاپیریال ککړتیا اوسني نسل ته لوي گواښ متوجه کړي دي پوهانو ته ثابته شوې ده، چې د چاپیریال ساتنې په برخه کې ځیرنې نظر نورو ټولو څیړنو ته ستونزمنې، مهمې، د بیلابیلو برخو لرونکې او ضروري دي. چاپیریال ساتنه او د طبیعي توازن حفظ هم د بشریت او هم د ټولو نورو ژوندیو موجوداتو (ونو، بوټو، ژویو) لپاره حیاتي ارزښت لري

زموږ په ټولنه کې هم دا ستونزه په یوه اساسی او دپام وړ مسئلې اوښتې ده، په تیره بیا په کابل ښار کې چاپیریال دومره ککړ او غیر صحې دي چې ځینې وخت خو په ډیره کمه فاصله کې د موټرو ډیروران په دې نه توانیږي، چې مقابل لورې ووبی.

دغه راز په سلو کې د شپږو په شاوخوا کې خلک د ژمی په موسم کې د خپلو کورونو د تودوخې د تأمین لپاره برقی او بریښنايي انرژيو ته لاسرسی لري او پاتې نور یې د حرارت او تودوخې د تأمین په برخه کې له جدي ستونزو سره مخ دي او په معمولی توګه له لرګیو، فوسیلی موادو، تیلو او غازو څخه استفاده کوي، چې په نتیجه کې یې په ښارونو کې د چاپیریال د ککړتیا زمینه برابریږي.

که چېرې د افغانستان په کچه د یوه لوي او ستر مثال په توګه له کابل ښاره یادونه وکړو، لیدل کیږي، چې نه یوازې په سل هاوو زره نقلیه وسیلي په ورځنۍ کچه په ټننوزهرې گازات فضا ته استوي، بلکې ورې او غټې کارخانې، داشونه، د خښتو بتی، بد رفتونه او د کانالیزاسیون نه موجودیت هم د چاپیریال په ککړولو کې خورا زیاته ونډه لري. د هوا د ککړتیا په سلو ۷۰ لامل د هغو ناسوځنده موادو په سبب دي، چې له موټرو د باندي وځي او په فضا کې معلق پاتې کیږي.

د افغانستان ښکلی چاپیریال، چې پخوا یې د توریزم له نظره د زیاتو نړیوالو سیلانیانو پاملرنه ځانته را اړولې وه او له دې لارې هیواد ته ډیر عایدات ترلاسه کیدل، اوس یې د چاپیریال د تخریب او ویجاړیدنې او د

امنیت د ناپاډمن حالت په صورت کې دا ارزښت او اهمیت په بشپړه توګه له لاسه ورکړي دي.

ښارونو ته د خلکو د زیات بېپرد رامتیدو، د استوګنې لپاره د مناسبو کورونو کمښت او د ښاروالی د خدمتونو نشتوالی، په ښارونو کې د خلکو ګڼه ګوڼه او ترڅنګ یې د نقلیه وسایلو د زیاتوالي له امله د هوا او اوبو د ککړتیا او داسې نورو بې شمیره ستونزو په خپل ځای د ژوند چاپیریال له ډیر ناوړه حالت سره مخامخ کړي دي.

د یو ملت د استوګنو د ژوند د چاپیریال ساتنه ترهرڅه لومړي د هغوي خپله لومړنۍ او اساسي دنده ګڼل کیږي، ځکه چې انسان په خپله د ژوند د چاپیریال د تخریب او هم یې د ساتن بیا رغونې او ښیرازه کولو په چارو کې بنسټیز نقش لري. نو همدې ټکي ته په پاملرنې موږ د خپل هیواد د ژوند د چاپیریال ویجاړیدنې د مخنیوي لپاره ترهرڅه لومړي په ملي سطحه د ژوند د چاپیریال ساتنې د فعالو ارګانونو او ادارو موجودیت اړتیا احساسوو، چې د اجرا ټولو لپاره لازم قوانین او لایحې

ولري، چې دا د دولت دنده او مسؤلیت دي او همدا شان د ټولنې د استوګنو وګړو دنده ده، چې د خپل چاپیریال په ساتنه کې له ښاروالي او نورو اړوندو چارو اکو سره مرسته وکړي.



تدبیر و آینده نگری

احمد شکیب "الشنب"

دلیل مهم اعتبار کم دور اندیشی این است که این توانمندی با رکود تداعی شده است. ما شخص دور اندیش را به عنوان فردی می‌شناسیم از خطر می‌ترسد و زندگی را به طور روزمره می‌گذراند. اینکه سعی کنیم انتخاب وقت آسانی در زندگی داشته باشیم یا اینکه خود را وقف هدفی کنیم که به ما آسیب می‌رساند. دقیقاً به همان اندازه بی‌احتیاطی ما را در دام تکانه‌های آبی قرار می‌دهد.

دور اندیشی در تمام ابعاد زندگی

دور اندیشی به زندگی متعادل نیاز دارد. به دلایلی، افراد تمایل دارند تا دور اندیشی را با چند بعد محدود زندگی همچون کار و مسائل مالی ارتباط دهند. اما باید دانست که دوراندیشی با همه ای زندگی ارتباط دارد و افراد دوراندیش برای برقراری تعادل بین اهدافشان در حوزه‌های مختلف زندگی تلاش می‌کنند. برای مثال، به طور منظم صبح زود بیدار شدن و رفتن به محل کار حتی در روزهای تعطیل اگر به معنای غفلت کردن از خانواده و ارزش‌ها و اهداف معنوی باشد، دوراندیشی نیست.

آگاهانه زندگی کنید: افراد دور اندیش مسیر خودشان را در زندگی ترسیم می‌کنند. یک شخص دور اندیش آگاهانه و با هدف زندگی می‌کند. او صرفاً به آنچه که در جریان زندگی پیش می‌آید واکنش نشان نمی‌دهد؛ بلکه بر طبق درک اهداف و آرزو هایش تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند. انسان های دور بین و با بصیرت هیچ گاه زمان غیظ و خشم تصمیم اتخاذ نمی‌کند، هر اقدام از روی خشم، را محکوم به شکست می‌داند.

دهد به جایی می‌رسد که جامعه و افراد درون آن نیاز مبرمی به او پیدا می‌کنند. تدبیر و تدبیر برای جلوگیری از بحران‌های غیرقابل پیش‌بینی یا پیش‌بینی نشده بسیار موثر است. تدبیر، یک مهارت قابل یادگیری است و سودمندی آن تقریباً از هر مهارت دیگری بیشتر است.

تبدیل تهدید به فرصت: تدبیر ما را قادر می‌سازد که خطرات و فرصت‌هایی را که در آینده با آنها مواجه می‌شویم، پیش‌بینی کرده و بدین ترتیب زمان لازم برای تفکر و تصمیم‌گیری پیش از برخورد با آنها را داشته باشیم. دانستن اینکه چگونه به آینده فکر کنیم، با توجه به سرعت تغییرات در جهان، به شکل فزاینده‌ای ضرورت یافته است. شکی نیست برای گرفتن تصمیم‌های عاقلانه در باره زندگی و کسب و کار خود باید بدانیم که دنیای ما چگونه در حال تغییر است. دوراندیشی و آینده‌نگری از نشانه‌های خردمندی است و خردمندترین انسان‌ها افرادی هستند که آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی بیشتری دارند. دور اندیشی و آینده‌نگری، از شرایط لازم و مقدمات اساسی تصمیم‌گیری معقول و منطقی است. هنگام تصمیم‌گرفتن در خصوص هر مسأله‌ای، بررسی جوانب و زوایای گوناگون و پیش‌بینی پیامدهای اجتماعی آن، امری ضروری است؛ در نتیجه این بررسی‌ها تصمیمی که گرفته می‌شود سنجیده و همه جانبه خواهد بود. در همین زمینه آیاتی از قرآن و احادیث در مورد عاقبت‌اندیشی در کارها بیان می‌کنیم:

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند! چون در اندیشه انجام دادن کاری برآیی، در عاقبت آن تدبیر کن، تا اگر نیک است و در راه درست، به آن دست یابی، و اگر مایه گمراهی است آن را فروگذاری.

اهمیت آینده‌نگری در زندگی

دوراندیشی برای افراد ضعیف نیست. یک

هر اقدام از روی خشم، محکوم به شکست است. «تدبیر و آینده نگری» از ویژگی‌های انسان‌های موفق است.

این ویژگی، ضامن شفاف شدن ابهام‌های آینده است و تصمیمات آتی را رقم می‌زند. آینده نگری تقریباً معادل لفظ "تدبیر" در زبان عربی است. در اصطلاح آینده نگری یعنی گسترش افق دید خود و دیدن پشت پرده مسائل و هم چنین زمانی که شخص در آن است؛ یعنی در زمان حال، آینده را دیدن که نتیجه آن، چاره اندیشی برای رخداد های احتمالی است.

اعتدال در کارها:

آینده نگری نیز مانند اکثر امور از قاعده (خیرالامور اوسطها) پیروی می‌کند. مهم ترین ملاک در آینده نگری، اعتدال است. به اهداف دست یابید توجه به این نکته ضروری است که صرف آینده نگری ارزشی ندارد، بلکه عمل به آن و یافتن راه حل های مناسب و رفع موانع و مشکلات است که آینده نگری را عینیت می‌بخشد و نتیجه آن را تضمین می‌کند. اگر آینده نگری طبق معیارهای اسلامی نباشد، پیامدهای نامناسبی را خواهد داشت، تا جایی که می‌تواند سبب هلاکت فرد باشد. انسان با استفاده از دور اندیشی از کارهایی پرهیز و کارهایی را انجام می‌دهد تا آینده بهتری برای خود فراهم سازد.

تدبیر یک مهارت قابل یادگیری

انسانی که در زندگی تدبیر و آینده نگری داشته باشد فردی مفید و پرتمر در زندگی خود و هموعان خود می‌شود. باید بدانیم که انسانی که تدبیر و درایت و دوراندیشی را سرلوحه کار خود قرار



مولانا عبدالرحمن جامی (ع) مردی از تبار قدسیان

سید صهیب "عاصمی"

بیان را نزد جنید اصولی و بعد از آن در مدرسه نظامیه هرات در درس مولانا علی سمرقندی یکی از استادان متخصص و سرآمدان زمان که از جمله دو استاد ماهر و معروف در سطح کل شهر هرات بشمار می آمد خواند. مولانا جامی اگرچه اوقات تحصیلی شان اندک و محصور بود اما در علوم وفنون متداوله زمان به مرتبه ای تخصص و مهارت یافت که سرآمد روزگار شد. **سفر به سمرقند:** پس از مدتی که مولانا جامی از معدن علوم عقلی و نقلی پر شده بود راهی سمرقند شد و در مجلس درس مولانا فتح الله تبریزی، که استاد میرزا الغ بیک فرزند شاهرخ تیموری بود، حاضر می شد. و پس از صحبت و شناخت میرزا الغ بیک نسبت به ایشان محبت تمامی پیدا کرد و زبان به تحسین وی گشود. گفته اند که در این روزها غلغله ای در شهر سمرقند افتاد که چنان جوان با شخصیتی به این سرزمین آمده که هیچگاه اینگونه افراد مستعدی از خراسان برنخواسته و بدین سمت و سو روی نیآورده است. ضمناً در اثر خدمات الغ بیک سمرقند به شهری دارای مهمترین مراکز علوم ریاضی و رصد خانه ستاره شناسی در آمده بود که استادان ماهری از نقاط مختلف جهان به آنجا روی می آوردند.

البته الغ بیک علاوه بر آن، جهت تربیت نسلی که پاسگوی نیازهای دینی و مذهبی جامعه باشد و قرآن

شخصیتی شان همچون مشعلی تابناک فرا راه دانش پژوهان و معرفت جویان قرار گرفته است.

نام و نسب و دودمان: او عبدالرحمن ملقب به نورالدین و عمادالدین فرزند نظام الدین احمد ابن شمس الدین معروف به مولانای جامی منسوب به زادگاه خود جام بوده است و سلسله نسب مادری وی به امام حسن شیبانی میرسد، ایشان در شبانگاه ۲۳ شعبان ۸۱۷ هجری قمری مطابق ۷ نوامبر ۱۴۱۴ میلادی در قریه خردگرد جام دیده به جهان گشود.

مولانا جامی رحمته الله دوران کودکی را در آغوش پر مهر و محبت خانواده در جام گذرانده و سپس در پنج سالگی وارد مرحله تحصیل شد. **دوران فراگیری علم:** بلی عبدالرحمن جامی رحمته الله که هنوز پنج ساله بود به منظور فراگیری علم و دانش به شهر دانش پرور هرات منتقل شد. ضمناً او قبلاً هم با علما تعلق داشت؛ زیرا پدرش از دوستداران تصوف و علم بود و او را که خرد سال بود با خود همراه ساخته و نزد آنها می برد. مولانا در کتاب «نفحات الانس» از دیدار خویش با مشایخ صوفیه با آب و تاب و حلاوت تمام یاد کرده و از آن با شور و شوق سخن میگوید. مولانا قبل از سن پنج ساله گی مراحل ابتدایی را در زادگاه خویش ولایت جام گذرانده و از آغاز سن پنج سالگی تا پانزده سالگی ضمن هجرت به هرات پایتخت خراسان به تحصیل علم پرداخت. ابتدا علوم صرف، نحو، معانی و

حقا که مطالعه و بررسی زندگانی برجستگان تاریخ مردان اصلاح، تزکیه و رهبران مجددین دین، به ویژه سرآمدان تاریخ اسلام که معیار اساسی سنجش سعادت را در خود به نقش گذاشته اند، از جمله شریف ترین و دوست داشتنی ترین یاد واره هاست، زیرا که آنان خورشیدهای هدایت در آسمان انسانیت و مناره های درخشان اند، آنان از بدو زندگی شان تا انتهای آن در مسیر تکامل یافته دین صحیح پیش میروند و همواره در برابر متکبران ستیزه جو و سرکش که در پی توطئه چینی جهت بدام انداختن دین پاک و صحیح اسلام و در کمین به انحراف کشیدن پیروان حقیقی این دین هستند، قد علم می کنند، و با مبارزه جواب آنها را میدهند و آنان را ضمن اینکه پوز شان را به خاک میمالند؛ در زباله دان تاریخ می افکنند تا درس عبرت باشد برای واپسینان شان. از این نوع انسانهای خود باور که آرزوی شهرت شان عالمگیر تاریخ موجود و گذشته باشد، در واقع بسیار اند، اما به طور ویژه می توان از مولانا عبدالرحمن جامی نام برد که از محققان بزرگ زبان و ادبیات فارسی مقام خاصی را حایز هستند. وی از جهات گوناگون شخصیتی منحصر به فرد و استثنایی بوده که در عصر و زمان خودش همتا و مانندی نداشت. مولانا عبدالرحمن جامی شخصیتی چندین بعدی است که از پنج قرن بدین سو چون ستاره فروزان در جهان می درخشد و هر یک از ابعاد



و علوم اسلامی به همه مردم آموزش داده شود، اقدام به تأسیس مدرسه ای نمود و ریاست این مدرسه را به استاد موسی مشهور به قاضی زاده روم وا گذار کرد.

و عبدالرحمن جامی در همان سالها بود که به سمرقند آمد، از این رو علما بسیار تمایل پیدا کردند تا با وی ملاقات کنند، به ویژه مولانا قاضی زاده روم که نهایتاً به دیدار او آمده و بخاطر درک سطح علمی اش او را با چندین سوال نا مفهوم آزمود؛ اما عبدالرحمن جامی رحمته الله همه را جواب صحیح و کامل داد که در نتیجه تمام علمای سمرقند به وی اعتماد کاملی پیدا کردند. این موضوع را به میرزا الف بیک اطلاع دادند، بدین علت میرزا وی را خواست و جهت تقدیر و تشکر از وی استقبال گرمی کرد و به درازا با وی سخن گفت: مولانا جامی پس از سپری شدن نه سال از وقت ورود به سمرقند، شبی در رؤیای عرفانی یکی از مشایخ نقشبندیه هرات را به خواب می بیند که او را به سوی خود فرا می خواند، وی بعد از این جریان بی درنگ به سوی هرات شتافت و دست ارادت به دامن شیخ سعدالدین کاشغری زده که در واقع او را گفته بود: تا برود دامن یاری را بگیرد که نا گزیر از اوست؛ مولانا کاشغری بر در مسجد می نشست و هرگاه عبدالرحمن جامی از آنجا عبور می کرد به یاران خود میگفت: این مرد دارای قابلیت های بسیاری است، من فریفته او شده ام، نمی دانم او را با چه حيله ای به چنگ آورم و بار اول که جامی به خدمت او رسیده بود به یاران خود گفته بود: شاهبازی به چنگ ما رسیده است.

جامی و علوم و فنون مختلف:

مولانا جامی در هر علمی قدرت تمام عیار داشت و قادر به تألیف و تصنیف بود، به خصوص در علم تصوف که علمای این علم او را قرین محی الدین عربی یکی از سرآمدان بزرگ تصوف در تاریخ می دانستند. کتابهای «شرح فصوص نقد نصوص» و «لوايح» را در علم تصوف نوشت که تا



اکنون کسی همچون کتب مذکور تصنیف نکرده است. در علم نحو کتابی بنام «شرح جامی» مرقوم کرده و می توان گفت در هر علمی از آن بزرگوار تصنیف دلپذیری به یادگار مانده است. پس او در عصر خود بی مثل و مانند بوده در هر عرصه ای از عرصه های علم و هنر بدین سان بود که سلطان حسین میرزا بایقرا با اولاد و اتباع خود به وجود او مینازیدند. ایشان نه تنها در علوم فوق تخصص داشتند بلکه در عرصه ادبیات و شعر یکی از سرآمدان عصر خود بوده است، و اشعار او همگی اعم از قصائد، غزلیات، مقطعات، مثنویات و رباعیات به صد هزار بیت شعر می رسد. بلی پس از وی شاعری به مانند او در قلمرو زبان فارسی ظهور نکرده است، حتی در برخی مواضع از شعرای نامدار پیشین پیشی گرفته است، و در هر یک از صنایع شعری آثار گرانبغری از خود به یادگار گذاشته است که آثار جاویدانه و ماندگار زبان فارسی بشمار میرود. مقام و منزلت عبدالرحمن جامی رحمته الله در شعر بدان پایه است که او را خاتم الشعراء نامیده اند، زیرا مولانا جامی از آغاز جوانی تا واپسین سالهای زندگانی شعر می سرود و قریحه شعری دروی امر فطری بوده است و هرگز نمی توانسته از کلفت شاعریش خود را برهاند، وی در اشعارش بدین مطلب اشاره میکند:

ز طور طور گذشتم ولی هرگز
ز فکر شعر نشد حاصلم فراغتبال
هزار بار از این شغل توبه کردم لیک

از آن نبود گریزم چو سایر اشغال
کتب شعرا و عبارتندها: سلسله الذهب، تحفة الاسرار، سبحة الابرار، یوسف و زلیخا و نفحات الانس که هم اکنون در میان مردم اشتها سرشاری دارد.
ازدواج و سفر حج: مولانا جامی رحمته الله با دختر خواجه کلان پسر ارشد شیخ سعدالدین کاشغری ازدواج کرده البته تاریخ ازدواج معلوم نیست. و از این همسر شان صاحب چهار فرزند شدند، سه تا از فرزندان در عهد حیات شان جان به جان آفرین تسلیم نمودند، که از میان آنها یکی خواجه صفی الدین است که پس از یک سال زندگی وفات می نماید و مولانا از این واقعه بسیار متأثر و رنجیده میشود، چنانکه از مرثیه ای که در خصوص وفات صفی الدین در ابتدای دیوان شان مرقوم است و مولانا برای وی نظم نموده است، این امر به وضوح فهمیده

میشود. پس از سپری کردن مدت کوتاه بعد از ازدواج، مولانا عازم سفر بیت الله حرام شدند، بنابر روایت فخرالدین علی صوفی صاحب کتاب رشحات این سفر در ماه ربیع الاول سال ۸۷۷ هـ ق به وقوع پیوست حال آنکه مولانا در سن ۶۰ سالگی به سر میردند. صاحب تذکره میخانه مینویسد که بعد از زیارت بیت الله مولانا از طریق شام و مصر عازم شهری در عراق می گردد و در میان راه مورد احترام گرم و استقبال شیرین سلطان بایزید ثانی قرار میگیرد و آنها از جمله مخلصان وی در می آیند. مولانا جامی رحمته الله پس از زیارت و سیاحت بار دیگر به هرات بازگشت و سبب خوشحالی و خرسندی سلطان حسین میرزا و امیر علی شیر خواجه گردید. این سفر کمتر از یک و نیم سال به طول انجامید.

وفات مولانا جامی رحمته الله: مولانا در سال ۸۹۸ هـ ق به سن ۸۱ سالگی در هرات وفات کردند. در همان سال وفاتش بود که مداوم با یارانش در مورد فراق و موت لب به سخن می گشود. مولانا با یکی از مریدان ملاقات میکند و خطاب به وی میگوید: پیش از ابتلا به مرض، توگواه باش که ما را با هیچ کسی به هیچ وجه وابستگی نمانده است. بعد از اینکه از سفر به منزل مراجعت کردند آثار مرض پیدا شد و آنگاه بود که مولانا با این مرض دست و پنجه نرم می کرد و در صبح جمعه روز ششم محرم پس از گذشت شش روز از مریضی مذکور جان به جان آفرین سپرد. قبر ایشان در منطقه خیابان شهر هرات که آرامگاه بسیاری از صالحین امت می باشد، در کنار قبر مرشدش مولانا سعدالدین کاشغری رحمته الله واقع می باشد،
انا لله و انا الیه راجعون.

پی نوشت ها:

۱. سر زمین جام و رجال آن
۲. منشآت جامی مصحح عبدالعلی نور احراری ص ۱۶ شرح حال تصرف .
۳. مجموعه کتب اعتقاد نامه عبدالرحمن جامی ص ۱۵-۱۶ عبدالله شفیعی و سر زمین جام و رجال آن
۴. منشآت جامی
۵. سر زمین جام

اهمیت و فوائد زکات در اسلام

استاد نورالله "کوثر"

يَكْزُرُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفَقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُوهُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
النوبة: ۳۴-۳۵

« و مردمی که زر و سیم را می اندوزند، و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذابی درد ناک بشارتشان ده، روزی که آن زر و سیم در آتش جهنم گداخته شود، و پیشانی و پهلوی و پشت آنها با آن داغ کرده شود، و گفته شود: اینست آنچه اندوخته کردید برای خویش، پس بجشید سزای آنچه اندوختید.»

در صحیح بخاری آمده است که پیامبر ﷺ فرمودند: « مَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهُ، فَمَثَلُهُ شَجَاعًا أُفْرِغَ لَهُ زَيْتَانٌ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَأْخُذُ بِهِ زَنْجِيْرٌ - يَغْنَى بِشِدْقِيهِ - يَقُولُ: أَنَا مَالِكٌ أَنَا كُنْزُكَ »^(۲)

« کسیکه خداوند به او مالی عطا فرماید و زکاتش را ندهد، روز قیامت آن مال به صورت مار کجلی که دو نقطه سیاه بر روی چشم دارد ظاهر می شود، و دور گردنش می پیچد سپس استخوان بیخ دو گوشش را می گیرد و می گوید: من مال تو ام من گنج تو ام.» همچنین امام مسلم روایت می کند که پیامبر ﷺ فرمودند: « مَا مِنْ صَاحِبٍ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ فَأُحْمِيَ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوَى بِهَا جَبْهُهُ وَجَبْهُ وَظُهُرُهُ، كُلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ »^(۳)



مشتقات آن نیز به کار رفته است. اما آنچه که میان مردم مشهور است، غالباً واژه زکات به مفهوم زکات فرضی و کلمه صدقات بیشتر در موارد خیرات و صدقات نفلی استعمال میشود.

زکات یکی از ارکان اسلام است، که شخص توانگر بدون پرداخت زکات، اسلامش کامل نمی شود، رسول الله می فرماید: « بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامَ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ، وَحَجَّ الْبَيْتِ، وَصَوْمَ رَمَضَانَ »^(۱)

« اسلام بر پنج اصل بنا نهاده شده است: شهادت دادن به اینکه نیست معبودی که شایسته پرستش باشد به حق مگر الله، و اینکه محمد ﷺ فرستاده خداست، و نماز گزاردن، و دادن زکات، و رفتن به سوی خانه خدا برای ادای حج و عمره، و روزه رمضان گرفتن. » و چنانچه کسی وجوب زکات را انکار نماید کافر و مرتد شناخته می شود.

و همچنین اگر فردی در پرداخت آن بخل ورزد و یا بطور کامل پرداخت ننماید مستحق عذاب خداوند خواهد شد، خداوند می فرماید:

﴿وَلَا يَحْسِنُ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنْتَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لِمَنْ بَلَّ هُوَ سَرَّهُمْ سَبَطُوا مَا بَحَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾
آل عمران: ۷۵

« آنان که نسبت به آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا فرموده بخل می ورزند، گمان نکنند که این کار به سود آنها است، بلکه برای آنها شر است؛ به زودی در روز قیامت آنچه را در باره آن بخل ورزیده اند طوق گردشان می شود و میراث آسمانها و زمین از آن خداست، و از آنچه انجام می دهید، خداوند آگاه است. » و می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ

«الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله والصلوة والسلام علي رسول الله وعلي آله وصحبه ومن والاه»:
اما بعد!

مقدمه

طوریکه از عنوان این بحث پیداست در این مقاله سعی بعمل آمده تا اهمیت و فوائد زکات را در اسلام بیان نموده و آثار اجتماعی، دینی و اقتصادی این فریضه را به یاری و مددکاری باری ﷻ به محضر شنونده گان و خوانندگان ارائه دارم.

"زکات" واژه عربی بوده به معانی متعددی همچو پاکی، نمو، رشد، زیادت، برکت، دستگیری و غیره آمده؛ این کلمه در متون دینی به نام صدقات نیز مسمی گردیده چنانچه الله متعال پیرامون اصناف مصارف آن ارشاد می فرماید:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهِ وَالْمَوْلُوفِ لَهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغُرْمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾
النوبة: ۶۰

" جز این نیست که زکات صرف می شود برای فقراء، مساکین، کارمندانی که مقرر اند در جمع آوری زکات و گروهی که دلهای شان تألیف می گردد. و در آزاد کردن بردگان و در ادای دین قرضداران و در راه الله و برای مسافران، (این مصارف) از جانب الله تعیین شده است و الله دانا و با حکمت است."

زمانیکه به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی ﷺ نظر بیفکنیم در خواهیم یافت که هر دو کلمه به یک معنی بوده یعنی هر دوی آنها به معنای زکات فرضی اطلاق شده است همچنان به لفظ انفاق و

« هر دارنده طلا و نقره‌ای که حق آن (زکاتش) را پرداخت نکند، روز قیامت برایش قطعه هائی از آتش ساخته می‌شود که در آتش جهنم داغ می‌گردد، و پهلوی پیشانی و پشتش با آن داغ کرده شود، و چون سرد شود دوباره داغ کرده شود، در آن روزی که به اندازه پنجاه هزار سال است، تا در میان بندگان حکم صورت گیرد. » زکات از پایه‌های اساسی نظام مالی و اقتصاد اسلامی، و به مثابه ستون فقرات اقتصاد اسلامی می‌باشد.

نظام مالی اسلام بر این اصل استوار است که، در حقیقت امر الله ﷻ مالک همه اشیاست. این اعتراف، چنین نتیجه را به دنبال دارد که: تنها او تعالی حق دارد که نظام اقتصادی را برای بشریت پایه‌گذاری نماید، که زکات بهترین تربیه و نهاد عملی این قانون گذاری میباشد.

زکات عبارت از سپردن قسمتی از مال مشخص برای معینی که شارع آنرا جهت رضامندی الله رب العزت تعیین کرده است، میباشد.

به عبارت دیگر زکات عبارت: از بیرون نمودن پاره‌ای از دارائی بوده، تا بقیه با برکت الهی رشد و نمو کند و درجات صاحبش را زیاد نماید و مال را از حرام و صاحبش را از صفات مذموم، پاک گرداند. از بیانات فوق چنین برمی آید که زکات از جمله ضروریات دین بوده و از عبادات مهم محسوب میشود. طوریکه در (۳۲) آیه که قرآن انسان را به نماز دعوت کرده آنرا با زکات مقرون ساخته است.

﴿وَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ ^{البقرة: ۴۳}
(و برپا دارید نماز را و بپردازید زکات را).
و با ادای نماز و پرداخت زکات است که برادری دینی حاصل می‌شود چنانچه می‌فرماید:

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا فِي السِّلَاحِ وَتَقَبَّلُ إِلَيْهِمْ لِقَاؤُهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ ^{البقرة: ۱۷۷}

(پس اگر آنها (کافران) (به اسلام) روی آوردند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، برادران دینی شما اند.) و از آنجاکه زکات موجب تطهیر و تزکیه نفس از پول پرستی، خودخواهی و بخل، پستی،

قساوت، طمع، آز و حسد است، آنرا زکات گویند. همچنانکه پرداخت آن دلیل برصدق و راستی و وفاداری به ایمان است آنرا (صدقه) می‌نامند.

چنانچه قرآن می‌فرماید: ﴿حُذِرْنَ آمَوُلَهُمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ ^{البقرة: ۱۰۳}
(از اموال شان صدقه (زکات) دریافت کن تا اینکه به وسیله آن، آنها را به پاکی و وارستگی برسانی).

زکات نه تنها موجب پاکی و وارستگی فرد بلکه مایه پاکسازی جامعه از فقر و بیکاری، که اساس انواع جرایم و جنایات و فساد ها است، می‌شود. و در برابر بیشتر کمبودی ها افراد جامعه را بیمه می‌کند.

برخی فوائد اجتماعی، تربیتی و دینی زکات:

أ- زکات یکی از فرائض اسلام و رکن سوم ارکان پنجگانه آنست. امر پرداخت زکات در قرآن در حدود سی و دو آیت با نماز توأم ذکر گردیده.

ب- زکات عبارتست از عبادت مالی که بعد از نماز حایز مرتبه دوم می‌باشد.

ت- در صورتیکه نماز ستون دین است، اهمیت زکات را می‌توان از روی آن تصور کرد. زکات حق فقیران بر ثروتمندان بوده و پرداختش بر آنها لازم است، و مقام و منزلت فقیران در آن بزرگ گردانیده شده، آنها احساس می‌نمایند آنچه را که از ثروتمندان می‌گیرند حق خود آنهاست. نه گدایی و نه طلب کمک، و نه ذلت، و ایشان این فرض خداوندی را با عزت و کرامت می‌پذیرند.

ث- لذا می‌بینیم که فریضه زکات یک وسیله ایجابی تعاون و همکاری بین افراد جامعه با یکدیگراست، زیرا ثروتمندان به خواست و رضایت خود و بمنظور امتثال و فرمانبرداری از امر خداوند ﷻ و خوشنودی او تعالی، این وجبه را اداء می‌نمایند.

ج- زکات یکی از برنامه‌های اقتصادی بوده، سبب پاکی نفسها میگردد.

ح- با پرداخت زکات انسان خود را در صف سخاوتمندان قرار می‌دهد.

خ- ایجاد مهر و محبت نسبت به نیازمندان، زیرا انسان قبل از پرداخت زکات دلش به حال فقیر می‌سوزد، سپس در حال رحم و مهر و محبت زکات را تقدیم مستمند می‌کند. چنانچه حدیثی را که انس

بن مالک روایت کرده معنای مذکور را تأکید می‌کند. شخصی از بنی تمیم نزد پیامبر ﷺ آمده و گفت: ای رسول خدا نزد من مال زیاد است، همسر و فرزندانم هم موجود اند، مرا رهنمایی کن که در مالم چگونه تصرف نمایم؟ پیامبر ﷺ در پاسخ فرمودند: زکات مالت را بپرداز زیرا آن پاکیزست، سبب پاکی تو می‌گردد. با اقارب رابطه خود را نگهدار حق مسکین، همسایه و گدا را بشناس.

د- کسب محبوبیت نزد دیگران، و طبیعی است که انسان هرچه بیشتر به دیگران خدمت نماید نزد آنان محبوبتر می‌گردد، و پرداخت زکات خود نوعی خدمت به مردم است.

ذ- با ادای فریضه زکات خصلت بخل از انسان زدوده می‌شود، چنانچه خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿حُذِرْنَ آمَوُلَهُمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ ^{البقرة: ۱۰۳}

و- «از مالهایشان صدقه‌ای بگیر تا ایشان را با آن پاک گردانی و پرورش دهی».

ز- زکات، زکات دهنده را و میدارد که بر خدا نسبت به مالش زیاد اعتماد و اتکاء داشته باشد. آنچه را که انسان در زمین خوب بذر می‌نماید نمو می‌کند بدون شک که نیازهای نیازمندان چون زمین حاصل خیز است، قرآن ما را فرا خوانده است که در آن مطابق رهنمایی و تعلیماتش تخم بذر نماییم.

س- زکات نیاز فقراء را که در بیشتر کشورها، طبقه اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند بر طرف می‌سازد.

ش- جامعه اسلامی را قدرتمند و سرافراز می‌نماید، لذا صرف زکات برای جهاد در راه خدایکی از مصارف هشتگانه زکات است.

ص- حقد و حسد را از دل‌های فقرا نسبت به توانگران از بین می‌برد، زیرا که مشاهده فقیر به منحصر بودن استفاده ثروت توسط توانگر و محرومیت وی از آن حقد و حسد را در دل او (فقیر) می‌کارد و منجر به ایجاد دشمنی بین فقرا و ثروتمندان می‌شود، اما اگر فقیر خود را هر ساله شریک جزئی از اموال توانگر بداند نه تنها نسبت به ثروتمند حسد و



دشمنی نمی‌ورزد، بلکه خود را موظف به حفظ و دفاع از اموال آنها می‌داند زیرا انتظار دارد که در آخر، نفعی از آن، به وی برسد. **ضی** - با پرداخت زکات، اموال رشد کرده و با برکت می‌شود.

ط - امام مسلم روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند:

« مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ »^۴

« هیچ صدقه‌ای مال را کم نمی‌کند ».

ظ - پرداخت زکات در واقع نمو و انکشاف مال است مانند آنکه تخم می‌روید و نمو می‌نماید و نتیجه حاصلات چند برابر به دست می‌آورد.

طوری‌که خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿ مَثَلُ الَّذِي يُنْفِقْ أَمْوَالَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُجْلَةٍ مَأْتَةٌ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الَّذِي كَسَبَ ﴾^۵

(مثال کسانی‌که در راه خدا مالهای خود را به مصرف می‌رسانند مانند دانه ایست که از آن هفت خوشه روید و در هر خوشه آن صد دانه است. و خداوند آنرا برای کسی‌که خواسته باشد زیاد می‌سازد. بدون شک که خداوند دارای علم وسیع است).

ع - یکی دیگر از فوائد اجتماعی زکات اینست که از رکود ثروت جلوگیری کرده و آن را به گردش در می‌آورد، و دائرة استفاده از آن را وسعت می‌بخشد، و اینچنین همه اقشار مردم از ثروت استفاده می‌کنند. فوائد دینی، تربیتی، و اجتماعی زکات دلالت بر عظمت این رکن اسلامی می‌دهد که ادای آن برای اصلاح افراد و جامعه امری ضروریست.

غ - زکات به انجام رسیدن یکی از ارکان اسلام است، که سعادت دنیا و آخرت انسان در گرو آن است.

ف - تأدیه زکات، تقرب جستن به خداوند و افزوده شدن ایمان بوده، که انجام هر عبادتی این نتیجه را به همراه خواهد داشت.

ق - اداء زکات سبب بدست آوردن ثوابی بزرگ است، خداوند می‌فرماید:

﴿ يَمْحُ اللَّهُ رِبَاً وَيُرِي الْمَصْدَقَ ﴾^۶

ک - « خداوند ربا را نابود می‌کند، و صدقات را افزونی می‌بخشد ». و می‌فرماید:

﴿ وَمَا أَتَيْتُمْ مِنْ زَبَاٍ يُرَوِّا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرَوُّا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا أَتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْطَرُونَ ﴾^۷

« و آنچه داده باشید از راه ربا برای اینکه با

مال مردم به مال خود بیفزائید نزد خدا زیاد نخواهد شد و آنچه را که از زکات لوجه الله بدهید، پس اینگونه کسانی دارای پاداش مضاعف اند ».

همچنان رسول الله ﷺ می‌فرماید: « مَنْ تَصَدَّقَ بِعَدْلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْبٍ طَيِّبٍ - وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا الطَّيِّبَ - وَ إِنَّ اللَّهَ يَنْقَبِلُهَا بِيَمِينِهِ، ثُمَّ يُرِيهَا لِصَاحِبِهِ كَمَا يُرِي أَحَدَكُمْ فَلَوْهُ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ الْجَبَلِ »^۸

« کسی‌که به اندازه خرمائی از کسب حلال صدقه دهد، و خداوند جز پاک (حلال) را نمی‌پذیرد، همانا خداوند آن را با دست راستش پذیرفته و آنرا برای صاحبش پرورش می‌دهد، همچنانکه یکی از شما کره اسب خود را پرورش می‌دهد، تا اینکه مثل کوه بزرگ شود ».

پرداخت زکات گناهان را پاک می‌کند. رسول الله ﷺ می‌فرمایند: « وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ »^۹

« و صدقه گناه را خاموش می‌سازد همچنانکه آب آتش را خاموش می‌کند ». کلمه صدقه در اینجا به زکات نیز تعبیر می‌شود.

ل - زکات حق مساکین بالای اغنیا است. آنجا که الله متعال می‌فرماید:

﴿ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴾^{۱۰}

(و در مالهای (ثروتمندان) حقیقت برای گدا و محروم (محتاج)

م - و قتی‌که انسان زکات را می‌پردازد این امر نعمت‌های خدا و پیمانی را که در مورد آنها با خدا بسته است، به یاد او میدهد که در استفاده از نعمت‌های خدا میانه روی نماید. و آنرا بدون منت و زیان رساندن، انفاق نماید...

ن - اسلام بوسیله زکات نفسها را مهذب و پاک می‌نماید، نفسها مطمئن و آرام می‌گرداند.

ه - زکات سبب از بین بردن عقده و دشمنی‌ها در بین افراد جامعه است. زیرا زمانی‌که ثروتمندان زکات مال خود را به مستحقان مسکین و فقیر میدهند، عقده‌ها از بین می‌رود و فضای برادری و محبت به وجود می‌آید.

و - زکات عامل از بین بردن فقر و فاقگی از جامعه: اسلام بوسیله زکات جامعه را از خطر ها و شورش‌هایی که به سبب فقر و

گرسنگی بوقوع می‌پیوندد، حمایت می‌نماید. هکذا شورش‌هایی که فقیران را به مطالبه در مشارکت مساویانه در اموال ثروتمندان می‌کشاند، و این امر سبب بی‌نظمی و بی‌بند و باری‌ها در جامعه گردیده، عوامل فساد را تقویت می‌بخشد، و اسباب از بین رفتن اموال و خرابی‌ها را فراهم می‌سازد. همه این آشوب‌ها را زکات خاموش می‌سازد.

ی - زکات بهترین وسیله‌ای کمک به فقیران و مسکینان: زکات به مثابه سرمایه‌های کوچک آنها بشمار می‌آید که آنرا در یکی از عرصه‌های اقتصادی در دوران انداخته و از آن استفاده می‌نمایند. فقیران و مسکینان نخستین کسانی‌اند که حق گرفتن زکات را دارند و این بمعنای آنست که جمع و توزیع زکات وظیفه افراد نیست که به آنها سپرده شود. بلکه یکی از وظایف و مسؤولیتهای دولت است که نگرانی و جمع‌آوری زکات را بعهده دارد.

ا - زکات سبب صیانت آبرو و کرامت فقیران است: زکات عزت و کرامت فقیر را حفظ نموده، آنانرا از ذلت‌گدایی، مصوون می‌نماید.

ب - مانع اندوختن و جمع‌آوری سرمایه می‌گردد: زیرا موجودیت مال و تراکم آن در دست عده‌ای انگشت‌شماری زمینه را برای بوجود آمدن طبقه سرمایه‌دار فراهم ساخته، در بین افراد جامعه فرقه‌ها و تمایزات زیادی را به وجود می‌آورد. اسلام تراکم ثروت را نپذیرفته و آنرا رد می‌نماید خداوند می‌فرماید:

﴿ ... كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ﴾^{۱۱}

(تا نباشد آن دستگاران میان توانگران).

ت - همچنان در پرتو تطبیق و اجرای عملی زکات، ثروت و دارایی و مال در دست تعداد انگشت‌شماری از افراد جامعه متمرکز نمی‌گردد. و ظلم و

ستم و بیدادگری و استبداد که زاده این پدیده زشت است، رو به فنا و نیستی می‌نهد و سرانجام ارزش‌های اخلاقی در جامعه حکمفرما شده، و همگان از مزایای خجسته آن برخوردار می‌گردند.

ث - زکات بزرگترین عامل فعال ساختن روند اقتصادی در داخل جامعه اسلامی است.



جج- زکات باعث بوجود آمدن منبع مالی بخاطر کمک به فعالیتهای دولت و برنامه های آن میباشد.

حح- زکات مسلمان را از آن گونه سیطره و حب مالی که بیشتر از جانش آنرا دوست دارد، رهایی میدهد.

سیطره هاییکه سبب مشکلات زیادی برای او شده، به سبب آن از لذت و سعادت زندگی محروم می گردد.

زکات عامل همبستگی اجتماعی بوده، زکات درجه صحت روحی و روانی و معنویت شخص را بالایی برد، احساس تنهایی و دوری از جامعه را از نهاد انسان دور می سازد. زکات دهنده زمانیکه به خواست خود زکات را بیرون می آورد، در باز سازی جامعه سهم می گیرد و در خوشبخت ساختن افراد جامعه مشارکت می ورزد. او احساس می نماید که او در جامعه هماهنگ و همبسته ایکه بر مبنای الفت و محبت استوار است زندگی می کند و روحش آرام می گیرد، از کسانیکه در ماحول او اند و از او راضی اند احساس اطمینان قلبی مینماید که به سبب آن نگرانی و تشویش از جامعه رهسپار می گردد.

خلاصه اینکه زکات عبارت از همبستگی دینی، اجتماعی و اقتصادی ایست که خداوند بیاد ما میدهد که این همه نعمتها را آفریده است، کسانی را که از نعمتهای مذکور برخوردار و کسانیکه محروم آن اند می آزماید، می بیند که کدامیک از بنده هایم عمل نیکی را انجام میدهد، شکر و صبر می نماید. خداوند بر مردم واجب کرده است که تا حد توان سعی و تلاش نمایند. عمران و آبادانی زمین را جایی برای کوشش ها و تلاشهای مزبور گردانیده است.

خخ- توسط زکات، فقیر نیازهای مادی خود را چون، طعام و منزل و لباس و سایر نیازهای فکری، معنوی و روانی زندگی خود را چون مثل ازدواج و آموختن علم رفع می سازد.

د- فقیران در همچو جامعه احساس می نمایند که ایشان در جامعه هستند که به آنها اهتمام صورت می گیرد، این احساس سبب کسب و حفظ شخصیت آنها می گردد، این احساس ثروت امت مسلمه است که نباید آنرا کم شمرد.

فد- زکات خوبترین عامل توازن اقتصادی است، در پهلوی آنچه ذکر کردیم زکات فقر را علاج اساسی و بنیادی می کند چه آن ساحه و محور ملکیت را گسترش و توسعه داده، تعداد زیادی فقیران را ملکیت می بخشد که نیازمندی خود و فامیل های ایشان را تا پایان عمر مرفوع سازد. برادری و زکات در جامعه اسلامی از پایه های اساسی آن بشمار می رود که به و وسیله آن اسلام پیروزی های چشمگیری را متحقق ساخته است.

ر- به وسیله زکات فقیر از دائره نیازمندی و حاجت بدر شده، به خود کفایی دایمی میرسد، روی آن امکان دارد آنچه که مناسب اوست در اختیار خویش در آورده و او را ثروتمند سازد. زکات سبب اجر و پاداش الهی است رحمت خداوند ﷺ به چه اندازه بزرگست که نفسهای بشری در دنیا بآن رغبت و کشش دارد، رحمت ایزدی یگانه مطلب و مقصد هر انسان در آخرت است. خداوند قدوس به کسانی که زکات می پردازند رحمت خود را وعده کرده است، چنانچه خداوند متعال می فرماید:

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ يَأْتِيْنَا بِالْهُدًى﴾
(الأعراف: ۱۵۶)

(و رحمتم احاطه کرده است همه چیز را پس خواهیم نوشت) رحمت کامله خود را در آخرت برای کسانی که پرهیز گاری می کنند و زکات می پردازند).

پرداخت زکات فریضه قطعی اسلام بوده که هر مؤمن باید آنرا به رغبت و میل خاطر بپردازد. و عاملین آن را جمع و توزیع و حفاظت می کنند. دولت درین وظیفه او شان را یاری می نماید. بدون شک صاحب زکات در اخراج و ادای آن نقش بس بزرگ و اساسی دارد. او شرعاً مکلف است که باید وجیبه خود را به این ارتباط بداند و به خواسته ایمان و وجدان خود لبیک گوید، جمع آوران زکات را به منظور فرار از ادای این فریضه و نپرداختن آن فریب ندهند.

حدیث معاذ ﷺ حق و مسؤولیت دولت را راجع به جمع آوری زکات ثابت می سازد. پیامبر ﷺ به معاذ رهنمایی می کند که: (اگر ترا اطاعت کردند، آنانرا بفهمان که خداوند در اموال آنها زکات را فرض گردانیده است که از ثروتمندان گرفته شده، به فقیران داده

میشود). حق دولت در جمع آوری زکات یک امر ثابت و روشن است.

پیامبر ﷺ ابوبکر و عمر رضی الله عنهما زکات را جمع کردند. در عصر حاضر که انگیزه دینی نزد اکثر مردم ضعیف گردیده است، مردم در انجام این فریضه تنبلی و سستی می کنند، باید درین مورد به اصل رجوع شود، و ولی امر به جمع آوری و توزیع زکات به مستحقینش قیام نماید.

نتیجه

آنچه تا اینجا خوانده آمدیم، بوضوح تمام فوائد و اهمیت زکات در دین مقدس اسلام را دانستیم ابتداء پس از دانستن مفهوم زکات، قطعی بودن و رکن اساسی اسلام بودن زکات را تا جای بطور روشن با در نظر داشت دلائل آن وارد شدیم و همچنین خواندیم که اگر فردی در پرداخت آن بخل ورزد و یا بطور کامل پرداخت ننماید مستحق عذاب الهی خواهد شد. آیات و احادیثی شریفی را در این زمینه ارایه نمودیم.

ضمناً با بیان اینکه زکات از پایه های اساسی نظام مالی و اقتصاد اسلامی، و به مثابه ستون فقرات اقتصاد اسلامی می باشد. به این نکته اشاره نمودیم که زکات حقوق فقراء و مساکین و آنانکه اصناف مصارف آن اند می باشد که خداوند تبارک و تعالی بنده های غنی خویش را به پراخت آن مکلف نموده است.

سپس برخی فواید زکات در عرصه دینی، اجتماعی و اقتصادی را که در حدود چهل مورد مرتب نگاشته به محضر خوانندگان و شنوندگان تقدیم شد.

و اخیراً مسؤولیت مردم و دولت را در قبال این فریضه بیان نموده و با ذکر نمودن حدیثی مشهور سیدنا معاذ ﷺ که رسول الله وی را به عنوان والی به یمن فرستاده بحث را خاتمه بخشیدیم. (و بالله التوفیق و به نستعین)

منابع و مأخذ:

- ۱- بخاری، أبو عبد الله محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة البخاری، (المتوفى: ۲۵۶هـ) صحیح البخاری الناشر: دار الشعب - القاهرة الطبعه: الأولى، ۱۴۰۷، ج ۱ ص ۲۳۲. و النیسابوری، أبو الحسن مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری، صحیح مسلم، بیروت: دار الجلیل بیروت ج ۲ ص ۱۲۱.
- ۲- بخاری: ج ۵ ص ۲۱۰ و مسلم ج ۴ ص ۴۳.
- ۳- مسلم: ج ۵ ص ۱۴۰.
- ۴- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۴۷۴.
- ۵- بخاری و مسلم.
- ۶- الجامع الصحیح سنن الترمذی، محمد بن عیسی أبو عیسی الترمذی السلمي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت، ج ۳ ص ۲۳۲.



ارزش کار و جایگاه کارگر در اسلام

قسمت اول:

استاد امان وفا

﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا بِسِرِّي اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسِرُّهُمْ إِلَيَّ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيَنْشْكُرُوا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۱۰۵}

ترجمه: بگو: (هر چه می خواهید) انجام دهید (کار نیک باشد و یا بد) خداوند اعمال (ظاهر و باطن) شما را می بیند و آنها را به حساب شما می گیرد) و پیغمبر و مؤمنان اعمال (ظاهر) شما را می بینند و (به نسبت خوبی و بدی، با شما دوستی یا دشمنی می ورزند. این در دنیا، و اما) در آخرت به سوی خدا برگردانده می شوید که آگاه از پنهان و آشکار (همگان و دیدنی و نادیدنی جهان) است و شما را به آنچه انجام می دهید مطلع می سازد (و پاداش اعمال و اقوال شما را می دهد)^{۱۰۶}

در حدیث شریف آمده است که رسول خدا فرمودند: «اگر یکی از شما در درون صخره بی منفذی که نه دری دارد و نه روزنه ای، عملی انجام دهد، بی گمان خداوند عملش را - هر چه که باشد - برای مردم بیرون خواهد افگند». همچنین در حدیث شریف آمده است: «همانا اعمالتان بر اقارب و عشایر متوفایان عرضه می شود پس اگر اعمالتان خیر باشد، آنها به آن شادمان می شوند و اگر غیر از این باشد، می گویند: بارخدا! آنان را نمیران تا هدایت شان کنی چنان که ما را هدایت کردی»^۲

خداوند پاک می فرماید:

﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ﴾^{۶۱}

او شما را از زمین پدید آورد» یعنی: او

آفرینش شما را از زمین آغاز کرد زیرا تمام بشر از صلب آدم علیه السلام اند و او از زمین خلق شده است. ﴿وَاسْتَعْمَرَكُمْ﴾ یعنی: «او شما را آباد کنندگان زمین گردانید» که در آن خانه ها بنا نموده و درختان را غرس می کنید، از این آیات کریمه دانسته می شود که کار از جزو مسئولیت های انسان بوده بناءً اول کار را تعریف و بعد زیر عنوان کار به مزایا و ارزش کار از دیدگاه اسلام می پردازیم.

تعریف کار: کار عبارت از سعی و تلاش و هر عملی مطلوب و به کار گیری آگاهانه ای همه ی استعداد های مادی و معنوی و فیزیکی انسان جهت تحقق مقاصد و اهداف مشروع و بدست آوردن رزق و روزی حلال به خاطر امرار حیات در روی زمین است کار گفته می شود.^۳

و یا هرگونه تلاش یا فعالیت فیزیکی ای را که از طرف یک شخص انجام می شود، آنرا کار می گویند. اما از نظر علم فزیک، عبارت از عامل انجام کار و انسجام نیرو با قوت می باشد، و آن تنها در شرایط خاصی که عمل نیرو منجر به جابجایی جسم شود، کاری انجام می یابد.

انواع کار: به اساس یک طبقه بندی جامع و کامل بشری میتوان کار را به شش گروه تقسیم بندی نمود:

- ۱- کسب و کار خدماتی. ۲- کسب و کار تجارتي. ۳- کسب و کار تولیدی. ۴- کسب و کار مختلط و اشتراکی. ۵- کسب و کار

انترنتی و ماشینی ۶- کسب و کار خانگی.^۴ فعلاً بحث ما در مورد ارزش کار است.

ارزش کار از دیدگاه اسلام

اسلام، یگانه دینی است که کار و تحرک را می ستاید، زیرا منطق قرآن، منطق کار و تحرک است، کامیابی و موفقیت انسان را در گرو کار و عمل می داند؛ چه آن کاری که با عث کامیابی دنیوی و سرفرازی معنوی و یا اخروی میباشد؛ چنانچه خداوند متعال فرموده است:

﴿وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ﴾^{الجمعة: ۳۹ - ۴۱}

ترجمه: برای انسان نیست جز حاصل تلاش و کوشش (دست و عمل) اوست و نتیجه ی کوشش او به زودی دیده خواهد شد؛ سپس مزد و پاداش وی به طور کامل داده می شود. همچنان قرآن کریم ارزش کار را بیان میدارد: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ...﴾^{الجمعة: ۱۰}

ترجمه: چون نماز ادا (انجام) شد، در زمین پراکنده شوید و از فضل (و بخشش) رزق الله را (با تلاش و کار خویش) بجوید و...

"یعنی خداوند کریم از میان جمله مخلوقاتش انسان را اشرف المخلوقات (صاحب کرامت) آفرید و برایش دستور داد که مرا (الله را) عبادت کنید و بعد از انجام عبادت بروی زمین پراکنده و منتشر شده برای دریافت و پیدا نمودن رزق و



روزی حلال و پاکیزه را با کار و تلاش و آبله کف دست خود فراهم نمود حیات خود را تأمین ننماید.

جایگاه کار از منظر اسلام

اسلام کار را جزء عبادت و نوع جهاد در راه خداوند به شمار آورده به این سبب همواره پیامبر گرامی ما ﷺ مردم را به کار و فعالیت تشویق و ترغیب مینمود و از تگدی منع و باز می داشتند، چنانچه فرموده اند:

(لأن يأخذ احدهم اهله ثم يأتي الجبل، فيأتي يحزمة من حطب على زهره، فيبيعها، فكف الله بها وجهه، خيرا له من أن يستله الناس، اعطوه او منعه) «۵»

ترجمه: به خدا قسم اگر یکی از شما ریسمانش را برداشته و به کوه رفته و پشتاره ای از هیزم بر پشت خود آورده و بفروشد الله ﷻ به واسطه همین کارش آنرا عزت و وقار می بخشد و این کار بهتر است برایش از تگدی و دست دراز کردن به مردم که آیا چیزی برایش می دهند و یا منعش می کنند. پیامبر ﷺ از پیشه و عمل حضرت داوود ﷺ خبر می دهد:

(كان داوود عليه السلام لا يأكل الا من عمل يده) «۶» یعنی حضرت داوود ﷺ به جز از عمل کرد (مزد) دست خود (چیزی) نمی خورد او پیشه ی (یک نوع) آهنگری داشت. همچنان حضرت زکریا ﷺ نیز پیشه ی نجاری داشت و از عملکرد دست خود می خورد و امرار حیات می نمود. بناءً پیامبران ﷺ هر کدام پیشه و حرفه ای برای پیدا کردن رزق حلال داشتند و به این کار افتخار می کردند.

کار، در نظام ارزشی اسلام به عنوان راز آفرینش و نقطه ای کمال به نزد خدای لایزال ارزش به سزایی دارد، آدمی جوهر وجودی خویش را با سعی و تلاش می پیماید و ارزش حقیقی خود را در نهایت با کار و عمل خویش تعیین می کند.

چنانچه خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَجَعَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ رِزْقَهُمْ مِنْ طَيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾

الاسراء: ۷۰

ترجمه: و به راستی، ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب ها (کشتی و چهارپایان) نشانیدیم (قدرت و اختیار آنرا برای ایشان مساعد نمودیم) و از چیز های پاکیزه (خوردنی ها) به ایشان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود (سایر مخلوقات) برتری آشکار دادیم.

دین اسلام، انسان را ستوده است صاحب کرامت و حکمت دانسته تا باشد با حسن ابتکار و کار و کوشش خویش، به عمران و آبادانی زمین بپردازد و هم به اصل گوهر وجودی و کرامت خود در نتیجه اعمال به صورت واضح پی برده، برتری خود را در میان مخلوقات درک و به فلسفه عبادت و معرفت خالق یکتا مدلل آشنایی متکی با برهان حاصل می نماید.

چنانچه خداوند متعال در جای دیگری می فرماید:

﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...﴾

ترجمه: او (خداوند متعال در آغاز خلقت) شما را از زمین (خاک) آفرید (و استعمرکم) یعنی: «او شما را آباد کنندگان زمین گردانید» تا با کار مثبت، زمین راجای مسکن و زندگی برای رفاه و آسودگی خود بسازد. تا انسان با کارگیری حکمت سیر تکاملی خود را پیموده بر خلاقیت های وجودی پی برده کرامت وجودی خویش را در عرصه مبارزات برخاسته مادی انسانی تحصیل و آشکار سازد. حقیقت امر این است که عزت، کرامت، استقلال، تمدن و پیشرفت هر ملتی در گرو همت و تلاش و کار آن ملت است؛ برعکس عقب مانگی از جاده تمدن و کاروان با شکوه پیشرفت هر امتی، پیامد تنبلی و راحت طلبی و بیکاری اوست. و در حالیکه خداوند شب و روز را متفاوت بنابر حکمت قادر خیش خلق کرد چنانچه می فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا لَيْلٍ لِّیَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾

(و گردانیدیم شب را پوشش و لباس برای شما و گردانیدیم روز را برای کار و فعالیت و پیدا کردن رزق و روزی حلال، تا به واسطه کار در زمین حیات و زندگی

آبرومندانه داشته باشید).

رابطه کار و هستی شناسی:

نگرش انسان به کار، مساوی با نگرش وی به جهان هستی است؛ کسی که همه موجودات را منحصر در قلمرو ماده می داند و در بخش شناخت خود شناسی، راهی جز راه حس و تجربه را به رسمیت نمی شناسد. کار را در حد تولید مادی و مصرف مادی می پندارد؛ ولی آن کس که با فرهنگ قرآن آشناست، عالم وجود را منحصر به عالم ماده نمی داند طوریکه قرآن، هستی را به غیب (آخرت) و شهادت (دنیا) تقسیم کرده است. از این رو، شناخت آن نیز به این دو شعبه تقسیم می شود؛ چنانچه کار هم با این دو شعبه ارتباط دارد، بر این اساس، ذاتی که هستی و ما را آفرید و جهان هستی را در اختیار مقرر داد، فرد مسلمان جهان آخرت را فرا تر از امکان قدرت ماده می بیند، به ارزش کار نیز با دید وسیع تری نگاه می کند و با تقدس بخشیدن به آن از راه دید معنوی، عرصه های فعالیت خویش را گسترده تر می سازد.

میدان و عرصه کار:

میدان فعالیت تولید و کسب و کار، با چیرگی بر طبیعت و استخدام آن، وظیفه مستمر روزانه است. چنانچه خدای سبحان می فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾

ترجمه: و گردانیدیم (مقرر کردیم) روز را برای تحصیل معاش. بازمی فرماید:

﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا﴾

ترجمه: ترا ای پیامبر در روز برای طلب روزی، کوشش و فرصتی وسیع است. حوزه کار بشر، محدود به نقطه خاصی نیست؛ بلکه از اعماق دریا ها تا اوج آسمان ها و فراخانی خشکی و صحرا میدان کار و تلاش است.

خداوند سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ﴾

الملك: ۱۵

ترجمه: خداوند ذاتی است که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخانی اطراف و اکناف آن رهسپار شوید و از روزی او بخورید؛ و در جای دیگر باز می فرماید:

قدری است که تمام اشیاء و امور واقع در تحت قانون کار، مشمول آن است، خواه آن کار از نوع یاسنخ نقل و انتقال کارمادی باشد و خواه از سنخ کار معنوی.

۳- پایداری در کار:

خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر و مسلمانان را به استقامت و پایداری فرا میخواند،

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ ^{هود: ۱۱۲}
ترجمه: استقامت کن ای پیامبر چنانچه امر شده ای در کار هایت همراه کسانی که با تو هستند.

استقامت در کار، موجب می شود که کارگر سختی های مؤقت و محرومیت های مقطعی را نادیده بگیرد و برای رسیدن به هدف نهایی، کوشش همه جانبه داشته باشد چون با استفاده از گفته قرآن که استقامت موجب تقویت و آرایش دل و وسعت رزق است.

سوره فصلت آیه ۳۰، سوره جن آیه ۱۶.

هیچ گاه نباید راه علاج را بسته دید و چاره را منتهی تلقی کرد، زیرا جستجو و تکاپوی مداوم و کار و کوشش دایم و پیگیر، سر انجام مثمر ثمر و نتیجه بخش خواهد بود.

۴- اخلاص در کار:

گرچه لازمه کار، تقویت بنیه اقتصادی تأمین بنیه مالی و اقتصادی جامعه و قطع دست بیگانگان از میهن اسلامی و رسیدن به امنیت و استقلال است، لیکن در دستور های دینی توصیه شده است که انسان تنها به منظور اطاعت از فرمان خدا کار کند.

«کار و تلاش و پیدا کردن روزی حلال از اخلاص و آبله کف دست کار صادقانه بدست می آید و به حفظ عزت و آبروی خانواده افتخارات و سر بلندی می بخشد، زیرا بدست آوردن لقمه ی نان حلال و تناول از آن خداوند کریم برای چنین خانواده ای فرزندان حلالزاده و باتربیه و صالح اعطا می نماید.» اخلاص، صبغه عبادی کار را تقویت می



کند و با آن رنگ تقدس می بخشد و به منزله زینت کار و زیور عمل است.

۵- انتخاب شغل مناسب:

حرفه هرفردی، اثر مستقیم در اخلاق و رفتار وی دارد، کسی که به اثر طمع زر اندوزی، در انتخاب کار و شغل مناسب دقت نمی کند، پیش از هرکس دیگر به خود ضرر می رساند و شخصیت انسانی خود را درهم می شکنند.

باداشتن شغل نامشروع، نمیتوان روحیه نجیب و برجسته داشت و معضلی را حل کرد، شغل خوب و آبرومند گره از کار جامعه را می گشاید و نیز در تعالی روحی و اخلاقی انسان اثر مطلوب می گذارد.

اسلام، برخی شغل ها را واجب، بعضی را حرام، بخشی را مستحب و پاره ای از شغل ها را مکروه می داند. و یکی از حقوق فرزندان برپدر را انتخاب شغل مناسب برای فرزند می شمارد.

۶- اعمال هوشمندی تخصصانه در طلیعه کار:

ممکن است انسان متخصص حرفه ای را بپذیرد، لیکن در برخی از کار ها با توجه به تخصص خود غفلت کند.

لازم است، هرکاری از ورودی نقشه، معیار، الگو و اندازه بگذرد تا شاهین تخصص، جلو افزایش بیجا یا کاهش بی مورد کار را بگیرد، چنانچه که حضرت علی علیه السلام می فرماید: نخست اندازه بگیر، آنگاه برش کن، ابتدا بیاندیش، سپس بگو، اول روشن و آگاه شو، آنگاه کار کن:

" قدرثم اقطع و فکر ثم انطق و تبین ثم اعمل " ^{۱۰}
از این رهگذر معلوم میشود که چرا قرآن کریم بر جامعیت هر کار گذار نسبت به بینش علمی و تخصصی او از یک سو و گرایش عملی و تعهدی وی از سوی دیگر، اصرار دارد و در داستان صدارت و وزارت حضرت یوسف صدیق علیه السلام در تصدی شؤون اقتصادی منطقه وسیع مصر، در دوران خشک سالی و تورم اقتصادی، چنین می فرماید: ﴿ قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْهَا ﴾ ^{یوسف: ۵۵}
یعنی تصدی کار، نگهداری و تأمین اصول اقتصادی، مرهون تعهد عملی کار گزار است تا چیزی ضایع نشود و

نیز مدیون تخصص علمی اوست تا جاهلانه بودجه به هدر نرود. باید گفت: توجه به دو عنصر اصیل لازم است:

- ۱- تلاش در تولید و کوشش در عرضه کالای مورد نیاز جامعه، نه تلاش در مصرف.
- ۲- قناعت در مصرف، نه قناعت در تولید، زیرا تلاش در مصرف و قناعت در تولید پسندیده نیست.
- ۷- خلاقیت در کار :

گوهر کار، یا کار گوهرین، هماهنگی کامل بین سنت و صنعت و هم آوایی بین طبیعت و هنراست، خدای سبحان، همه مواد خام و لازم هرگونه ابتکار را در سفره سنت الهی قرار داده و زمینه هرگونه صنعت بدیع و هنر نو آوری را در نهان بشر نهاده کرده است تا اصل کار از سادگی صدف به پیچیدگی گوهر، بار یابد و از تکرار پرهیز شود و به سمت خلاقیت جهت گیری کند.

اصل حاکم برکار، تزیین مواد خام سنتی به چهره دلپذیر صفتی است که یکی را خداوند با دست طبیعت درخارج از ذهن فراهم نموده و دیگری را همان خداوند با دست صنعت در قلمرو اندیشه بشر، شکوفا کرده است تا تمام خواسته های انسانی، " از علم به عین آید و از گوش به آغوش "، چنین کار گوهرین را کیمیا گویند، پس، اصل کار باید به منزله دمیدن روح هنر در ماده به ظاهر بی روح طبیعت باشد تا صنایع آدمیان، تبلوری از حیات هنر و تجلی زنده بودن و زنده شدن باشد.

ادامه دارد...

مآخذ:

- ۱- تفسیر نور.
- ۲- تفسیر انوار القرآن.
- ۳- نویسنده.
- ۴- سایت انترتنی.
- ۵- رواه البخاری.
- ۶- رواه البخاری.
- ۷- بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۱۰.
- ۸- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۴۳.
- ۹- همان، ج ۶، ص ۲۲۰.
- ۱۰- شرح غورالحکم ج ۴، ص ۵۰۶.

د ارشاد، حج او اوقافو وزارت سرپرست وزیر محمد قاسم حلیمي ژوند لیک ته لنډه کتنه

محمد قاسم حلیمي په ۱۳۵۲ هـ ل کال د لوگر ولایت د خروار ولسوالۍ په یوه متدینه، مذهبي او روښانفکره کورنۍ کې دې نړۍ ته سترگې پرانستې دي. د ژوند لومړۍ شېبې او ورځې یې په لوگر ولایت کې تېرې کړي دي، لومړنۍ زده کړې یې د پاکستان په افغاني لېسه کې ترسره کړي، ثانوی زده کړې یې په ۱۹۹۴ میلادي کال د الازهر په پوهنتون کې ترسره کړې دي.

لوړې زده کړې:

۱. دمصر هېواد له الازهر پوهنتون څخه یې د شرعیاتو او حقوقو په برخه کې د لیسانس سند ترلاسه کړی دی.
۲. د ماسټري زده کړې یې دمصر د قاهرې په پوهنتون کې جريان لري.

کاری تجربه:

- ✓ د بهرنیو چارو په وزارت کې د تدقیق او مطالعاتو مدیر.
- ✓ په مزار شریف کې د بهرنیو چارو د وزارت د استازولۍ رئیس.
- ✓ د بهرنیو چارو د وزارت د تشریفاتو د ریاست مرستیال.
- ✓ د سترې محکمې د قضایې تفتیش عمومي رئیس.
- ✓ د سترې محکمې د قضایې تفتیش او کنترول عمومي رئیس.
- ✓ د سترې محکمې د مالي او اداري چارو عمومي رئیس.
- ✓ د قضایې ستاژ استاد.
- ✓ د پوهنې وزارت ستر سلاکار.
- ✓ سولې د عالي شورا سیاسي سلاکار.
- ✓ د آسیا بنسټ د موسسې حقوقي سلاکار.
- ✓ د افغانستان د علماؤ د سرتاسري شورا غړی او ویاند.
- ✓ د اصلاح قباء بنسټ رئیس.
- ✓ د ۱.۱ ج دولت د ملي امنیت شورا د دیني چارو رئیس او د سولې دعايي شورا غړی.

ستاینلیکونه:

- ❖ د تفتیش د ریاست پرمهال یو لومړی درجه او دوه دویمه درجه ستاینلیکونه.
- ❖ د سترې محکمې د مالي او اداري ریاست پرمهال لومړی درجه ستاینلیک او دویمه درجه ستاینلیک.
- ❖ د افغانستان د جمهوري ریاست د عالي مقام له لوري له اداري فساد سره د مبارزې او په مالي او اداري چارو کې د میر مسجدی خان عالي دولتي مډال.
- ❖ د آسیا فونډېشن له لوري یو نړیوال ستاینلیک.

له ملي او نړیوالو ژبو سره بلدتیا:

پښتو، دري، عربي او انګلیسي.

د ۱۳۹۹ هـ ل کال د زمري میاشتې په ۲۵ مه نېټه د ولسمشر محمد اشرف غني د حکم په اساس د جمهوري ریاست د دویم مرستیال قانونپوه محمد سرور دانش له لوري د ارشاد، حج او اوقافو وزارت د سرپرست او نوماند وزیر په توګه رسماً ددې وزارت کارکوونکو ته وروپېژندل شو.





کارکردها و گزارش ها

خبرنگار: حاجی توکل بخشی

دیدارهای سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ملاقات با رئیس کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی

محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف با احمد نادر نادری، ریس کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی در باره به میان آوردن اصلاحات، امور مربوط به وظایف و برخی از مسایل دیگر منابع بشری وزارت ارشاد، حج و اوقاف از مواردی بود که هر دو طرف در دفتر کارش دیدار و تبادل نظر نمودند.

دیدار با علمای اهل تشیع

علمای اهل تشیع کشور طی دیداری با محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف سمت جدید شان را در حالی تبریک گفتند که شماری از هیات رهبری آن وزارت نیز حضور داشتند.

حجت الاسلام عبدالقدیر عالمی به نمایندگی از دیگران سخنرانی نموده، گفت: سیاس از مقام عالی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان که شخصیت توانا و عالم دین را منحیث خدمتگار علمای کشور در این پست مهم و در این شرایط حساس گماشته است، از صمیم قلب این مقام جلیله را به جناب حلیمی صاحب مبارک باد عرض میداریم و از خداوند منان توفیقات مزید را در راه خدمت گذاری به دین مقدس اسلام برای وی خواهانیم.

او افزود: ما علما و استادان مدارس وعده می سپاریم که مطابق هدایات و رهنمود های جناب محترم در امر خدمت رسانی به علما و حجاج کشور کوتاهی نخواهیم کرد.

در فرجام علمای کرام با اهدای چپن عزت و مسؤولیت به جناب محمد قاسم حلیمی اخلاص نیت خویش را نسبت به وی ابراز نمودند.

دیدار علمای مصر مقیم کابل

علماء و اساتید مصر مقیم کابل امروز با محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف در مقر این وزارت ملاقات نمودند. در نخست سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف ضمن صحبتی حضور علمای کشور مصر را خیر مقدم گفته از همکاری های آن کشور در عرصه های مختلف خصوصاً در بخش تعلیم و تربیه دینی فرزندان این خطه ابراز قدردانی نمود.

بعداً اساتید مصر ضمن عرض تبریکی به سرپرست این وزارت همکاری خویش را در بخش تدریس ائمه، ترویج برنامه های اعتدال گرایی و وسطیت با این وزارت اعلان نمودند.

ملاقات با سرپرست وزارت عدلیه

در این دیدار سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف ضمن عرض خوش آمدید روی موارد ذی علاقه بحث و گفتگو نمودند بعداً آقای معنوی ضمن تبریکی موقف جدید مولوی محمد قاسم حلیمی، موفقیت های مزید را برایشان استدعا نمودند.

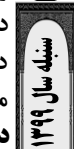
دیدار با سرپرست وزارت معارف

محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف با خانم رنگینه حمیدی سرپرست وزارت معارف در دفتر کارش ملاقات نمود. نخست سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف ضمن عرض خوش آمدید روی هماهنگی بیشتر راجع به بهبود امور علما و مدارس دینی بین دو وزارت تاکید نمود، بعداً سرپرست وزارت معارف ضمن صحبتی موقف جدید محمد قاسم حلیمی را به عنوان نامزد وزیر و سرپرست این وزارت تبریک و تهنیت عرض نموده همکاری خویش را در عرصه های مختلف تعلیمی و تحصیلی با این وزارت وعده نمود.

در ادامه دو جانب ضمن تعهد همکاری برای بهبود امور علمای کشور روی چار محور ذیل صحبت نمودند: نقش و جایگاه مساجد در خصوص تعلیم و تربیه اطفال مکاتب، همکاری لازم در راستای ارزیابی اسناد علمای کرام، نصاب مدارس دینی، هماهنگی و مساعی مشترک میان وزارت ارشاد، حج و اوقاف و وزارت معارف در سطح مرکز و ولایات.

دیدار با علما و بزرگان شورای مشرقی

در این دیدار نخست محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف تشریف آوری علمای کرام زون مشرقی را خیر مقدم گفته، نقش علمای کرام را در جهت تنویر افکار عامه غیر قابل انکار دانسته و افزود: این وزارت مصمم است، تا با همکاری ارگان های ذیربط در راستای بهبود امور مساجد و بسیج علمای کرام گام های اساسی را بر دارد.



علماء و بزرگان شورای مشرقی ضمن عرض تبریکی به محمد قاسم حلیمی انتخاب وی را به این پست به جا و شایسته عنوان کرده و در راستای تکمیل برنامه های کاری این وزارت وعده همکاری سپردند.

دیدار با رئیس عمومی احصائیه و معلومات

طی این دیدار نخست محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف تشریف آوری احمد جاوید رسولی رئیس عمومی ریاست احصائیه و معلومات را خیر مقدم گفته خواهان همکاری های بیشتر آن ریاست گردید.

سپس رئیس عمومی ریاست احصائیه و معلومات موقف جدید محمد قاسم حلیمی را تبریک و تهنیت گفته دو جانب روی راه اندازی سیستم جدید برای سهولت هرچه بیشتر احصائیه دقیق مساجد، تثبیت مساجد رسمی و غیر رسمی تثبیت موقعیت و مکان آنها و استفاده مساجد منحنیت مراکز تدریب و آموزش های دینی بحث و گفتگو نمودند.

در رابطه تفاهمنامه نیز در آینده نزدیک بین این وزارت و ریاست عمومی احصائیه و معلومات عقد خواهد گردید.

دیدار با مشاور ارشد رئیس جمهور در امور مردمی و اجتماعی

در این دیدار نخست محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف تشریف آوری محمد رسول طالب مشاور رئیس جمهور در امور مردمی و اجتماعی را خیر مقدم گفته و پیرامون نقش علماء در پروسه صلح مفصلاً صحبت نمود.

بعداً مشاور رئیس جمهور ضمن تبریکی موقف جدی حلیمی صاحب در رابطه به موضوعات صلح و چگونگی بهبود امور علمای کرام و مساجد بحث و گفتگو نمودند.

دیدار با رئیس اطاق های تجارت

سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف با رئیس و اعضای اطاق های تجارت در دفتر کار شان دیدار و پیرامون موضوعات ذی علاقه بحث و گفتگو نمودند.

دیدار با اعضای کمیسیون اقوام زون جنوب شرق

محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف با اعضای کمیسیون اقوام زون جنوب شرق در تالار وزارت ارشاد، حج و اوقاف ملاقات نمودند. طی این دیدار ضمن معرفت اعضای کمیسیون در رابطه به اوضاع جاری کشور خصوصاً پیرامون صلح و نقش اقوام و علمای کرام بحث و گفتگو گردید.

دیدار با رئیس عقیدتی و فرهنگی وزارت دفاع ملی

رئیس عمومی عقیدتی و فرهنگی وزارت دفاع ملی با محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف درمقراین وزارت دیدارنمود. در این دیدار که رئیس مجمع علمی این وزارت نیز حاضر بود رئیس عقیدتی و فرهنگی وزارت دفاع ملی ضمن قدردانی از همکاری های دوامدار علمای کرام خواهان توجه بیشتر از سوی این وزارت در بخش های ارشادی، نصاب تدریسی، تدوین برنامه های دینی و تعلیمی برای قطعات و جزو تام ها گردید.

سپس سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف از کارکرد ها و فدا کاری های اردوی ملی و نیرو های امنیتی کشور قدردانی نموده همکاری همه جانبه این وزارت را در بخش های نامبرده وعده نمود.

دیدار با رئیس عمومی امنیت ملی

احمد ضیا سراج سرپرست ریاست عمومی امنیت ملی کشور با محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف در مقر این وزارت دیدار نموده ضمن این دیدار موقف جدید آقای حلیمی را تبریک و تهنیت گفت.

در این دیدار دو طرف روی مسایل تامین امنیت بیشتر مساجد، علما و اماکن مقدسه بحث و گفتگو نمودند.

دیدار با مسولین شرکت های سیاحتی

محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف با مسولین شرکت های زیارتی و سیاحتی در مقر این وزارت ملاقات نمود.

در این دیدار چند تن به نمایندگی از سایرین صحبت نموده ضمن عرض تبریکی به سرپرست این وزارت اظهار نمودند که ایام قرنطین ویروس کرونا بیشترین ضربه اقتصادی را به این شرکت ها وارد ساخته است ایشان افزودند ما از رهبری وزارت ارشاد، حج و اوقاف خواهان همکاری و توجه بیشتر برای بهبود شرکت های زیارتی می باشیم.

سپس سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف صحبت نموده و تشریف آوری مسولین شرکت ها را خیر مقدم گفته به ادامه آن بیان داشت رهبری این وزارت در رابطه به شرکت های زیارتی برنامه های جدید را روی دست دارد و در آینده نزدیک با شما جلسات را خواهیم داشت.

اشتراک در همایش بزرگ سالانه علمای تبلیغی

همایش بزرگ در مدرسه ملاتره خیل به حضور داشت بیش از ۲۵ هزار تن از جماعت تبلیغی در شهر کابل راه اندازی گردیده که در آن محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف نیز به نمایندگی از وزارت ارشاد، حج و اوقاف و دولت جمهوری اسلامی افغانستان اشتراک نموده بودند.

در این محفل شاندار سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف اصالتاً از جناب خود و وکالتاً از جانب جلالتمآب رئیس جمهور حضور علمای کرام و هواداران اهل جماعت و تبلیغ را خیر مقدم گفته و راجع به هویت و ارزش های دین اسلامی نیز روشنی انداخته و به ایشان تفهیم نموده وزارت ارشاد، حج و اوقاف در خدمت علمای کرام قرار دارد.

در ختم محفل نماز عصر به امامت محمد قاسم حلیمی سرپرست این وزارت ادا گردید.



راه اندازی کنفرانس ویدیویی با ۱۵ کشور اسلامی در رابطه به جایگاه اطفال

این کنفرانس که توسط سازمان فارغین پوهنتون الازهر تنظیم و راه اندازی گردیده بود، در آن سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف با نماینده های اکادمیک بیش از ۱۵ کشور اسلامی در رابطه به (جایگاه اطفال از منظر شریعت اسلامی روی دست گرفتن برنامه های موثر آموزشی قبل از اینکه جذب و مورد استفاده گروه های افراطی قرار گیرند) بحث و گفتگو نمودند.

در این کنفرانس ابتدا دکتر صالح عباس معاون جامعه الازهر صحبت نموده، راه های استفاده و جذب اطفال توسط گروه های افراطی را بیان نمود. سپس محمد قاسم حلیمی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف در رابطه به موضوع مفصلاً معلومات ارایه نموده و راه های بازداری از به دام افتیدن اطفال توسط گروه های افراطی را برجسته ساخت، وی دلایل و انگیزه ی رو آوردن اطفال به جنگ و پیوستن آنها به گروه های مافیایی و افراطی را چنین بیان داشت:

۱. عدم توجه به خواسته های اطفال و عدم مسولیت پذیری عده ای از والدین در قبال آنها.
۲. عدم زمینه سازی آموزش های اولیه برای اطفال.
۳. دسترسی اطفال به سریال ها و فلم های اغواکننده.
۴. دسترسی اطفال به شنیدنی های اغوا کننده.
۵. اقتصاد ضعیف خانواده ها.
۶. دسترسی اطفال به گیم ها و سرگرمی های منحرف کننده.
۷. مکان های ناسالم آموزشی و کار های شاقه که از توان آنها خارج است را به عنوان دلایل تمایل و جذب اطفال توسط گروه های جنگجو می توان دانست.

محترم حلیمی در رابطه به جلوگیری از پیوستن اطفال به جنگ و درگیری های مسلحانه راه حل های ذیل را پیشنهاد نمود:

۱. **ادای مسولیت والدین در قبال اطفال:** با در نظر داشت آموزه های اسلام بیشترین مسولیت در قبال کودک، بردوش والدین است که به آن (حق الولد علی الوالد) می گویند، زیرا کودک، برکت خانه و نعمت و حسنه ای است که خداوند به پدر و مادر ارزانی کرده است. از این رو، قدر و جایگاه آن را باید والدین در نظر گرفته به تربیت سالم آن توجه جدی را مبذول دارند تا به سبب غفلت و بی توجه والدین اطفال معصوم در دام گروه های مسلح قرار نگیرند.

۲. **جلوگیری از سوی استفاده کودکان:** در آموزه های اسلامی، همه کودکان به شمول دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند، همگان از اعمال هر گونه خشونت و بی رحمی در حق آنان باز داشته شده اند و به حقوق اطفال احترام گردد تا آنان با هر بهانه کوچکی از جمله رهایی از فقر و هزینه زندگی، مورد دست برد و استفاده سو توسط گروه های طبه کار قرار نگیرند.

۳. **رسیدگی به خواست های کودکان:** اسلام با در نظر گرفتن همه نیاز های اولیه جسمی، روحی و روانی کودکان و دفاع از آنان، زمینه را برای رشد و پیشرفت کودکان در همه جوانب فراهم آورده است که باید به آن توجه گردد.

۴. **تامین خوراک و تغذیه مناسب برای کودک:** بهره مندی از تغذیه و خوراک مناسب، از حقوق مسلم کودک و برطرف کننده نیاز جسمی اوست که در مرحله اول این حقوق بردوش والدین آنها میباشد، در صورتی که والدین توانایی تامین مواد غذایی مناسب را نداشته باشند، این وظیفه دینی حکومت و افراد جامعه است که نیاز های غذایی آنان را تامین کنند.

۵. **زمینه سازی برای تحصیل:** فراگیری دانش یک فریضه است، همچنان با توجه به مقوله معروف از گهواره تا گور دانش بجویند آموختن دانش (خواندان و نوشتن) از جمله حقوق فرزندان بر والدین میباشد، والدین باید در ابتدای زندگی، آنها را به سلاح دانش مسلح کنند تا به وسیله آن بر مشکلات آینده چیره شوند و این کوچکترین وظیفه ای است که از والدین انتظار میرود. همچنان در افغانستان تعلیم و تربیه وظیفه حکومت بوده از صنوف ابتدایی الی تحصیلات عالی به طور مجانی زمینه سازی گردیده است.

۶. **حق تفریح و بازی:** در واقع، در مراحل نخستین زندگی، نباید از کودکان انتظار داشت که دنیای سرشار از شادی و نشاط خود را با

۷. **دنیای بزرگتر ها مقایسه کنند، بلکه باید آنها را در بازی و تفریح آزاد گذاشت تا به تندرستی و سلامتی آنها آسیب وارد نشود.** باید در بازی های کودکان نیز آنها را یاری نمود.

۸. **پرهیز از اعمال خشونت جسمی و روحی به کودک:** خشونت جسمی و روحی، یکی از عوامل تخریب شخصیت کودکان است. در دین اسلام نیز به این موضوع مهم توجه جدی شده است، اگر تنبیه برای تربیت کودک انجام میگیرد، بهتر آن است که این تنبیه، تنبیه بدنی نباشد، بلکه از عواطف کودک استفاده شود، چرا که تنبیه بدنی، زمینه ساز مشکلات روحی و عاطفی فراوانی همچون سرخوردگی و تخریب شخصیت کودکان میشود، و به راحتی گروه های تندر و از این وضعیت کودک سوی استفاده می نمایند.

۹. **احترام به مقام کودک:** کودکان مانند هر انسان دیگری دوست دارند، محبوب واقع شوند و به شخصیت آن ها احترام گذارده شود، زمانی که مورد بی مهری خانواده قرار می گیرند، در جستجوی مکان مناسب غیر از خانواده خویش میگردند و بلاخره در دام افیون مافیایی گیر می آیند.

در ادامه دکتر محمد المحر صاوی رئیس پوهنتون الازهر ضمن استقبال از نظریات آقای حلیمی در رابطه به زوایای مختلف موضوع روشنی انداخت.

نمایندگان کشورهای کینیا، کامیرون، کردستان، پاکستان، اندونیزیا، نیجریا، سوریه، بنین، سومالیا، کوت دیفوار، سنگال، مالیزیایا، نیجر، یمن و لیبیا به نوبه پیرامون موضوع صحبت نموده و هر کدام برنامه ها و پیشنهادات را مطرح نمودند.



دیدار معین اداری و مالی از انستیتوت تدریب ائمه

استاد تاج محمد مجاهد معین اداری و مالی وزارت ارشاد، حج و اوقاف با رئیس تعلیمات علوم دینی و تدریب ائمه، مسوولین ریاست پالیسی و انستیتوت های معهد عالی قرائت و تدریب ائمه از جریان کار ساختمانی تعمیر انستیتوت تدریب ائمه دیدن به عمل آوردند. ضمن این دیدار معین اداری و مالی در رابطه به تسریع روند کاری و کیفیت مواد ساختمانی هدايات لازم را به انجینیران مربوطه سپرد.

سیمینار یک روزه تحت عنوان حق میراث و مهر زنان

به سلسله تدویر سیمینار های یک روزه برای ۲۵ تن کارمندان اناث و ذکور این وزارت تحت عنوان (حق، میراث و مهر) از جانب آمریت جندر دایر گردید.

در این برنامه آموزشی موضوع میراث و مهریه توسط نقیب الله اثری مشاور این وزارت به مشترکین تفهیم گردید و شاملین سیمینار پیرامون موضوع سوالاتی را با استاد شریک ساخته و پاسخ دریافت نمودند.

شکریه سلیمان خیل آمر جندر پریزنتیشن را که در مورد میکانیزم منع آزار و اذیت ترتیب گردیده بود برای اشتراک کننده گان ارایه نمود، متعاقباً نیلوفر نوشاد پیرامون فورم سروس نظارتی بمنظور دریافت مشکلات و نیاز های کارمندان جهت داد خواهی برای طبقه اناث معلومات ارایه نمودند. مجلس با دعای خیر به پایان رسید.

معرفی معین پالیسی و پلان وزارت ارشاد، حج و اوقاف

۱۹ سنبله ۱۳۹۹: طی محفلی با اشتراک محمد قاسم حلیمی وزیر ارشاد، حج و اوقاف، دکتور امین الدین مظفری معین مسلکی، هیئت رهبری وزارت و مدعویین سایر ادارات، محمد عثمان طارق به حیث معین پالیسی و پلان برای کارمندان این وزارت معرفی گردید، که در این محفل: نخست آیاتی چند از کلام الله مجید توسط شیخ القراء و المجودین استاد برکت الله سلیم قرائت گردید، سپس محمد قاسم حلیمی پیرامون انتصاب، استخدام و پیشبرد موافق حکومتی از دیدگاه اسلام روشنی انداخته و همچنان در مورد شخصیت علمی محمد عثمان طارق توضیحات داده گفت: محمد عثمان طارق تعلیمات ابتدایی و ثانوی را در ولایت بلخ و ماستری خویش را در بخش حکومت داری خوب از کشور بریتانیا و علوم دینی و حفظ قرآن عظیم الشان را در پاکستان، مصر و داخل کشور فرا گرفته است، در موسسات ملی و بین المللی و ادارات مختلف ایفای وظیفه نموده است، و با احراز این پست در راستای انکشاف و پیشرفت این وزارت موثر قرار خواهد گرفت.

بعداً محمد عثمان طارق معین جدید التقرر پالیسی ضمن صحبتی از جلالتماب رئیس جمهور و محمد قاسم حلیمی در رابطه به تعیین شان به این مقام سپاس گزاری و قدردانی نموده، تعهد سپرد که به همکاری و تفاهم هیئت رهبری وزارت برای پیشرفت و بهبود امور کاری با طرح و برنامه ریزی مدبرانه این وزارت را در ردیف وزارت های کارا و برجسته دولت قرار خواهیم داد.

دالازهر شریف لوی امام د محترم محمد قاسم حلیمی د ټاکل کیدو په تړاو د مبارکۍ پیغام

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت د ارشاد، حج او اوقافو محترم وزیر ته!

السلام الله علیکم ورحمته وبرکاته.

د الازهر پوهنتون لوی رئیس ښاغلی شیخ احمد الطیب او د الازهر پوهنتون فارغانو نړیوال سازمان د اداری رهبری هیات تاسو ښاغلی ته د افغانستان د اسلامی جمهوری دولت د ارشاد، حج او اوقافو وزارت سرپرستی او مشری مبارکي وړاندې کوی.

موږ په دی باور یو، چی دغه مقام ته رسیدل یوازی ستاسو د هغو هڅو پایله ده، چی د اسلام له مبین دین څخه سم فهم او د هغه د منځ لاری او اعتدال د زده کړی په لاره کی مو ترسره کړی دی. همدا رنگه ددی مقام د مبارکي ترڅنگ د یادولو وړ ده، چی دا ډول منصبونه د لوړ همت لرونکو خلکو مکلفیت دی او موږ پرتاسی ددی مکلفیت د ښه اداء کولو ډاډ او باور لرو.

په پای کی له الله تعالی جل جلاله څخه غواړو څو ستاسو قدمونه په مستقیمه لاره کی ثابت او ددی امانت د اداء کولو په هکله درته پوره توفیق او مرسته په برخه کړی. زموږ د احترام لوړ مراتب قبول کړی.

ورکشاپ آموزشی روش تحقیق برگزار شد

ورکشاپ آموزشی (روش تحقیق) از طرف ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی به مدت یک هفته غرض ارتقای ظرفیت کارمندان این ریاست از ساعت ۹ الی ۱۰ قبل از ظهر در کتابخانه ریاست اطلاعات و ارتباط عامه تدویر یافت.

ابتدا آیات چند از کلام الله مجید قرائت گردید. بعداً استاد محمد شریف رباطی رئیس تدقیق و مطالعات علوم اسلامی و ترینر ورکشاپ صحبت نموده ضمن خوش آمدید به کارمندان و حاضرین، ورکشاپ (روش تحقیق) را یکی از بخش های مهم در امر تالیف و ترجمه کتب دانسته، از شرکت کنندگان خواست در امر فراگیری این فن بکوشند.

آقای رباطی به ادامه سخنان شان تدویر همچو ورکشاپ ها و سیمینار ها را در راستای ارتقای مسلکی کارمندان بسیار مهم و ارزنده خواند.

قابل تذکر است که جریان تدریس ورکشاپ توسط استاد محمد شریف رباطی رئیس تدقیق و مطالعات علوم اسلامی و استاد فرید الله ازهری به پیشبرده میشود.

سنگ تهداب یک محراب مسجد در ولسوالی گلدره گذاشته شد

محمد یعقوب حیدری والی کابل همراه با استاد نجیب الله عمری سرپرست ریاست ارشاد، حج و اوقاف و شماری از مسوولان سکتوری ولایت کابل سنگ تهداب یک محراب مسجد را در قریه ده عرب ها ولسوالی گلدره ولایت کابل گذاشتند.



این مسجد که بنام اصحاب کرام مسمما شده، قرار است در مدت زمان چهار ماه به هزینه ده میلیون و شش صد هزار افغانی از بودجه ملی ساخته شود این مسجد از جمله ۳۷۷ مسجدی است که در تمام ولسوالی های کشور ساخته می شود.

پیام وزارت به مناسبت سال جدید ۱۴۴۲ هجری قمری

رهبری و منسوبین وزارت ارشاد، حج و اوقاف اصالتاً از جانب خود و وکالتاً به نمایندگی از علمای دین، امامان و خطبای مساجد و حسینیه کشور فرا رسیدن سال جدید ۱۴۴۲ هجری قمری را به جلالتمآب رئیس جمهور، مقامات عالی رهبری دولت جمهوری اسلامی افغانستان، رئیس و اعضای محترم شورای عالی مصالحه، قاضی القضاات و اعضای محترم ستره محکمه، روسا و وکلای مجلسین (ولسی جرگه و مشرانو جرگه)، اعضای محترم کابینه، روسای محترم واحد های بودجوی، کمیسیون های مستقل، منسوبین نیروهای دفاعی، کشفی و امنیتی، ملت مسلمان متدین افغانستان، کشورهای اسلامی و کافه مسلمانان جهان تبریک و تهنیت گفته، در این سال برای ملت مظلوم افغانستان تامین صلح دایمی، امنیت سرتاسری، اتحاد و همدلی، قطع جنگ و خونریزی، اشتغالزایی و کاریابی، خیر و برکت را از بارگاه الله متعال جل جلاله مسئلت نموده و برای تمام مسلمانان جهان آرزوی آرامش و سعادت می نمایم.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت پنجشیر

- اشتراک رئیس این ریاست در جلسه شورای علمای ولسوالی عنابه.
- اشتراک رئیس این ریاست در جلسه اضطراری جلوگیری از شیوع مرض کرونا به ریاست محترم انجینیر کمال الدین نظامی والی این ولایت، رؤسا و ولسوالان در مقام محترم ولایت برگزار شده بود.
- اشتراک رئیس این ریاست در محفل مسابقه سیرت النبی که در ولسوالی رخه از طرف جوانان برگزار شده بود و اعطای تقدیر نامه و تفسیر قرآن کریم برای برندگان مسابقه اهدا گردید.
- تدویر جلسه اداری این ریاست که موضوعات مهم اداری و فعالیت های مرتبط به سال مالی ۱۳۹۹ بود ارایه شد.
- امتحان (۱۸) بست امامان مساجدی که جدیداً رسمی شده بود اخذ گردید.

برنامه ارشاد:

- آمر ارشاد و مدیر احتساب بحیث نماینده اداره و مسول ترینر آگاهی دهی هفتگانه به شمول مرکز معرفی شد.
- ترتیب موضوع خطبه پیرامون آگاهی دهی از راه های پیشگیری و وقایه از ویروس کرونا از طریق خطبا برای مردم و توجه به حفظ صحت شان ارایه گردید.

مدیریت عمومی اطلاعات:

مدیریت اطلاعات و ارتباط عامه طبق هدایت ریاست به صورت دوامدار با کمیته ارشاد در قسمت ترتیب و تصحیح خطبه های روز جمعه و امر به معروف و نهی از منکر همکاری همه جانبه داشته اند.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت هرات

امامان و خطبای مساجد ولسوالی انجیل که تعداد بالغ به (۲۰۰) نفر بود به مناسبت شهادت علمای که اخیراً توسط دشمنان این سرزمین جام شهادت نوشیدند و همچنان عده ای دیگر از شهروندان که به علت کرونا فوت نموده اند ریاست ارشاد، حج و اوقاف تجمع علماء را فرصت دانسته و محترم استاد عبدالخالق (حقانی) در ارتباط به وحدت همبستگی علماء تاکید داشته اند و همچنان تذکر داده اند که شهروندان را از خطرات مرض کرونا متوجه ساخته چرا که عبادت بدون صحت و تندرستی به طور صحیح امکان پذیر نمیباشد و در اخیر علماء از دولت مطالبه نموده اند که به امنیت علما توجه صورت گیرد و جلسه ساعت ۳:۱۱ به دعاییه خیر و فلاح خاتمه یافت.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت بلخ

مدیریت عمومی اوقاف و عشر و زکات این ریاست توانسته که در ربع دوم سال مالی ۱۳۹۹ برویت قطعه آویز بانکی که جمعاً مبلغ (۱۶۴۷۵۴) افغانی از بابت باقیات سال مالی ۱۳۹۸ عواید ملکیت های وقفی مارکیت لیلای فروشی و ولسوالی خلم و در برج سلطان سال مالی ۱۳۹۹ برویت (۱۶) قطعه آویز بانکی که جمعاً مبلغ (۴۶۰۶۷۸) افغانی از بابت باقیات سال ۱۳۹۸ عواید ملکیت های وقفی مارکیت لیلای فروشی، ولسوالی دهدادی، ولسوالی بلخ و ولسوالی خلم را بدست آورده که توسط مستاجرین تحویل بانک و به مرکز انتقال گردیده است.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت میدان وردک

برنامه ارشادی:

الف: مدیریت عمومی مساجد و حسینیه ها:

- برای تعداد (۴۰۱) نفر علمای کرام ورکشاپ آگاهی دهی وقایه ویروس کرونا و تطبیق واکسین پولیو به مدت (۱۰) روز با همکاری موسسه (OCCD) موفقانه دایر گردیده است.
- به تعداد (۱۰) مساجد از طرف کمیته محو ویروس کرونا به همکاری این ریاست دواپاشی گردیده است.
- تعداد (۱۵) عدد دست شویی، ابدان، سه پایه، پمپ دواپاشی معه صابون و پودر ضد عفونی که از طریق وزارت محترم کار و امور اجتماعی با همکاری موسسه یونسف به این اداره ارسال گردیده بود به مساجد مورد نیاز توزیع شده است.
- به تعداد (۶) جلسه با ریاست های محترم صحت عامه، محیط زیست، مبارزه علیه مواد مخدر امور زنان و کار امور اجتماعی



تدویر گردیده است و بالای موضوعاتی از قبیل رعایت نظافت و وقایه از ویروس کرونا، اهمیت زنان در برابر تعلیم و تربیه اطفال، توضیح اضرار مواد مخدر و غیره به امامان وظیفه سپرده شده که در مورد وعظ و تبلیغ نمایند.

- پوستر ها و بنرهای که در رابطه به شیوع مرض کرونا از دیدگاه دین مبین اسلام و فتوای شرعی که در رابطه به مرض کوید ۱۹ از طرف مقام محترم وزارت ارسال گردیده بود نصب و به دوکانداران بازار توزیع گردیده و فتوا به ملا امامان توزیع شده است.

مدیریت عمومی احتساب:

- بیان اضرار مخدر در جلسات با علمای کرام.
- بیان حقوق زنان از دیدگاه دین مبین اسلام و آگاهی دهی مرض کرونا از طریق رادیو غراف ایم.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت کندز

برنامه ارشادی:

- ترتیب، چاپ و نصب یک تخته بنر به سائز بزرگ جهت آگاه دهی مردم در مورد ویروس کرونا و قرنطین در مرکز شهر نصب گردید.
- نصب دو تخته بنر به سائزهای مختلف ارسالی مقام محترم وزارت جلیله ارشاد، حج و اوقاف در مورد ویروس کرونا.
- توزیع (۲۰۰۰) رساله فتوای شرعی علمای کرام و تعداد (۳۰۰۰) ورق رهنمود در مورد جلوگیری از مصاب شدن و انتقال ویروس کرونا در نواحی شهر، مساجد مرکز و ولسوالی ها.
- خریداری ۲۲۶ متر فرش موکت ایرانی و توزیع آن به مساجد.
- خریداری ۹۰ متر قالین جای نمازی و توزیع آن به مسجد جامع سلمان فارسی (رض).
- هماهنگی با ریاست محترم صحت عامه در زمینه دواپاشی مساجد جامع و بزرگ نواحی شهر کندز.
- سازماندهی و برگزاری تعداد (۱۵) جلسه تحت نام های (ویروس کرونا، قرنطین شهر، شیوه های جلوگیری از انتشار ویروس کرونا، نحوه انتقال ویروس کرونا، مراعات نمودن حفظ الصحه، فاصله ها در وقت ادای پنجگانه و جمعه و عملی نمودن توصیه های وزارت محترم صحت عامه، با اشتراک خطباء و امامان، وکلای گذر، ریاست صحت عامه، مقام محترم ولایت، حوزه های امنیتی شهر، اساتید مدارس خصوصی، شورای ولایتی که این جلسات از طریق تلویزیون ملی و تلویزیون روشنی تحت پوشش نشراتی نیز قرار گرفته است.
- سازماندهی جلسه تحت عنوان شهید منیر دوکتور محمد ایاز نیازی با اشتراک خطباء و امامان، اساتید دانشگاه ها، جوانان و علماء مرکز و ولسوالی ها در مقر ریاست ارشاد، حج و اوقاف و مسجد جامع شاروالی.
- معرفی علماء کرام در میزهای گرد و شبکه مختلف تلویزیون، تعداد رادیو ها محلی به ده میز گرد و مصاحبه راجع به ویروس کرونا (کوید ۱۹)، حقوق زن از دیدگاه اسلام، منع خشونت علیه زن، دین و اندیشه، کاهش تلفات غیر نظامی، حفظ الصحه، احتکار و گران فروشی، کمک و همکاری ثروتمندان برای فقراء، حقوق اطفال، قاچاق انسان و اطفال و مذمت آن از دیدگاه دین مبین اسلام، حفاظت محیط زیست.
- برای تعداد (۵۱۷) تن خطباء و امامان مساجد مرکز و ولسوالی ها با همکاری ریاست محترم صحت عامه در مورد واکسین پولیو و جلوگیری از ویروس کرونا در تالار ریاست صحت عامه از تاریخ ۱۳۹۹/۲/۹ الی ۱۳۹۹/۲/۲۵ توسط آمر ارشاد و مدیر عمومی احتساب سیمینار دایر گردید.

دستاوردها:

- مبلغ (۳۱۸۲۹) افغانی عواید اوقافی جمع آوری و به حساب تحویل بانک گردیده است.
- کروکی و نقشه دو جریب دو بسوه و سیزده بسواسه زمین غضب عبدالرحیم ولد عبدالشهید در ولسوالی امام صاحب.

د ننگرهار ولایت د ارشاد، حج او اوقافو ریاست راپور

د اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیریت په برخه کی:

- د سرطان میاشتی په ۱۲ مه نیټه د جلال آباد ښار په اوومه ناحیه کی د تبلیغی مرکز اړوند تقویه الایمان مدرسی د پرانستی په غونډه کی د اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیر گډون کړی وو .
- د اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیر قاری عتیق الرحمن فضلی د بیان رادیو سره د کرونا ویروس په هکله مرکه کړی ده
- د اسد میاشتی په څلورمه نیټه د شنبی ورځ د ارشاد ، حج او اوقافو ریاست اړوند رسمی خطیبانو ملا امامانو سره نوبتی غونډه د اوقافو رئیس قاری محمد داود مجاهد په مشری جوړه شوه، چی د افغانستان د ملی بیرغ ورځ نمانځلو او دسولی اړوند مسایلو په هکله خبری وشوی .
- د اسد میاشتی په ۷ مه نیټه د ارشاد، حج او اوقافو ریاست په تالار کی د ملی بیرغ ورځ ونمانځل شوه چی د ننگرهار ولایت جید علمای کرامو پکی برخه اخستی وه او دبیرغ اهمیت بیان شو .
- د اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیر د ملی رادیو تلویزیون سره مرکه کړی او د ملی بیرغ د دری رنگه په هکله یی ژورنالستانو پوښتنو ته ځواب ورکړی دی .

د مساجدو عمومی مدیریت په برخه کی:

- دا چی د اونی د ارشاد، حج او اوقافو وزارت لخوا د استغفار په نوم نومول شوی ده نو خپل مقتیدیان زیات استغفار ته وهڅوی .
- د چاپیریال ساتنه او په دی هکله د اسلامی شریعت هدایت او د هر مسلمان مسولیت دی .



د اوقافو عمومي مدیریت په برخه کی :

- د چمن الدین مسجد د غصب شوی ځمکي څخه ۱۲ بیسوی د ترلاسه کیدو په درشل کی ده .
- د سخی صاحب د غصب شوی ځمکي څخه ۱۲ جریبه یی د ترلاسه کیدو په درشل کی ده .

د تعلیمات علوم دیني او تدریب ائمه مدیریت په برخه کی :

- دپسود ولسوالی د خوشگنبدکلی مربوط دالجامعه صدیقه مدرسی څخه لیدنه وشوه، استادانو اوشاگردانو ته لازمه هدایت وشو.
- د جواهر القرآن و السنه مدرسه څخه لیدنه وشوه، استادانو او شاگردانو ته د بشخو حقوق د اسلام له نظره معلومات ورکړ شو.

د هلمند ولایت د ارشاد، حج او اوقافو ریاست راپور

- د دی ریاست د اطلاعات او عامه اړیکو مدیر چی مخکی هم کمیسیون جوړ شوی وولی د کرونا د ناروغی د خپریدو په خاطر یی کنترول او نظارت ځنډیدلی وو چی د امنیه قومندانۍ، د ملی امنیت، د اطلاعاتو او کلتور، د ځوانانو آمریت، ملی رادیو تلویزیون او د ارشاد حج او اوقافو استازی په کښی گډون درلودل نظارت او کنترول وکړ.
- په ښار اولویو مارکیټونو کی مبالغی تلفون ته د کمپیوټرونو له لاری چی کوم فلمونه او ترانی ثبتوی د هغو کمپیوټر کارانو ته لازمی سپارښتی وشوی وروسته یی دسمی وکیلانو ته لارښوونی وشوی چی که چیری دوهم ځل دا عمل تکرار شی کمپیوټرونه ورڅخه اخستل کیږی او بیانه ورکول کیږی.

- د ارشاد، حج او اوقافو ریاست د اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیر د ټولو ذیدخلو ادارو او د اطلاعاتو او فرهنگ ریاست څخه مننه وکړه چی په ښارکی د غیر اخلاقی فلمونو د مخنیوی لپاره پروخت اقدام کوی او د مارکیټونو کمپیوټرونه کنترول او نظارت کوی او اسلامی خپرونو په ترویجولو او ځوانان د ناوړه کارونو څخه په مخنیوی کی د ارشاد حج او اوقافو ریاست سره پروخت همکاری کوی چی دایونیک عمل دی.

د پکتیکا ولایت د ارشاد، حج او اوقافو ریاست راپور

د پکتیکا ولایت مرکز او اړونده ولسوالیو له قومی مشرانو ، علماو ، د شهیدانو وارثینو او معلولیت لرونکو وگړو سره په مشورتی ناسته د ولایت مقام د غونډو په تالار کی ترسره شوه :غونډه د قران عظیم الشان د څو مبارکو آیاتونو په تلاوت سره پیل شوه پرانیستونکی وینا او ښه راغلاست د ارشاد حج او اوقافو د رئیس لخوا وویل شو او همدارنگه د وزارت څخه راغلی هیت ته د علماو او مساجدو ستونزی او مشکلات او د دی ترڅنګ یی د حجاجو د سهمی د زیات والی هیله وکړه او له هغو څخه یی غوښتنه وکړه ترڅو زمونږ ستونزی او مشکلات لوړو مقاماتو ته ورسوی ورپسی د علماو او مدارسو مشکلات لوړو مقاماتو ته ورسوی ورپسی د علما د جمعی څخه د مرکز شرنی د جامع مسجد خطیب هم د علماو په نمایندګی د علماو او مدارسو مشکلات ، ستونزی او په هیواد کی د سولی او یوالی په باب د اسلام له نظره هر اړخیزه وینا واوروله ، د شهیدانو او معلولیت لرونکو وگړو په نمایندګی هم خبری وشوی او دهغو ستونزی یی د کابل څخه راغلی پلاوی ته وړاندی شوی او همداشان د ارشاد حج او اوقافو وزیر محترم مولوی عبدالحکیم منیب د ویدیو پیغام له لاری د غونډو کډونوالو ته خپله ارزښت ناکه وینا وړاندی کړه او همداشان د کرونا ویروس د مخنیوی په موخه هم خبری وکړی ددی ترڅنګ یی په هیواد کی د تل پاتی سولی هیله وکړه، ورپسی د شهیدانو او معلولینو چارو وزیر هم په خپل ویدیو پیغام د غونډی کډونوالو ته واورول، په جمهوري ریاست کی د چارو د اداری مشاورینجینیر شیر احمد فیضی هم هر اړخیزی خبری وکړی او همداشان یی د غونډی کډونوالو ته ډاډ ورکړ ترڅو پوری ستاسو شته مشکلاتو ته به د حل لاره پیدا کوی، د شهیدانو او معلولینو په چارو کی د دولت وزارت د عامه اړیکو رئیس او د ارشاد، حج اوقافو د وزارت نمایندګه(ضیالحق فضلی) هم په شته مشکلاتو او دهغو د حل په موخه یی خلکو ته اطمینان ورکړ چی ستاسو ستونزی به تر لوړو مقاماتو ورسوی، اخیرنی وینا د ولایت مرستیال والی لخوا راغلو خلکو ته واورول شو په اخیری غونډه د دعایی سره پای ته ورسیده.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت غور

برنامه ارشادي:

- تدویر ۱۰ جلسه با خطباء و ائمه مساجد تحت شهر فیروز کوه و تعیین موضوعات(آگاهی دهی پیرامون ویروس کرونا، جلوگیری از عنعنات ناپسند و مصارف گزاف عید، جایگاه صلح و مصالحه در اسلام، و تعیین نماز عید رمضان، حفاظت از محیط زیست حقوق اطفال و ...)
- توزیع (۱۰۱۸) جلد قرآن کریم در مساجد در مدارس مرکز و ولسوالی ها مطابق رهنمود مقام وزارت.
- توزیع و پخش (۱۲۷۶) فتوای شرعی وزارت محترم ارشاد حج و اوقاف در مورد وقایه و جلوگیری از ویروس کرونا.
- به تعداد (۱۹۰۰۰) هزار اوراق تبلیغاتی شامل بروشور، پوستر و بلیورد جهت جلوگیری و آگاهی از شیوع بیماری کرونا در مساجد و منابر شهر ها و قریه جات توسط ائمه ، خطبا و تیم ها و مبلغین سیار بخاطر آگاه دهی مردم توزیع گردید.
- اتخاذ تدابیر وقایوی و توزیع رهنمود در مساجد بمنظور پیشگیری از شیوع ویروس کرونا در نماز های پنجگانه، جمعه و عیدین.
- به تعداد (۱۰۰۰) بسته بهداشتی شامل صابون و دستمال و (۶۶۶) بوتل مایع دست شوی و (۸۳) دانه جا مایع برای مساجد و مدارس مرکز و ولسوالی ها از کمک های موسسه یونیسف توزیع و به دسترس مردم قرار داده شد.
- در جلسات ماهوار صحت عامه، شبکه حفاظت از اطفال، کمیته منع خشونت علیه زنان، مبارزه علیه مواد مخدر، حمایت از معارف و سواد آموزی، محیط زیست و اشتراک صورت گرفته است.
- سهم گیری در برنامه های تلویزیونی و رادیویی به منظور آگاهی دهی دینی و توصیه های وزارت صحت عامه پیرامون جلوگیری از شیوع ویروس کرونا.

